

زبان آذری ادبی معاصر

آواشناسی - قواعد نگارش

تالیف:

دکتر محمد تقی زهتابی

استاد زبان و ادبیات آذری دانشگاه

ویراستاری و پیشگفتار از:

دکتر علی اکبر ترابی (حلاج اوغلو)

زبان آذری ادبی معاصر

آواشناسی - قواعد نگارش

تألیف :

دکتر محمد تقی رحمت‌آبی

استاد زبان و ادبیات آذری دانشگاه

ویرتساری و پیشگفتار از :

دکتر علی اکبر ترابی (محلج ادغلو)

انتشارات نوبل - تبریز

نام کتاب: زبان آذری ادبی معاصر .

مؤلف: دکتر محمد تقی زهتابی .

رداکتور: دکتر علی اکبر ترابی .

ناشر: انتشارات نوبل – تبریز .

چاپ افسست سعدی

نوبت چاپ: چاپ اول

تیراژ: نسخه

تاریخ انتشار: پائیز ۱۳۷۰

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است .

فهرست مندرجات

پیشگفتار

ص - ص

ص - ص

زبان آذری ادبی معاصر

بخش نخست

کلیات درباره زبان: زبان گفتاری و زبان نوشتاری - رابطه زبان گفتاری با زبان نوشتاری - عناصر سازنده زبان (واژگان - گنجینه کلمات پایه‌ای - استخوان بندی گرامری)

ص - ص

بخش دوم

زبان آذری: مختصری درباره ترکان ایران - زبان آذری در خانواده زبان‌های ترکی - تشکل زبان ادبی آذری - نگاهی به تاریخ زبان آذری - زبان آذری ادبی معاصر .

ص - ص

بخش سوم

ترکیب آوایی یا فونتیک زبان آذری: مصوت‌ها و گروهبندی آن‌ها - بی صداها و گروهبندی آن‌ها - بخش یا هجا - حادثه‌های صوتی در زبان آذری - تغییر و تبدیل و افزایش و کاهش آوا .

قانون هماهنگی صداها: قوانین هماهنگی صدا دارها - قوانین هماهنگی صدا دارها با بی صداها - قوانین توالی بی صداها .

ص - ص

مسئله الفبا: الفبای آذری و جریان تکاملی آن - تغییر الفبا - الفبای آذری - ترتیب الفبایی حروف آذری .

ص - ص

بخش چهارم

قواعد نگارش زبان اصل فونتیک (صوتی) و زبان آذری - اصل مورفولوژیک آذری ادبی معاصر (صرفی) و زبان آذری - اصل تاریخی و زبان آذری - بررسی قواعد کلمات "دخیل" در زبان آذری - شیوه نگارش کلمات اصیل آذری - شیوه نگارش مصوت‌های آذری - نمونه‌هایی از شیوه نگارش متون آذری معاصر .

ص - ص

پیشگفتار

زبان وسیله تفهیم و تفاهم، بیان اندیشه ها و عواطف و تبادل نظر میان انسان هاست .

انتقال فرهنگ، بویژه فرهنگ معنوی، از نسل های پیشین به نسل های حال و آینده و از قوم و ملتی به قوم و ملتی دیگر را زبان برعهده دارد؛ تا آنجاکه، با قاطعیت می توان گفت، تعمیم فرهنگ و ایجاد ارتباط میان اقوام و ملل و عناصر فرهنگ های آنان جز از راه زبان ممکن نیست .

بعلاوه، زبان به عنوان یکی از مظاهر حیات اجتماعی، در طی تکامل جامعه و در پیوند با دیگر پدیده ها و نهادهای اجتماعی به رشد و تکامل خود ادامه می دهد .

دگرگونی ها و تحولات حاصله در شئون مختلف اجتماعی، پیشرفت های جزیی و کلی که در فرهنگ مادی و معنوی جامعه ها رخ می دهند، غالباً " نخست در زبان گفتاری و سپس به تدریج در زبان نوشتاری منعکس می شوند و سبب غنای زبان و توسعه و تکامل آن می گردند . بدیگر سخن، زبان همانند موجود زنده ای در جامعه زاده می شود، به حیات خود ادامه می دهد، در پرتو رشد کافی خود به صورت زبان گفتاری، به سن بلوغ یعنی مرحله زبان نوشتاری گام می نهد و آنگاه این دو (زبان گفتاری و زبان نوشتاری) در پیوند با یکدیگر و در ارتباط با سایر مظاهر حیات اجتماعی و تحولات فرهنگی، گسترش و تکامل می یابند، غنی، و غنی تر می گردند، رشد و تکاملی که، مؤلف دانشمند کتاب، با دقت نظر و همه سونگری ارجداری، در مورد زبان آذری، در کتاب حاضر، مورد توجه قرار داده و تا آنجا که از حوصله کتاب بیرون نباشد، بوجهی علمی بدان پرداخته است .

از سوی دیگر، با ژرف نگری در ساخت آوایی زبان و قوانین زبان شناختی که، نخستین گام اساسی در آموزش زبان و از مهم ترین بخش های مطالعه و بررسی های زبان شناختی است، مؤلف با روشی علمی و بوجهی آموزنده، با رعایت اصل "لازم و کافی"، هر چند "مختصر و مفید" این مبحث دشوار را مورد مطالعه قرار داده و آموزش این بخش مهم از زبان آذری را برای علاقه مندان و دانش پژوهان آسان ساخته است.

* * *

بعلاوه، چنانکه می دانیم، قواعد نگارش هر زبان در نتیجه تعدد نظرات و سلیقه های نویسندگان و شاعران و دست اندرکاران مطبوعات و فرهنگ و ادب از سویی، و دگرگونی های حاصله در زبان گفتاری در طی زمان از سوی دیگر، در اغلب فرهنگ ها، غالباً "دشواری های زیادی را به وجود آورده و می آورد". این موضوع و توجه بدان، بویژه در مورد زبان آذری ادبی معاصر که، در طی تاریخ، مدت ها، از زبان نوشتاری خود نیز مهجور مانده است، از لحاظ فرهنگی امری است - اگر نه حیاتی - دست کم بسیار مهم و در خور کمال توجه و بی گمان اگر همت دانش دوستانی مانند مؤلف نبود، نگارش درست و رسای این زبان با هرج و مرج و با دشواری های سخت مواجه می گردید.

* * *

کتاب حاضر که، حاصل بیش از نیم قرن پژوهش و آموزش زبان آذری از سوی مؤلف در مدارس عالی و دانشگاه هاست، با در نظر گرفتن اصول علمی آموزش، آنچنانکه دشوارترین مطالب و مباحث به ساده ترین و همه فهم ترین شکلی بیان شود، نوشته شده است و خواننده، با مطالعه کتاب، آگاهی های ارجداری در باره گذشته و حال و ویژگی های زبان آذری ادبی معاصر کسب می کند و به شناخت علمی آن و در وهله نخست به شناخت ترکیب صوتی (یا فونتیک) زبان آذری توفیق می یابد، و سپس با آشنایی دقیق با قواعد نگارش زبان مذکور که دقت نظر و ژرفکاری علمی مؤلف در این مورد خاص (بخش چهارم: قواعد نگارش زبان آذری ادبی معاصر) در خور هرگونه تحسین است، در املا و نوشتن "زبان نوشتاری آذری معاصر" تسلط پیدا می کند.

* * *

آنچه در کتاب حاضر، بویژه در جریان طرح و بررسی مطالب، بیشتر نظر را جلب می کند، این ویژگی مهم است که خواننده بخوبی احساس می کند که، در شرح و توضیح تمام مطالب، مؤلف، نه تنها به عنوان یک نویسنده، بلکه همانند استادی مهربان، در تمام موارد و حتی در تمام جزئیات مربوط به تعلیم مطالب، در کنار خواننده و همراه اوست، و دست خواننده را گرفته پا به پای او پیش می رود، و آنی وی را به حال خود رها نمی کند، هر موضوع دشوار را با مثال یا مثال هایی روشن و روشن تر می سازد. در هر زمینه ای بوجهی سهل و ممتنع، ولی در همه احوال روشن و رسا، به آموزش و راهنمایی و روشنگری می پردازد. مسلماً " این چنین همه سونگری علمی و اتخاذ اینگونه روش آموزش ارجدار علمی از سوی مؤلف، پژوهشگری که، عمری را عملاً " در تدریس و تعلیم و تربیت در دانشگاهها سپری کرده است، امری کاملاً " طبیعی بوده و هست. یعنی از یک پژوهشگر دقیق و معلم فداکار همیشه این انتظار بوده و هست که، خواننده علاقمند را، بی آنکه دشواری های آموزش زبان از کار بازش دارد، بوجهی ساده و آسان در راه شناخت زبان و تسلط در زبان گفتاری و نوشتاری بخوبی یاری نماید. در واقع مؤلف، این منظور را در چهار بخش زیرین تأمین نموده است:

- بخش نخست: زبان گفتاری و زبان نوشتاری و عناصر سازنده زبان.
- بخش دوم: زبان آذری، شکل زبان آذری و نگاهی به تاریخ تکامل آن.
- بخش سوم: شناخت ساخت آوایی زبان آذری معاصر و قوانین آن.
- بخش چهارم: قواعد نگارش زبان آذری ادبی معاصر.

* * *

سخن آخر در باره کتاب " زبان آذری ادبی معاصر " آنکه: با توجه به خلاء عظیمی که در زمینه کتاب های مربوط به زبان آذری در این سرزمین در طی سده ها وجود داشته است، کتاب حاضر که، از سوی مؤلفی محقق، با استفاده از روش علمی و آموزشی ارجدار نوشته شده، همانند باران پر برکت و حیات بخشی است که، بر کشتزارها و درختان از بی آبی سوخته این دیار نازل می شود و فرهنگ و زبان و ادبیات این سرزمین را پر بارتر و غنی تر می سازد.

امید است ، مؤلف دانشمند کتاب با پژوهش و نگارش آثار سودمند و راهگشای دیگر در زمینه زبان و ادبیات ، به توسعه و غنای این بخش از فرهنگ معنوی ، بیش از پیش خدمت نماید و با افزودن به کتاب های کم شمار آموزش زبان ، نسل های حاضر و آینده را در کار و خلاقیت فرهنگی ، در دامنه ای گسترده تر ، مدد رساند .

تبریز- علی اکبر ترابی (حلاج اوغلو)

باغیشلایان ، اُولو ، یۆکسک ، انیلمه یین و رحیم !
 بو یوک آدینلا سنین باشلانیر بو اینجی دایلم .

زبان آذری ادبی معاصر

در جریان مسافرت به کشورهای اروپای باختری که حدود بیست سال پیش صورت گرفت، به هنگام دیدار و گفتگو با جوانان و دانشدوستانی که، شیفته آموختن زبان مادری مان بودند ، غالباً " به خلاء دل آزاری که ، نبودن کتاب و امکانات لازم در این زمینه بوجود آورده است ، اشاره می گردید ؛ اینان مصرا نه خواستار آن بودند که، کتاب جامعی که، حاوی ضروری ترین قواعد بنیادی زبان آذری باشد و بوجهی علمی زبان مادری را آموزش دهد ، تالیف و در اختیار اینگونه علاقه مندان قرار داده شود .

به منظور پاسخ گویی به این درخواست - و درست تر ، برای رفع این عطش فرهنگی - به سال ۱۳۵۵ شمسی کتاب " ایران تورکجه سینین صرفی " (صرف زبان ترکی ایرانی) از سوی مؤلف ، چاپ و پخش گردید .
 در مورد کتاب حاضر اشاره به چند نکته ضروری است :

اولاً - با در نظر گرفتن لزوم طرح مضامین کتاب به زبان مشترک همه مردم ایران، با صلاح دید دانشمندان گرانقدر دانشگاه ، کتاب به زبان فارسی به رشته تحریر در آمد .

ثانیا - از سه بخش آواشناسی ، الفبا و قواعد نگارش و واژه شناسی زبان آذری ادبی معاصر ، مبحث آواشناسی زبان آذری با توجه به اهمیت و ضرورت ویژه اش ، بوجهی گسترده تر و همه جانبه تر مورد بررسی قرار گرفت .

در نگارش این بخش ، از تجارب گرانبها و آثار سودمند دانشمندان آذربایجان

شوروی و ترکیه استفاده شده است. بعلاوه، نظر بر اینکه، از سالها پیش الفبای عربی در مناطق ترک نشین زیادی جای خود را به الفباهای دیگر داده است، از اینرو در نگارش بخش الفبا و قواعد نگارش زبان آذری، اساساً، به تجارب دانشمندان و صاحب نظران زبان فارسی و عربی و آذری در ایران و همچنین به پژوهشها و بررسی های شخصی مؤلف استناد گردیده است.

در مورد واژه شناسی زبان آذری ادبی با کمال افتخار باید یاد آور شد که، مؤلف از بررسیها و تجارب دانشمندان و صاحب نظران آذربایجان شوروی استفاده نموده است؛ در این میان آثار استادان گرانمایه خویش آکادمیسین م. آ. شیرعلیف و پروفیسور مختار حسین زاده را اساس کار و مطالعات خود قرار داده است. مخصوصاً کتاب "زبان معاصر آذربایجان" جلد اول که، حاصل جمع بندی افکار و آرای تمام دانشمندان و زبان شناسان مذکور، بویژه آکادمیسین م. آ. شیرعلیف و ز. ی. بوداقووا است، بوجهی گسترده و ژرف مورد استفاده قرار گرفته و در مطالعه و نگارش اکثر مسائل مربوط به لغت شناسی و تقسیمات آن به عنوان مهم ترین منبع در نظر گرفته شده است؛ از اینرو مؤلف وظیفه خود میدانند که، در اینجا با تجدید صمیمانه ترین احترامها، مراتب سپاسگزاری خود را به استادان گرانقدر مذکور ابراز دارد.

دانشگاه تبریز - محمدتقی زهتابی

۱۳۶۰/۱/۳۰

* * * * *

معاصر دنیادا هر بیر دیری دیلین اوئرنامه سی اوچون اونون آشاغیداکی
دوئرد اساس جهتی ترتیبله ایشیقلا ندیریلار:

۱- دیلده اولان سوئرلرین معنا خصوصیتلری، (لئکسیکولوژی = علم معانی)

۲- دیلین سس قورولوشو و قانونلاری، (فونئتیک)

۳- دیلین صرفی، (مورفولوژی)

۴- دیلین نحوی، (سینتاکسیس)

الینیزده اولان بو کتاب معاصر ادبی آذری دیلینین سس قورولوشو و یازی
قایدالارینین، بوندان سونرا نشر اولوناجاق کتاب دیلیمیزین لئکسیکولوژیسی -
(علم المعانیسی) نین اوئرنامه سینه مخصوص دور.

بو ایکی کتابین وطنیمیزین مختلف دیللی بوتون اهالیسینین دردینده ایم-
بیلمه سی و استفاده ائده بیلمه سینین لزومو احتمالیینی نظره آلاراق، اونلارین
فارسجاسی اولجه چاپ ائدیلیر.

آللاهین کوئمگی و عنایتی ایله بو ایکی کتابین آردینجا آنا دیلیمیزین
اوئرنبیلمه سینی تکمیل لشدیرمک اوچون، اونون سس قورولوشو و صرفینی احاطه
ائده ن:

"معاصر ادبی آذری دیلی (سس - صرف)"

و اونون آردینجا دیلیمیزین نحوینی احاطه ائده ن:

"معاصر ادبی آذری دیلینین نحوی"

کتابلاری آنا دیلیمیزده - آذریجه یایینلانا جاق دیر.

"مؤلف"

بخش نخست :

زبان گفتاری با زبان نوشتاری

انسان ها از نخستین روز پیدایش اجتماعات نیاز به تفاهم فیما بین و تبادل نظر و بیان مافی الضمیر خویش به همدیگر را احساس نموده اند . این نیاز باعث پیدایش زبان ، البته بتدریج و در طول هزاران سال ، در اجتماعات بشری گردیده و وسیله تفهیم و تفاهم بین افراد جامعه های بشری شده است . در دنیای امروز مردم هر اجتماعی ، از سویی با استفاده از زبان از افکار همدیگر آگاهی شوند و از سوی دیگر از افکار گذشتگان و اجتماعات دور دست دیگر استفاده می کنند و افکار و نتایج تجارب خود را به اجتماعات دور دست می رسانند و به نسل های آینده به یادگار می گذارند . این گفته ، دو ویژگی عمده زبان را روشن می سازد :

۱ - زبان وسیله همبستگی و تفاهم بین افراد هر جامعه است و بدون زبان امور و روابط معمولی اجتماع از جریان طبیعی خارج شده و جامعه از هم می پاشد ؛ بسدیگر سخن ، مردم در پرتو زبان ، افکار همدیگر را می فهمند ، کارهای شخصی و اجتماعی خود را هماهنگ می کنند و با آگاهی از اندیشه های یکدیگر نیروی خود را در جهت استحکام روابط اجتماعی و پیشبرد آن به کار می اندازند . در این مرحله ، زبان شکل شفاهی یا حالت مکالمه دارد .

۲ - زبان وسیله ای اجتماعی است که ، انسانها به مساعدت آن به شکل نوشته ؛ الف - از زندگی ، تاریخ ، تجارب و افکار گذشتگان بطور کلی آگاهی شوند . ب - اندیشه ها ، طرز زندگی ، نتایج تجربه ها و تاریخ خود را به نسل های آینده به یادگار می گذارند .

ج - افکار ، شیوه های معیشت ، تجارب زندگی ، شناخت ها و آگاهی های خود را به اجتماعات دور دست معاصر خود می رسانند و از تجارب و دست آورد های فرهنگی آنها برخوردار می گردند .

در تمام این حالت ها ، زبان شکل نوشته (نوشتار) به خود می گیرد .
از این دو ویژگی ، اولی به مراتب کهن تر از دومی است . تاریخ هر زبان شفاهی ، تا زمان پیدایش و شکل گیری ملتی که به آن زبان حرف می زند ، پیش می رود . زبان به مثابه یکی از سنگ های زیر بنایی هرملتی ، باتشکل و تکامل آن ملت ، پس از پیدایش ، مراحل تکامل را می پیماید و با تحول تاریخی آن ملت به حیات خود ادامه می دهد . بنابر این هر زبان شفاهی (گفتاری) عموماً " هزاران سال قبل از پیدایش خط و ایجاد زبان مکاتبه (نوشتاری) وجود داشته است .

رابطه زبان گفتاری با زبان نوشتاری

در نتیجه علل گوناگون اقتصادی ، اجتماعی و تاریخی که از حوصله این نوشته بیرون است ، در میان هر قوم و ملتی به تدریج خط اختراع شده ، با پیشرفت تاریخ تکامل یافته و زبان نوشتاری و یا ادبی را بوجود آورده است .
قبل از پیدایش زبان نوشتاری و یا ادبی ، در اثر گسترش توده های هم زبان در اراضی مجاور پهنای و با ضعف و یا قطع روابط اقتصادی و فرهنگی بین آنها ، در طول عصرها ، لهجه ها و گویش های گوناگون هر زبان به وجود آمده اند . این لهجه ها و گویش ها علیرغم فرق های محسوس بین آنها ، دارای ساختمان گرامری (ساختار دستوری) واحدی بوده اند . در اثر پیدایش مراکز فرهنگی ملی ، در روند تاریخ و عوامل گوناگون دیگر ، یک و یا چند لهجه از لهجه های زبان گفتاری هر ملتی در مرکز تشکل زبان نوشتاری و یا ادبی مردم هم زبان قرار گرفته و با عناصر مختلف از قبیل مفردات و قواعد لهجه های دیگر به تدریج غنی تر و کامل تر شده است .

به طور خلاصه زبان گفتاری در حکم زیر بنا و مواد اولیه زبان نوشتاری و یا ادبی هر ملتی می باشد .

زبان ، مانند هر پدیده اجتماعی دیگری با پیشرفت اجتماع و مردمی که از آن زبان بهره می جویند ، در حال پیشرفت ، تکامل ، تغییر و دگرگونی است .

پایه پای توسعه فرهنگ، علم، تکنیک، اقتصاد و اجتماع هر ملتی، زبان آن ملت نیز از لحاظ مفردات و ترکیب لغوی غنی تر، از لحاظ فونتیک زیباتر، از حیث قواعد صرف و نحو دقیق تر، گویاتر و سنجیده تر می شود. تمام این دگرگونی ها ابتدا در زبان شفاهی صورت می گیرند و خود نمایی می کنند. این دگرگونی ها باید به تدریج جای خود را در زبان ادبی نیز باز کنند، تا جایی که زبان گفتاری و نوشتاری یا تکلم و نوشته دوشا دوش هم پیش روند و یکدیگر را غنی تر سازند و شکاف بین آنها ژرف نگردد.

زبان آذری نیز در جریان تاریخ تکامل خویش چنین راهی را پیموده است. اگر تغییرات حاصله در مکالمات در زبان ادبی منعکس نگردد، با گذشت زمان، فرق بین زبان ادبی و شفاهی بیشتر و شکاف بین آنها ژرف تر می گردد. این شکاف با گذشت زمان به حدی زیاد و عمیق می گردد که زبان نوشتاری برای توده های مردم نا مفهوم می گردد و بالاخره این کار باعث گسستن کامل روابط و پیوندها بین زبان گفتاری و نوشتاری می گردد.

این امر بیشتر در قرون گذشته روی می داد. در اثر رویدادها و حوادث بزرگ اجتماعی زبان های ادبی از بین رفته، جزو زبان های مرده درمی آمد و زبان گفتگوی مردم جای زبان ادبی را می گرفت. به عنوان مثال می توان از زبان فارسی قبل از اسلام، زبان ارمنی قبل از قرن نوزده میلادی (گرایار) و زبان عثمانی تا سال ۱۹۲۹ یاد کرد.

در باره پیوند و فرق بین زبان شفاهی و نوشته ادبی نکات زیر را باید در نظرگذاشت:

۱- در باره ترکیب صوتی یا آوایی زبان (فونتیک) باید در نظر داشت که، لهجه های گوناگون هر زبان شفاهی دارای اصوات به مراتب بیشتر از اصوات (فونم = واج) آن در زبان ادبی است و زبان ادبی فقط اصواتی را در خود جمع می کند که در تمام و یا اکثر لهجه ها موجود بوده و برای تمام متکلمین آن زبان عمومیت دارند. لذا در لهجه های مختلف یک زبان شفاهی به دهها صوت برخورد می کنیم که به زبان ادبی راه پیدا نمی کنند و برعکس در زبان ادبی به صوتی برخورد نمی کنیم که در همه و یا اکثر لهجه های آن زبان وجود نداشته باشد.

پیش از این متذکر شدیم که زبان مانند هر پدیده اجتماعی پا به پای اجتماع تغییر و تکامل می یابد. این قانون کلی شامل ترکیب صوتی هر زبان نیز هست. لذا، ممکن است، در طول تاریخ در اثر تکامل زبان، یک و یا چند صوت در تمام و یا اکثر لهجه های یک زبان از تلفظ ساقط شده و اصوات نوی ظاهر گردند. در این صورت اصوات ساقط شده در اکثر لهجه ها از زبان ادبی نیز حذف شده و به جای آنها اصوات نود را اکثر لهجه ها به زبان نوشته راه می یابند. به عنوان نمونه می توان نشان داد که، در اکثر لهجه های زبان آذری، صوتی بنام "نون صغیر" بوده است که، از قدیمی ترین اصوات زبان های ترکی محسوب می شده است و به شکل "Ing" تلفظ شده و به صورت "که" نوشته می شده است، اما این صوت امروزه نه در لهجه های زبان آذری به کار می رود و نه در زبان ادبی آذری معاصر مورد استعمال دارد. اما این صوت، به علت وجود آن در اکثر لهجه های ترکمنی معاصر، در زبان ادبی معاصر ترکمنی نیز مورد استعمال دارد.

۲- در مورد صرف (مورفولوژی) باید متذکر شد که، زبان ادبی عمومی ترین و فعال ترین قواعد تغییر کلمات زبان را در خود جمع کرده و مورد بررسی و مطالعه قرار می دهد. بنابر این، ممکن است، بعضی از قواعد موجود در این ویاتان - لهجه زبان و یا چند لهجه آن نتواند به زبان ادبی راه پیدا کند. به عنوان مثال - علامت مصدر زبان آذری در لهجه تبریز و بعضی از لهجه هاوشیوه های مجاور آن، در تمام مصادر، صرف نظر از محکمی و نرمی مصوتهای آنها، "ماخ" می باشد (مانند: گلماخ (آمدن) - قاجماق (دویدن) ...) در صورتی که، در اکثر لهجه های زبان آذری، علامت مصدر، بر اساس نرمی و یا محکمی مصوت های آن، یکی از دو علامت "آق" و "اک" می باشد. لذا در زبان ادبی امروزی آذری و اکثر زبان های ترکی علامت های اخیر رسمیت پیدا کرده و استعمال می شود.

از سوی دیگر ممکن است بعضی از قواعد صرفی یک زبان در لهجه های گوناگون آن به اشکال کاملاً متفاوت به کار برده شود. در این صورت اصولاً استعمال لهجه و یا لهجه هایی که، در مرکز شکل گیری زبان ادبی بوده و از لحاظ تاریخ زبان برتری دارد، اساس قرار می گیرد. به عنوان نمونه علامت سوم شخص مفرد زمان حال افعال در زبان ادبی آذری معاصر را در نظر بگیریم: این علامت در

لهجه های مختلف زبان آذری به اشکال گوناگون به کار برده می شود. چنانکه، در لهجه تبریز و لهجه ها و شیوه های مجاور آن از علامت "IRi^۴"، در لهجه باکو و اکثر لهجه های آذربایجان شمالی از علامت "IR^۴" و در لهجه اردبیل و آستارا از علامت "Ey" استفاده می شود. با در نظر گرفتن این که لهجه های تبریز و باکو در مرکز شکل زبان ادبی معاصر آذری قرار گرفته و از لحاظ تاریخ زبان برتری با دو علامت نخستین می باشد، در زبان ادبی معاصر آذری، آن را، به شکل "IR^۴" و احياناً "به شکل" IRi^۴ استعمال می کنند.

۳- در باره نحوه (سینتاکس) زبان نیز باید یادآوری نمود که، ترکیبات جمله های ساده و یا مرکب موجود در اکثر و یا تمام لهجه های زبان تکلم پایه و مایه اساس نحو زبان ادبی قرار می گیرد. در این مورد کافی است یادآوری شود که، در زبان محاوره های تمام لهجه های زبان معاصر آذری استعمال جمله های مرکب غیرتابعی و تابعی، بویژه بواسطه حرف ربط "کی" بی نهایت گسترش یافته است. در صورتی که این جمله های مرکب زبان آذری در زبان معاصر ترکی آنادولو به شکل جمله های ساده به کار برده می شوند. روی همین اصل بحث در باره نحو زبان ادبی معاصر آذری جمله های مرکب تابعی بی نهایت گسترده و مرکب می باشد و این جمله ها دارای انواع مختلف، حروف ربط گوناگون و ترکیب های ویژه ای هستند. در صورتی که این بحث در زبان معاصر ترکی آنادولو محدود بوده و از اهمیت چندانی برخوردار نیست.

۴- در زبان های زنده معاصر جهان زبان محاوره ای مردم مهمترین منبع زنده، جوشان و سرچشمه فنا ناپذیر برای زیباتر و پربارتر شدن زبان ادبی است. تغییرات صوتی و صرفی و نحوی هر زبانی ابتدا در زبان معمولی و مکالمات روزمره مردم شکل می گیرد. بهترین تعابیر و اصطلاحات، تشبیهات و استعارات، کلمات مرکب زیبا، اصطلاحات، امثال و حکم... اول در زبان گفتاری مردم ساخته می شود. زیباترین کلمات اصیل هر زبان سالها و قرن ها، بدون این که به زبان ادبی راه یابد، به شکل ناب و اصلی خود، در لهجه های گوناگون یک زبان به حیات خود ادامه می دهند و چون الماس پاره ای آغشته به گرد و خاک اصالت و زیبایی خود را حفظ می کنند... از این رو وظیفه دانشمندان، محققین

، نویسندگان و ادبای هر زبان است که با استفاده از این گنجینه بی کران، اولاً " زبان ادبی را غنی تر، زیباتر و شکوفاتر کنند، ثانیاً " جلو از بین رفتن ابداعات محاوره‌ای مردم و کلمات و تعبیر و تشبیهات و استعارات مردمی راسد نمایند و ثالثاً فاصله بین زبان ادبی و زبان گفتاری را کمتر نمایند .

عناصر سازندهٔ زبان

علمای زبان شناسی در بررسی‌های خود در طول تاریخ و در زمینهٔ زبان‌های گوناگون به این نتیجه رسیده‌اند که هر زبان از سه عنصر اصلی ترکیب می‌شود:

۱ - واژگان : واژگان و یا ترکیب لغوی مجموع کلماتی را گویندگی، در تکلم و یا نوشته‌های ادبی - علمی یک زبان به کار گرفته می‌شوند. مردم در زندگی روزمرهٔ خود غالباً "بر کلمات و اصطلاحات ادبی - علمی زیادی نیاز ندارند. از این رو مجموع کلماتی که در نوشته‌های ادبی - علمی یک زبان به کار برده می‌شوند به مراتب بیش تر از مجموع کلماتی است که در زبان محاوره و زندگی عادی مردم به کار می‌رود. زبان شفاهی، زبان ادبی و ترکیب لغوی آنها، در رابطهٔ تنگاتنگ با سیر تاریخ زندگی مردمی که به آن زبان سخن می‌گویند و در پرتو تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، در حیات آن مردم، دست خوش دگرگونی‌ها، فزونی‌ها و کاستی‌ها می‌شوند. دهها و صدها کلمات بیگانه، در رابطه با دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، در عرض چند ده سال به ترکیب لغوی زبان وارد شده در نوشته‌ها و در زبان تکلم استعمال می‌گردند و پس از استعمال در فاصلهٔ زمان معین که، گاه به صدها سال بالغ می‌گردد، برخی از آنها متروک و از ترکیب لغوی زبان خارج می‌شوند. باید در نظر داشت که، کلمات بیگانه در مدت استعمال خود در ترکیب لغوی یک زبان، تابع قواعد کلی آن زبان شده و به تدریج از لحاظ صوتی شکل اولیهٔ خود را از دست می‌دهند و به قوانین صوتی زبان گرایش پیدا می‌کنند. واژگان و یا ترکیب لغوی هر زبان به مثابهٔ هاله‌ای است در اطراف گنجینهٔ کلمات پایهای و استخوان بندی گرامری زبان و چون مرحلهٔ آزمایشی و پختگی کلمات بیگانه است برای ورود آنها به گنجینهٔ کلمات پایه ای.

۲- گنجینه کلمات پایه‌ای

بخشی از کلمات ترکیب لغوی زبان، کلمات اصیل و اساسی آن زبان اند که، از بدو پیدایش آن زبان و یا مدت زمان درازی در آن زبان به کار برده شده است. مجموعه این کلمات را گنجینه کلمات پایه‌ای و یا کلمات مادر آن زبان می نامند. کلمات این بخش زبان دارای ویژگی هائی است که، در کلمات ترکیب لغوی به آنها برخورد نمی کنیم. یکی از این ویژگی ها جنبه مایه‌ای - مادری بودن آنها است، یعنی اساساً این کلمات اند که، مایه اساسی آن کلمات جدید زبان را تشکیل می دهند که، در نتیجه پیشرفت اجتماع، اقتصاد، علم، تکنیک... و ظهور مفاهیم جدید اجتماع به وجود آن کلمات احساس نیاز می کند. جامعه، علم و تکنیک با سرعت روز افزونی به پیش می روند، موفقیت های جدیدی به دست می آورند، اسرار جدید طبیعت را کشف می کنند، به کیهان سفر می کنند و پرده از روی هزاران اسرار برمی دارند و با کشف آتم و تجزیه آن بی کرانسی کیهان را در داخل آن نیز مشاهده می نمایند. در صحنه این فراختای طبیعت انسان به هزاران اشیاء و مفاهیم جدیدی برخورد می کند که، تاکنون برایش غیر قابل تصور بود. تعبیر و تسمیه این مفاهیم جدید به یاری کلمات قدیم کاری است غیر علمی و غیر ممکن لذا، انسان مجبور به ایجاد کلمات جدید برای این مفاهیم نوین می باشد. در اینجا است که، خصوصیت مایه‌ای - مادری گنجینه کلمات پایه‌ای و نقش مهم آنها به طور وضوح جلب نظر می نماید. زیرا همین کلمات پایه‌ای هستند که، مایه اساس کلمات جدید مفاهیم نورایی ریزی می کنند. به عنوان نمونه کلمه "ماهواره" فارسی را در نظر مجسم کنیم که، از بیست و اند سال به این طرف در اثر پیشرفت علم و دانش و پیدایش مفهوم کیهانی تازه براساس کلمات پایه‌ای "ماه" و "واره" این زبان بوجود آمده است.

از همین جا پیدا است که، یکی از مایه های اساسی غنا، پیشرفت و شکوفائی هر زبان در راه صحیح در همین کلمات پایه‌ای نهفته است. با نگاهی زودگذر به زبان های فارسی امروز و ترکی آنادولومی بینیم که، در عرض پنجاه سال اخیر

چقد رکلمات و اصطلاحات زیبا و اصیل در این دو زبان براساس کلمات پایه‌ای این دو زبان به وجود آمده و جای کلمات عربی و زبان های اروپائی را گرفته‌است؛ خصوصیت دیگر کلمات پایه‌ای زبان، قدمت آنهاست. اصولاً "عمر کلماتی که جزء گنجینه کلمات پایه‌ای هر زبان محسوب می شوند به مراتب بیش تر از عمر سایر کلمات ترکیب لغوی آن بوده و غالباً "عمر آنها تا زمان های پیدایش خود زبان قدیمی می باشد. نباید فراموش کرد که، خود کلمات پایه‌ای در طول عصرها از لحاظ ترکیب صوتی (فونتیک) دگرگونی هائی را از سر می گذرانند و پا به پای تغییر، تکامل، پیشرفت و زیبا شدن ترکیب صوتی زبان بطور کلی، تغییر شکل می دهند و اصوات سخت و زمخت آنها به صداهای زیبا و آهنگین مبدل می شوند.

بعنوان نمونه تغییرات کلمه "بوئیوک = بزرگ" آذری را در طول تاریخ از نظر به گذرانیم. کلمه امروزه "بوئیوک" تا هزار و پانصد و هزار سال پیش در زبان های ترکی به شکل "بذوک" یعنی "به هیچ کس سر فرود نیاورنده" و "بزرگ" استعمال می شد. در آن دوران ها زبان ترکی دارای صداهای خشن و صعب التلفظ، مانند "ذ = DH" بود که، با گذشت زمان به صورت زیبا و سهل التلفظی چون "ؤ" تغییر یافته است. در نتیجه این تغییر و تغییرات چند دیگر کلمه "بذوک" به بوئیوک "امروز مبدل شده است (به جا خواهد بود اگر متذکر شویم که، "قلعه بذ"، در نزدیکی شهر کلبر که، مرکز فرماندهی بابک خرمی بود، از همین کلمه مشتق شده است.)

ویژگی دیگر بخشی از کلمات گنجینه اساس زبان در این است که، فقط جنبه مایه‌ای دارند. فرق این ویژگی با خصوصیت نخستین این کلمات در آنجا است که، در ویژگی مادری کلمات به طور مستقل دارای معنا بودند و مایه اساس کلمات جدید را نیز تشکیل می دادند. اما این بخش کلمات گنجینه اساسی زبان به تنهائی و خارج از متن معنائی را افاده نمی کنند و فقط حامل مفهومی می باشند که، هنگام پیوستن به کلمات آن مفهوم را به آنها اضافه می نمایند لذا اطلاق لفظ "کلمه" به اینها اصولاً درست نیست، اما در اصطلاح "کلمات گنجینه اساسی" منظور ما مفهوم اعم این لفظ می باشد، نه مفهوم اخص آن.

نمونه این گونه کلمات در زبان فارسی لفظ "خود" و تمام پیشوندها و پسوندهای فارسی و همچنین در زبان آذری کلمات "اوز" و "بیله" و تمام پسوندهای آذری می باشند که، در خارج از متن و بطور مجرد مفهومی را در نظر مجسم نمی کنند و زمانی مفهوم آنها روشن می گردد که، به کلمات دیگری به پیوندند و یا کلمات دیگری به آنها ملحق شوند.

ویژگی دیگر کلمات گنجینهء اساسی در پا برجائی آنها است. این کلمات با استخوان بندی گرامری هر زبان پشتوانهء هستی و موجودیت آن زبان می باشد. گنجینهء کلمات اساسی در طول صدها سال بندرت کلمه ای را از دست می دهد و یا کلمهء بیگانه ای را به داخل خود راه می دهد. گنجینهء کلمات اساسی در قبول کلمات جدید و ترک کلمات دیرین بی نهایت محافظه کار و دیرجنب است. این گنجینه به کلمات خودی عشق می ورزد، با وجود تغییرات فونتیک زیاد در طول عصرها از آنها دل بر نمی کند، آنها را از خود نمی راند، به آنها وظایف جدیدی محول می نماید و یا بر اساس نیازهای زمان و اجتماع آنها را وارد میدان فعالیت جدید می کند، به آنها دوباره جان می دهد و روح تازه می بخشد. به عنوان مثال سرگذشت کلمهء "چریک" را یادآور شویم:

این کلمه از ده و اند سال پیش، هنگام اعتلای مبارزهء مردم ایران در آستانهء انقلاب عظیم بهمن بر سر زبان ها افتاد. شاید تا به امروز اکثر هم میهنان ما این کلمه را یک کلمهء اروپائی می دانند. در حالی که، این کلمه یک لفظ اصیل ترکی است. تا هزار و پانصد و هزار سال پیش در زبان ترکی کلمهء "چئریگ" از کثیرالاستعمال ترین کلمات بوده و به معنای "سرباز- جنگاور- دلور، جنگجو...". بکار می رفت. در دوران اسلامی این کلمه به ندرت مورد استفاده قرار می گرفت و با وجود بقای آن در بعضی از کلمات جغرافیائی/مانند کلمهء "چئرگری" (که، یکی از محله های شبستر می باشد) تقریباً "جزو کلمات متروک و مرده به شمار می رفت. با وجود استفاده از کلماتی چون "قیزیل باش- مجاهد- فدائی" در طول تاریخ مبارزات مردم آذربایجان برای "سرباز، دلور...". این کلمه جزء کلمات فراموش شده بود. اما از اوایل سالهای پنجاه و دوباره جان گرفت و بامضمون جدید که، نزدیک به مفهوم اصلی اش می باشد، وارد میدان فعالیت شد و حیات

جدیدی را آغاز کرد .

گنجینه کلمات اساسی به همان اندازه که ، ترک کلمات خودی و سواس نشان می دهد ، در قبول کلمات جدید بیگانه سرکش و مقاوم و دیر جنب می باشد . کلمات جدید بیگانه زمانی به گنجینه کلمات اساسی زبان راه پیدا می کنند که مدت زمان طولانی در ترکیب لغوی زبان به کار رفته و از لحاظ صوتی و صرفی با کلمات اصیل زبان هماهنگ و همگون شده باشند . کلماتی که ، قابلیت همگونی و هم جنسی با کلمات اصیل زبان را نداشته باشند ، پس از مدتی از ترکیب لغوی زبان خارج می شوند و فقط آن کلمات اجازه ورود گنجینه کلمات اساسی را کسب می نمایند که به توانند ترکیب صوتی خود را تغییر دهند و انعطاف لازم برای استعمال در زبان را از خود نشان دهند . تازه پس از ورود به گنجینه کلمات اساسی این کلمات نمی توانند مستقیماً " جزو کلمات پایه ای و مادر زبان قرار گیرند . بلکه ابتدا جزء کلمات مایه ای پذیرا و غیر فعال در می آیند تا ماهیت اولی خود را کاملاً " دگرگون کنند و تمام ویژگی های اولی به جزمضمون راکه ، با خصوصیات زبان منافات دارد از دست بدهند و صد درصد ویژگی های زبان را بپذیرند .

۳- استخوان بندی گرامری :

منظور از استخوان بندی گرامری مجموعه قواعدی است که ، براساس آنها کلمات یک زبان تلفظ می شوند (قواعد فونتیکی) ، تغییر شکل می یابند (قواعد صرفی) و یا برحسب معنی به ترتیب خاصی پهلوی هم نوشته می شوند و افاده مرام می نمایند (قواعد نحوی) . بنابراین مجموعه قواعد هر زبان سومین عنصر سازنده هر زبان می باشد .

کلمات هر زبان به دانه های مروارید پراکنده می مانند و هنگامی به شکل گردنبند دلفریب در می آیند که ، نخ قواعد زبان آنها را به ترتیب لازم به هم پیوند دهد . کلمات یک زبان ، هر قدر هم زیاد باشند ، بدون استخوان بندی گرامری قادر القای فکری نیستند ، هر چند که ، اندیشه ها ، سرانجام ، به صورت مفاهیم

عرضه می گردند. از سوی دیگر قواعد یک زبان بدون کلمات آن بطور مجرد قابل درک نیست و قواعد در سیمای کلمات و تغییرات آنها است که، به هستی خود شکل می دهند و خود نمائی می کنند. بطوری که میتوان گفت کلمات بدون قواعد به همان اندازه پوچ می باشند که قواعد بدون کلمات بی معنا هستند. به تعبیر دیگر، قواعد و کلمات لازم و ملزوم یکدیگرند و بعضاً "آنها چنان به هم گره می خورند که تفکیک آنها از یکدیگر آسان نیست. به ویژه پسوندها و پیشوندها که، هریک هم مفهوم گرامری خاص و هم معنای کلمه ای معین را در خود جمع می کند.

اگر تغییرات گنجینه کلمات اساسی نسبت به دگرگونی های ترکیب لغوی به مراتب کندتر انجام می گیرد، باید گفت که تغییرات استخوان بندی گرامری از دگرگونی های گنجینه کلمات اساسی نیز به مراتب کندتر است؛ بطوری که، دگرگونی جزئی قواعد صوتی، صرفی و یا نحوی زبان عصرها متعادی وقت لازم است.

با وجود مفاهیم مشترک گرامری در همه و یا اکثر زبان ها اصولاً "هرزبانی دارای قواعد گرامری ویژه خویش است که با معیارهای زبان های دیگر قابل بررسی نمی باشد (باید یادآوری کرد که، وجوه مشترک بین دوزبان برادر بیشتر می باشد).

از آنچه بطور اختصار در باره عناصر تشکیل دهنده زبان گفتیم، می توان نتیجه گرفت که، عناصر سازنده مذکور بطور ناگستنی به هم مربوط بوده و پیوندی اندام واره، زنده و مستمر باهم دارند. این پیوند به اندازه ای استوار و همه جانبه می باشد که، آن سه عنصر مجموعه کلی رابه وجود می آورند که زبان نامیده می شود و بدون وجود یکی از آنها زبان نمی تواند وجود داشته باشد.

بخش دوم:

زبان آذری

امروزه بیشتر از یک سوم اهالی میهن ما به زبانی تکلم می کنند که، اهالی آذربایجان ایران بدان زبان سخن می گویند. این مردم از قدیمی ترین زمان ها زبان خود را "ترکی" نامیده اند. در تمام دواوین و آثار علمی - ادبی قدیم ادبیات آذری و فارسی نیز این زبان را "ترکی" نوشته اند و امروز نیز چنین می باشد. چنان که، استاد شهریار نیز در اثر "حیدر بابایه سلام" خود می گوید "تۆرکی یازدیم اوخوسونلاراؤزلری". هیچ دهقان بی سواد آذربایجانی زبان خود را جز "ترکی" نمی نامد.

مرحوم مدرس در اثر "ریحانه الادب" خود اصطلاح "ترکی آذربایجانی" به کار برده است^۱، تا فرق این زبان را با سایر زبان های ترکی نشان داده باشد. پس از انقلاب اکتبر و تشکیل جمهوری شوروی آذربایجان اصطلاح "زبان آذربایجانی" نیز در بین آذربایجانیان شوروی رونق گرفت و تاکنون نیز ادامه دارد.

امروز در علم زبان شناسی ترکی (تورکولوژی) در مقیاس جهانی به دو اصطلاح "زبان آذری" و "زبان آذربایجانی" بیش تر برخورد می کنیم که، فزونی با اصطلاح "زبان آذری" می باشد و به نظرم نیز این اصطلاح علمی تر است، زیرا "آذربایجان" مفهوم جغرافیائی است که، از قدیمی ترین زمان ها به اراضی خاص اطلاق شده است. از اینرو استعمال اصطلاح "زبان آذربایجانی" طبیعتاً "مفهوم محدود خود را به دایره عمل زبان نیز تحمیل خواهند نمود؛ در صورتی که متکلمین به این زبان به اراضی آذربایجان محدود نبوده و اکثراً "در خارج از محدوده جغرافیائی آذربایجان نیز زندگی می کنند. امروز در حدود نصف متکلمین به این زبان در ایران، در خارج از آذربایجان ایران ساکنند. علاوه بر این، ترکان عراق و ترکیه شرقی نیز به این زبان گفتگو می نمایند؛ در شوروی نیز متکلمین به این زبان در خارج از محدوده آذربایجان شوروی قابل ملاحظه می باشند.

مختصری در باره ترکان ایران

زبان ترکی در ایران با توطن ترکان در ایران آغاز شده است. تعیین آغاز دقیق و حتی تقریبی این توطن مستلزم بررسی‌ها و فرصت‌های زیادی است که، از حوصله این نوشته خارج است. منابع تاریخی روشنگر این حقیقت اند که، در دوران ساسانی‌ها و نخستین سده میلادی،^۱ ترکان قباچاق و خزر در آذربایجان بوده‌اند و به اصطلاح خودشان با "تاتها" یک جا زندگی می‌کرده‌اند.

محمود کاشغری مؤلف کتاب "دیوان لغات الترک" که، خود در سده دهم میلادی در زمان اوغوزها می‌زیسته، می‌نویسد: این قبایل بزرگ ترک در آن زمان بین دریاچه خزر و رود جیحون زندگی می‌کردند. این ایل بزرگ از سده ۱۱ میلادی شروع به مهاجرت کرده و از جنوب خزر به آذربایجان رسیده و تشکیل حکومت داده‌اند. از این دوران و به ویژه از قرن ۱۲ میلادی به بعد ترکان در منطقه نیروی مهم شدند. نباید فراموش کرد که، قباچاقها، خزرها و اوغوزها هر دو از قبایل غربی ترکان و دارای لهجه واحدی بودند. محمود کاشغری در کتاب خود، هنگام گروه بندی لهجه‌های ترکی، این دو قبيله را در یک گروه جای داده و در سرتاسر کتاب خود هنگام اشاره به تلفظ‌های گوناگون کلمات غالبا "نام‌های اوغوز و قباچاق را با هم ذکر می‌کند. بنابراین قباچاق‌ها و اوغوزها که، در زمان‌های مختلف و از راه‌های گوناگون به آذربایجان آمده‌بوده‌اند، هر دو دارای لهجه واحد و یا نزدیک به هم بوده‌اند و از اینرو هنگام آمدن اوغوزها در قرن ۱۱ میلادی بدون کوچک‌ترین برخوردی با خزرها و قباچاق‌های پیشین ادغام شده و اساس زبان نوشتاری آذری را پی‌ریزی نموده‌اند.

نخستین اثر نوشته که، از ترکان آذری به دست ما رسیده موسوم به "کتاب دده قور قود" است که، مربوط به قرن ۱۳ میلادی، یعنی صد سال پس از استقرار

۱ - کسروی، احمد: آذری یا زبان باستان آذربایجان، امیرکبیر، تهران،

و یا آغاز توطن اوغوزها در آذربایجان می باشد .
 شکی نیست که ، زبان ترکان اوغوز قبل از این دوران نیز ، همانند سایر
 ترکان آسیای میانه ، ترکی بود و از آن دوران ها آثار و سنگ نبشته های فراوان
 در دست است که ، نمایانگر وضع و چگونگی زبان ترکی در قرن های اول تا یازدهم
 میلادی است ^۱ . این زبان خود زبان پخته ادبی کاملی است ، ولی بادر نظر گرفتن
 این که ، زبان ترکی نوشتاری آذری با ویژگی های خاص خود از قرن ۱۱ میلادی
 شکل گرفته و آثار نوشته از خود به یادگار گذاشته است ، از اینرو بحث از وضع
 زبان ترکی دوران های قبل از قرن ۱۱ میلادی را به " تاریخ گرامر زبان " موکول
 نموده ، بحث و بررسی در باره زبان معاصر ادبی آذری را دنبال می کنیم .

زبان آذری در خانوادهٔ زبان‌های ترکی

آثار تاریخی و سنگ نبشته‌هایی که، به آنها اشارهای گذرا نموده‌ایم، نشان می‌دهند که، ترکان لااقل در قرن‌های اول و دوم قبل از میلاد در آسیای میانه زندگی می‌کردند. تمام سنگ نبشته‌های اساسی مذکور اراضی زیست ترکان آن روزی را از سرحدات چین تا در بند امروزی (داغستان شوروی) یعنی "دمیر قابو" نشان داده‌اند. پیش از این تاریخ و بعد از آن، ترکان به تدریج به سوی شمال و جنوب و شرق و غرب محل اصلی خود گسترده شده‌اند بطوری که، امروز از سواحل اقیانوس کبیر تا سواحل دریای مدیترانه و از کوه‌های اورال در شوروی تا مراکز چین و خلیج فارس و عراق، در سرزمین‌های بس پهناور زندگی می‌کنند. روشن است که، وسعت خاک، طول زمان و گسستن پیوندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در طول عصرها، ملت واحد ترک را به ملل گوناگون تقسیم کرده‌است که، امروز هریک دارای زبان ملی خاص خویش است و تعداد این ملت‌ها امروزه بیش از ۱۵ می‌باشد. متخصصین زبان ترکی و مراکز متعدد تورکولوژی این ملل را براساس محل زیست و ویژگی‌های زبان آنها به انواع گوناگون گروه‌بندی و ملل ترک زبان را به ۳ گروه تقسیم نموده‌اند:

۱- ترکان شرقی ۲- ترکان شمالی ۳- ترکان غربی.

ترکان غربی شامل ترکان ترکمنی، ترکان آذری و ترکان آنادولو (ترکیه امروز) می‌باشند. این ترکان به سه زبان حرف می‌زنند:

۱- زبان ترکمنی ۲- زبان آذری ۳- زبان ترکی آنادولو

توضیح این که، زبان ترکان عراق و شرق ترکیه، چنان که قبلاً "بدان اشاره نمودیم، با ترکان آذری یکی بوده و دارای تفاوت‌های لهجه‌ای است.

ترکان آذری از لحاظ جغرافیائی با ترکمن‌ها از طرف شرق و ترکان آنادولو از طرف غرب همسایه‌اند و زبان آن‌ها نیز به زبان‌های ترکمنی و ترکی آنادولو نزدیک‌تر از زبان‌های سایر ترکان است.

تشکل زبان ادبی آذری

بررسی های علمی نشان می دهند که، تشکل زبان آذری ادبی (گفتاری و نوشتاری) به نخستین سده های میلادی برمی گردد. (۱) با در نظر گرفتن واقعیت مذکور می توان گفت که، متکلمین به زبان آذری علاوه بر آن که در بیش تر مناطق ایران زندگی می کنند، در بیرون از مرز های آن نیز در عراق، ترکیه، آذربایجان شوروی گسترده شده اند. طبیعی است که، وسعت اراضی، تقسیم این اراضی بین دولت های مختلف و بالنتیجه گسستن روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باعث پیدایش لهجه های مختلف این زبان در طول تاریخ شده است. با در نظر گرفتن این که این لهجه ها به ویژه در ایران و عراق از لحاظ علمی مورد بررسی و تدقیق قرار نگرفته اند، از پرداختن بدانها خودداری کرده، به ذکر لهجه هائی اکتفا می کنیم که، مایه اساسی زبان ادبی معاصر آذری را تشکیل داده است.

از بررسی لهجه های گوناگون و تاریخ تطور زبان آذری محققین و صاحب نظران تورکولوق و به ویژه علمای گرامر تاریخی آذربایجان به این نتیجه رسیدند که، در شکل گیری زبان ادبی معاصر آذری در طول تاریخ لهجه های تبریز و باکو مایه اساسی آن را تشکیل داده و عناصر لهجه های دیگر آن را کامل تر نموده و به شکل کنونی درآوردند. البته این کار به خواست های فردی بستگی نداشته بلکه نتیجه عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بوده است که، شهرهای تبریز و باکو در طول تاریخ از سر گذرانده اند. این دو شهر در سده های گذشته و در حال حاضر مهم ترین مراکز اقتصادی و دو کانون اساسی فرهنگ و تمدن آذری بوده و هست. عوامل اقتصادی و اجتماعی تبریز و باکو را در مرکز توجه تمام آذربایجانیان قرار داده و آنها را در رابطه دائم با خود نگاه داشته است. این پیوند عناصر گرامری این دو لهجه را در سرتاسر آذربایجان و بین لهجه های

۱- ر. ک. به: عبدالازل محمد اوغلو دمیرچی زاده، آذربایجان ادبی دیلن

تاریخی، بیرینجی حصه، معارف نشریاتی، باکو، ۱۹۷۹.

مختلف آن گسترش داده است. از سوی دیگر وجود مراکز علمی و چاپ و نشر در این دو مرکز، در مطبوعات و آثار و کتاب های چاپ شده به لهجه های باکو و تبریز اهمیت زیادی داده اند. با توجه به علل مذکور، این دو لهجه در طول تاریخ مایه اساسی زبان ادبی آذری را تشکیل داده و به تدریج عناصری را نیز از لهجه های دیگر جذب کرده و کامل تر شده است.

در رابطه با لهجه های تشکیل دهنده زبان ادبی آذری ذکر این نکته نیز ضروری است که، گفتن این که لهجه های تبریز و باکو مایه اساسی زبان ادبی آذری را تشکیل داده اند، بدان معنی نمی باشد که تمام عناصر گرامری موجود در این دو لهجه بی کم و کاست در زبان ادبی به کار گرفته شده اند؛ بلکه برعکس، هم در لهجه تبریز و هم در لهجه باکو به عناصر گرامری زیادی نیز برخورد می شود که با قوانین زبان ادبی مغایرت دارند از اینرو در زبان ادبی جایی برای خود باز نکرده اند.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که زبان ادبی معاصر آذری از آن عناصر گرامری لهجه های مختلفی از این زبان تشکیل یافته است که در همه و یادراکتر لهجه ها عمومیت داشته و اکثر این عناصر در دو لهجه تبریز و باکو وجود داشته اند.

ناگفته نماند که استفاده از زبان ادبی و استعمال آن در مطبوعات، رادیو، تلویزیون، پژوهش علمی آن زبان، تدریس بدان زبان در مدارس ابتدائی و متوسطه و دانشگاه و غیره، یعنی اشاعه آن بین توده های متکلم بدان زبان باعث کم شدن این شکاف بین لهجه های یک زبان از سویی و بین لهجه ها و زبان ادبی از سوی دیگر می گردد؛ برعکس عدم استعمال آن باعث عمیقتر شدن این شکاف ها به مرور زمان می شود.

نگاهی به تاریخ زبان آذری

چنان که پیش از این اشاره کردیم، قدیمی ترین اثر نوشته به زبان آذری که تا به حال به عالم علم معلوم است، مربوط به عصر ۱۲ میلادی، یعنی سده دوم توطن ترکان اوغوز در آذربایجان، بوده و به "کتاب دده قورقود" موسوم است که، اثری است فولکلوریک و از مهم ترین آثار حماسی معروف جهان شعرده می شود. مطالعه این کتاب و مقایسه زبان آن با زبان ادبی امروزی آذری نشان می دهد که، این زبان، همانند هر زبان زنده، در طول هشت صد سال از لحاظ ترکیب لغوی، گنجینه کلمات اساسی و استخوان بندی گرامری تغییرات چشم گیری به خود دیده است. از مطالعه آثار ادبی این زبان در طول زمان به وضوح می بینیم که، زبان ادبی آذری مراحل متعددی را از سر گذرانده است. مطالعه و بررسی دقیق و همه جانبه این مراحل از حوصله این بحث خارج است و مستلزم فرصت کافی است و از طرف دیگر کاری است مستقل که، در "تاریخ گرامر زبان آذری" مورد بررسی قرار می گیرد. در این جا اشاره ای بس کوتاه به این مراحل می کنیم:

نخستین مرحله مهم تطور زبان آذری با ورود کلمات، تعابیر، ترکیبات و اصطلاحات بی شمار عربی و فارسی مشخص می گردد که، تا اوایل قرن ۱۸ میلادی به طول انجامیده است. قبول اسلام از طرف ترکان و زندگی مشترک با ملل اسلامی علت اساسی چنین تطوری بوده است.

باید متذکر شد که، در طول این مدت به موازات این زبان سنگین ادبی در ادبیات آذری مکتب ساده نویسی نیز ادامه داشت که، از ادبیات شفاهی مردم آذربایجان مایه می گرفت. بعضی از آثار شاه اسماعیل ختائی و همچنین منظومه "ده نامه" او بهترین نمونه این گونه آثار است.

دومین مرحله تطور زبان ادبی آذری از قرن ۱۸ میلادی آغاز می گردد. در این مرحله زبان آذری به زبان شفاهی خلق نزدیک می شود، وزن شعر فولکلوریک آذری جای اساسی را در شعر می گیرد؛ کلمات، تعابیر، ترکیبات و اصطلاحات

عربی و فارسی جای خود را به کلمات و تعابیر ترکی آذری می‌دهند؛ ملا پناه واقف از پیش کسوتان این مکتب و زبان به شمار می‌رود. این مرحله که تا آغاز بسط روابط سرمایه داری در آذربایجان، یعنی تا اواخر سده نوزده میلادی به درازامی‌گشت، از پربرترین دورانهای ادبیات آذری به شمار می‌رود. بهترین نمونه‌های زبان ساده آذری این دوران را در نمایشنامه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، خامنه‌ای و اشعار لیریک قاسم بیگ ذاکر مشاهده می‌کنیم.

مرحله سوم تطور زبان آذری از پیدایش روابط سرمایه داری تا کنون می‌باشد. ویژگی‌های اساسی این دوران محدود شدن کلمات و اصطلاحات عربی و فارسی از یک سو و ورود عده‌ای از کلمات اروپائی به زبان از سوی دیگر می‌باشد. جای اکثر کلمات و ترکیبات عربی و فارسی را کلمات اصیل آذری و یا کلمات و ترکیباتی اشغال می‌نمایند که بر اساس گنجینه کلمات اساسی و استخوان بندی زبان آذری ایجاد شده‌اند. در این کار نقش روزنامه‌ها، مجلات و کتب و همچنین تدریس به زبان آذری و توسعه بی سابقه و همگانی شدن تئاتر و نمایش بی‌نهایت بزرگ بود. نمایشنامه‌های مشهور جعفر جبارلی، روزنامه ملانصرالدین و اشعار ساتیریک میرزا علی اکبر صابر و اخیراً "شاهکاری نظیر استاد شهریار" حیدربابایا سلام "از لحاظ سادگی زبان می‌توانند بهترین نمونه و معرف زبان این دوران باشند.

لازم به تذکر می‌باشد که، مراحل فوق الذکر بی‌نهایت عمومی بوده و هر یک دارای دوران‌های ویژه با خصوصیات گوناگون و متمایز از هم می‌باشد و در اینجا فقط به اشاره‌ای کلی اکتفا کردیم. داوطلبین می‌توانند به دهها اثر پرارجی که در این موضوع از طرف دانشمندان زبان شناس به رشته تحریر درآمده‌اند مانند: "ترکیب لغوی شاه اسماعیل ختائی" نوشته، مینایه جواد اوا، "نسمی دلینین لکسیکاسی" نوشته "جهانگیر قهرمانوف"، "آذربایجان ملی ادبی دلینین تشککو" نوشته "مرادجان جهانگیر اوف" مراجعه نمایند.

بخش سوم :

ترکیب صوتی یا فونتیک زبان آذری

زبان تکلم (گفتاری) زبان نوشته و ادبی (نوشتاری) هر ملتی از جمله‌ها، جمله‌ها از کلمات و کلمات از صداها به وجود می‌آید. هرزبانی، علاوه بر صداها، مشترک با دیگر زبان‌ها، اصولاً "دارای صداها، خاص خود نیز می‌باشد. از اینرو برای آموزش درست هر زبانی باید ابتدا اصوات موجود در آن زبان (فونم‌ها) چگونگی پیدایش این صداها، دگرگونی‌های آن‌ها و قوانین ویژه این دگرگونی‌ها را مورد بررسی قرار داد.

بخشی از علم زبان شناسی راکه، فقط از صداها، تکلم انسان بحث می‌کند، آواشناسی یا (فونتیک) می‌نامند.

صداها، تکلم زبان توسط اورگان‌های (اندام‌های) تکلم ایجاد می‌شوند. مهم‌ترین اورگان‌های تکلم از این قراراند: زبان، سقف دهان، دندان‌ها، بن‌دندان‌ها، نوک دندان‌ها، لب‌ها، تارهای صوتی، جهاز تنفس، گلو، ملازه (دیلچک) خلأ دهان، خلأ بینی

صداها، تکلم، توسط این اورگان‌ها در زبان ادبی معاصر آذری ایجاد می‌شوند ۳۲ تا هستند. بخش عمده این آواها در شرایطی ایجاد می‌شود که، جریان هوا، هنگام خروج، در حلق و دهان به مانعی برخورد می‌کند. این آواها را بی‌صدا و یا صامت (سس سیز) می‌نامند. هر یکی از این آواها در الفبای آذری معاصر که، از ۸۰۰ سال پیش براساس الفبای عربی شکل گرفته‌است، دارای علامت خاص و یا حرف خود می‌باشد.

بقیه صداها، تکلم زبان معاصر ادبی آذری که، بخش کوچکی را تشکیل می‌دهد، در شرایطی ایجاد می‌شود که، جریان هوا هنگام خروج در حلق و دهان به مانعی

برخورد نمی‌کند و هوا با آزادی از حلق و دهان خارج می‌شود. این آواها را صدا دار و یا مصوت (سلسی) می‌گویند. شمارهٔ این صداها در زبان آذری معاصره تا ست. مصوت‌های نه‌گانه در الفبای آذری دارای علامت نبودند. این نقصان اشکالات فراوان در طول تاریخ در نوشته‌های ادبی آذری به وجود آورد هاست؛ بدین معنی که، نویسندگان و ادبای آذربایجانی برای منعکس نمودن تکتک این صداها از راه‌های گوناگون استفاده کرده‌اند. این کار در تلفظ صحیح صدا دارها دشواری‌های زیادی ایجاد کرده‌است. توضیح این‌که، در زبان ادبی آذری، همانند زبان‌های فارسی و عربی، برای نشان دادن مصوت‌ها از حروف "الف" و "واو" و "ی" بهره جسته‌اند. منتهمی اگر در زبان‌های عربی و فارسی از این سه حرف برای نمایاندن شش مصوت استفاده شده، در زبان آذری سعی شده‌است که، از این سه حرف برای نمایاندن نه مصوت بهره‌گیری شود. این امر اولاً "نمایان‌گردشواری کار و ثانیاً" نشان‌دهندهٔ هرج و مرجی است که طبعاً "از این راه به وجود می‌آید. این دشواری و هرج و مرج، البته در مقیاس محدودتری، در تمام زبان‌هایی که، از الفبای عربی بهره می‌گیرند، حتی در خود زبان عربی وجود دارد. کثرت مصوت‌ها و قلت حروف آنها و به‌ویژه نتایج ناخوش آیند آن، دانشمندان و متفکرین آذری را به تفکر دربارهٔ رفع این نقیصه واداشته‌است. کوشش‌های دانشمندان زبان‌شناس آذری در طول تاریخ به تدریج نتیجهٔ مطلوب خود را داده‌اند. این تلاش‌ها هم اکنون نیز ادامه دارند و ما بعداً "در این موضوع مفصل تری بحث خواهیم کرد.

مصوت‌ها (سلسی) و گروه‌بندی (تصنیف) آن‌ها

چنان که در بالا متذکر شدیم، زبان ادبی معاصر آذری دارای ۹ مصوت می‌باشد. در علم زبان‌شناسی آذری مصوت‌ها را فونم‌های (واج‌های) موجد مقطع و غیر مصوت‌ها را غیر موجد مقطع نیز نامیده‌اند. مصوت‌های زبان آذری بر اساس مخرج‌های خود، شرکت فعال و یا غیر فعال اورگان‌های صوتی در ایجاد آن‌ها و

همچنین محکمی و نرمی در تلفظ شان از جانب صاحب نظران و متخصصین زبان آذری به انواع گوناگون گروه بندی شده اند . از این تقسیمات گوناگون فعلاً " ما با دو گروه بندی ضروری که ، مورد تأیید همه زبان شناسان آذری نیز می باشند ، آشنا خواهیم شد .

قبل از آغاز به گروه بندی مصوت ها تذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که ، در زبان معاصر آذری مصوت های کشیده ، چنان که در زبان های عربی و فارسی هست ، وجود ندارد . توضیح این که این مسئله مربوط به کلمات ترکی آذری اصیل بوده و شامل بخشی از کلمات "دخیل" از زبان های فارسی و عربی نمی باشد . بخش مهم کلمات دخیل نیز در اثر کثرت استعمال در طول زمان با قوانین صوتی زبان آذری همگون شده و کشیدگی خود را از دست داده است . مانند کلمات : قایدا (قاعده) ، فایدا (فایده) ، شاهد ، آباد ، آزاد اما بخش دیگر این کلمات تاکنون وضع صوتی اصلی خود را حفظ کرده و کشیده تلفظ می شوند . مانند کلمات : آتش ، آذر ، عالم ، عارف

مصوت های نه گانه زبان ادبی معاصر آذری از دو دیدگاه گروه بندی می شوند :

۱- گروه بندی بر اساس محکمی (قالین) و نرمی (اینجه) در تلفظ:

مصوت های زبان آذری بر اساس محکم و یا نرم تلفظ شدن آن ها ، به دو گروه تقسیم می شوند :

۱- مصوت های محکم (قالین) .

۲- مصوت های نرم (اینجه) .

در جدول پائین این گروه بندی را با اشارات ویژه هر صدا ملاحظه می کنید . برای مقایسه و ایجاد امکان برای استفاده از منابع زبان شناسی چاپ شده در آذربایجان شوروی و ترکیه ، اشارات مشابه لاتینی و روسی (اسلاوی) را نیز به جدول افزوده ایم .

جدول نخست : حروف صدادار (سلسلی)

نرم (اینجه)					محکم (قالین)				
حروف	حروف لاتین	حروف آذری			حروف	حروف لاتین	حروف آذری		
		آخر کلمه	وسط کلمه	اول کلمه			آخر کلمه	وسط کلمه	اول کلمه
ə - ə	E - e	هـ	هـ	ا	A - a	A - a	ا	ا - ا	آ
u - u	I - i	ی	ی	ای	bl -	I - i	ی	ی	ای
E - e	E - e	ئ	ئ	ائ					
o - o	O - o	و	و	او	O - o	O - o	و	و	او
γ - γ	U - u	ۆ	ۆ	اۆ	γ - γ	U - u	ۆ	ۆ	اۆ

نرم (اینجه)

محکم (فالین)

با توجه به جدول فوق در می یابیم :

۱- از نه مصوت زبان ادبی معاصر آذری چهارتای آن محکم (قالین) و پنج تایی

دیگر نرم (اینجه) می باشد .

۲- به استثنای مصوت "ئ" ، در مقابل هر مصوت محکم ، بطور قرینه مصوت مشابه نرم و بالعکس وجود دارد . به عبارت دیگر هر مصوت هم شکل محکم و هم شکل نرم دارد .

از مصوت های نه گانه آذری صدا دارهای (ئ- و- و) جز در مقطع نخستین کلمه آذری نمی آیند و بقیه در مقاطع مختلف کلمه استعمال می شوند . این ویژگی دارای قانون خاصی است که ، بعداً " خواهیم دید .

۲- گروه بندی بر اساس شرکت لب ها در تلفظ صوت :

اگر به تلفظ صدا دارهای زبان معاصر ادبی آذری دقت شود ، ملاحظه خواهد شد که ، هنگام تلفظ پنج صدای اول جدول بالا ، لب ها حالت بی تفاوت به خود می گیرند و به اصطلاح زبان شناسان در ایجاد صوت شرکت فعال نمی کنند . اما در تلفظ چهار صدای آخری جدول ، لب ها حالت گرد بخود گرفته و به جلو کشیده می شوند و به اصطلاح زبان شناسی در ایجاد صدا فعالانه شرکت می کنند . بر اساس همین شرکت و یا عدم شرکت لب ها در تلفظ مصوت ها دانشمندان زبان آذری ، صدا دارهای نه گانه این زبان را به دو گروه تقسیم کرده و گروه اول را راست (دوداقلانمایان) و گروه دوم را گرد و یا مدور (دوداقلانان) نام گذاری کرده اند . این گروه بندی را در جدول پیشین مشاهده کردیم . با وجود این در جدول ذیل باز هم واضح تر می توان دید :

جدول دوم گروه بندی حروف صدا دار (سلسلی)

راست (دوداقلانمایان)				گرد (دوداقلانان)			
کلمه اول	وسط کلمه	آخر کلمه	مثال	کلمه اول	وسط کلمه	آخر کلمه	مثال
آ	ا -	ا -	آلما (سیب)	اؤ	ؤ	ؤ	اؤلماق (شدن)
ا	ه -	ه -	ه - الک (الک)	اؤ	ؤ	ؤ	سؤز (کلمه)
ای	ید	ی	قیزیل (طلا)	اؤ	ؤ	ؤ	اؤلدوز (سناره)
ای	ید	ی	ایکی (دو)	اؤ	ؤ	ؤ	اؤزوم (انگور)
ائ	ئ	ئ	ائل (خلق)				

آ (A): مصوت محکم و راست است. هنگام تلفظ این صدا زبان بطور آزاد به عقب کشیده می شود و بخش آخری آن به طور خفیف به قسمت آخری سقف دهان، یعنی بخش نرم آن، بالا می آید مثال: آغلاماق (گریستن)، آغاج (درخت)، باجا (روزن)، قارغا (کلاغ)، مارال (جیران)، وار (هست)، هاردا؟ (در کجا؟)، داملا (قطره)، تارلا (مزرعه)، قالاماق (انباشتن)

ا (a): مصوت نرم و راست و قرینه "آ" است. هنگام تلفظ این صدا قسمت پیشین زبان، به طور آزاد، پشت دندان های پائین جلوی جای می گیرد و بخش وسطی آن، به طور نامحسوس به طرف سقف دهان برآمدگی پیدا می کند. مثال: اله مک (بیختن)، بلمه مک (به قنداق پیچیدن) مله مک (صدا کردن گوسفند)، تمل (اساس - بنیان)، چن (مه)، سن (تو)، شن (شاد)، نهنه (مادر بزرگ)، منه (بمن)، چکمک (کشیدن)، اکمک (کاشتن)، اسمک (ورزیدن)، ایمک (خم کردن)، ارکک (نر)، دلمک (سفتن - سوراخ کردن)

ی (i): مصوت محکم و راست است. هنگام تلفظ این مصوت بخش خلفی وسط زبان و هم چنین قسمت خلفی آن به طرف سقف دهان بالا می آید و قسمت

پیشین زبان درین دندان های پایین جلوی جای می گیرد . مثال : ایلدیریم (رعد) ، قیز (دختر) ، قیزیل (طلا) ، قین (غلاف) ، میخ (میخ) ، ایللیق (ولرم) ، آییق (بیدار) ، بالیق (ماهی) ، آرتیق (زیادی) ، داغلیق (کوهستانی) ، آچیق (باز) ، قیوراق (چست وچالاک) ، پیچاق (کارد) ، بعضی از علمای زبان آذری معتقدند که ، صدادار محکم "ئ" در اول کلمات آذری استعمال نمی شود . ولی وجود کلماتی چون : ایلدیریم (صاعقه) ، ایشیق (روشنائی) ، ایللیق (ولرم) ، ایلغیم (سراب) ، نشان می دهد که ، این صدادار در اول کلمات آذری نیز می آید . منتهی نباید فراموش نمود که : این صدادار ، در اول کلمات آذری در بعضی موارد نیز نسبتاً " نرم تلفظ می شود . از این قرار :

چنان که بعداً " در بحث قانون هماهنگی صداها و به ویژه توالی صدادارها خواهیم دید ، هنگامی که ، صدادار محکم "ئ" در اول کلمه و یا بخش نخستین آن بیاید ، مصوت های بعدی آن کلمه جز "آ - ئ" نمی تواند باشد . حال اگر نخستین حرف کلمه "ئ" محکم بوده و صدادار بعدی باز هم "ئ" محکم باشد ، صدادار اول کلمه محکم تلفظ خواهد شد (چنان که در کلمات بالا دیدیم) . اما اگر کلمه با "ئ" محکم آغاز شود و مصوت بعدی کلمه "آ" باشد ، نخستین صدادار نرم و یا نسبتاً " نرم تلفظ خواهد شد . چنان که در کلمات زیر مشاهده می کنیم : ایلان (مار) ، ایراق (دور) ، ایسلاتماق (خیس کردن) ، ایرماق (رودخانه) .

ئ (N) : مصوت نرم و راست است . هنگام تلفظ این مصوت بخش پیشین زبان ، به طور آزاد ، در نیمه دندان های پایین جلوی جای می گیرد ، کنار لب ها به طور نامحسوس کشیده می شود ، بخش وسطی زبان به طرف سقف دهان خیلی نزدیک تر می شود و در نتیجه خلاء دهان به دو قسمت جلوی و عقبی تقسیم می شود . مثال : ایکی (دو) پیس (بد) ، بیلیمک (دانستن) ، بیر (یک) ، دیل (زبان) ، ایت (سگ) ، بیز (ما) ، شیت (بی نمک) ، سیز (شما) ، اکیز (دو قلو) ، دنیز (دریا) ، ایچ (به نوش) ، ایش (کار) ،

ئ (E) : مصوت نرم راست می باشد و جز در نخستین مقطع کلمات آذری نمی آید . هنگام تلفظ این مصوت بخش وسطی زبان به طرف سقف دهان

می‌آید، بخش پیشین زبان در بن دندان های پایین جلوی جای می‌گیرد و لب ها به طور خفیف به اطراف کشیده می‌شوند. مثال: ائل (خلق)، بئل (کمر)، یئل (باد)، سئل (سیل)، دئشمک (سوراخ کردن)، بئش (پنج)، گئتمک (رفتن)، ائتمک (کردن)، ائله (چنان)، بئله (چنین).

۱) ۰): مصوت محکم و گرد می‌باشد و جز در نخستین مقطع کلمات آذری نمی‌آید. هنگام تلفظ این مصوت لب ها حالت دایره‌ای به خود گرفته و به جلو کشیده می‌شوند، بخش مقدم زبان به قسمت پیشین سطح دهان کشیده می‌شود و انتهای بخش وسطی زبان به طرف قسمت پیشین نرم سقف دهان بالا می‌آید. مثال: اولماق (شدن)، بؤش (خالی)، سؤل (چپ)، بؤل (زیاد)، تؤل (بازو)، دولماق (پرشدن)، قوشماق (سرودن - بستن)، سورماق (مکیدن)، دؤن (لباس)، اؤن (ده)، اؤو (شکار)، اؤخ (تیر) اؤد (آتش)، اؤت (گیاه)، قؤز (اخگر)، قؤوماق (راندن).

۲) ۰): مصوت نرم گرد است و جز در نخستین مقطع کلمات آذری نمی‌آید. هنگام تلفظ این صدا دار لب ها نسبتاً کم مدور شده و به طور خفیف به جلو رانده می‌شوند. وسط زبان و بخش پیشین آن به طرف سقف دهان بالا می‌رود. مثال: چؤل (صحرا)، بؤلمک (تقسیم کردن)، دؤنمک (برگشتن)، دؤنوم (پیچ) سؤنمک (خاموش شدن)، تؤنمک (ریختن)، سؤز (کلمه)، اؤز (خود)، اؤنلؤک (پیش گیر بچگانه)، اؤردک (مرغابی)، اؤزن (رود)، اؤکوز (گاو)، اؤزگه (بیگانه)، دؤزمک (تحمل کردن)، چؤزمک (حل کردن - گشودن)، کؤز (آتشپاره)، گؤز (چشم)، اؤلوم (مرگ)، سؤنمک (دریدن - پاره کردن).

۳) ۰): مصوت محکم و گرد است. هنگام تلفظ این صدا دار لب ها شکل دایره‌ای به خود گرفته و به جلو رانده می‌شوند. بخش آخری و وسط زبان و هم چنین بخش آخری آن به سوی انتهای بخش سخت سقف دهان و ابتدای بخش نرم آن بالا می‌آید، بخش پیشین زبان در بن دندان های پایین جلوی جای می‌گیرد. مثال: اؤن (آرد)، اؤزون (دراز)، اؤمماق (انتظار، داشتن)، دؤز (نمک)، قؤرماق (تشکیل دادن - بنیان گذاری)، دؤرماق (ایستادن - بلند شدن)،

بۇرماق (پیچاندن)، وۇرماق (زدن)، قۇرۇماق (خشک شدن)، بۇرولماق (پیچیدن) .

۷ (۷) : مصوت نرم و گرد است . هنگام تلفظ این مصوت لب هامدور شده و به طرف جلو رانده می‌شوند ، بخش پیشین زبان ، به طور آزاد ، به پشت دندان های پایین جلوی نزدیک می‌شود و بخش وسطی زبان به سقف دهان خیلی بالا می‌آید . مثال : گۆندوز (روز) ، گۆلمک (خندیدن) ، سۆد (شیر) ، تۆک (مو) ، لۆت (برهنه) ، دۆشمک (افتادن) ، سۆزمک (آب دادن) ، دۆز (راست) ، هۆرمک (پارس کردن) ، سۆزجو (راننده) ، سۆموک (استخوان) ، سورتکم (مالیدن) ، بۆزمک (چین دادن) ، هۆرکمک (رم کردن) ، بۆزوشمک (چروکیدن) ، بۆتون (کل - تمامی) ، تۆستو (دود) ، پۆسگورمک (افشاندن) ، دۆن (دیروز) ، دۆلگر (نجار) ، دۆزمک (بنج کردن - پهلوی هم چیدن - تنظیم) ، شوی (ترکه ، چوب باریک) ، کۆل (خاکستر) ، کۆرک (پوستین) ، بۆرکو (هوای گرم و مرطوب و خفه) ، سۆرگون (تبعیدی) ، سۆنگو (سرنیزه) ، گول (گل) ، گوندوز (روز) ، گۆن (آفتاب) ، کۆپ (خم - خمره) ، گۆج (نیرو - قوه) ، گۆلمک (خندیدن) ، گۆونمک (فخر مباحات نمودن) ، کۆسمک (قهر کردن) ، لومه (بی‌دم) ، پۆلچوک (بهانه) ، اۆتمک (پرکندن مرغ) ، اۆز (وجه - رویه - شناکن - قطع کن) ، اۆست (بالا) ، اۆشومک (چائیدن) ، یوک (بار) ، گۆگوم (ظرف بزرگ مسی برای نقل آب) ،

بی صداها (سس سیزلر) و گروه‌بندی آن‌ها

چنان که بیش از این متذکر شدیم، بی صداها در شرایطی به وجود می‌آیند که، جریان هوا هنگام خروج در حلق و دهان به مانعی برخورد می‌کنند . بی-صداها ی موجود در زبان ادبی معاصر آذری و حروف نشانگر آن‌ها با نظایر شان در الفباهای لاتینی و روسی از این‌فراراند :

جدول حروف بی صدا (سس سیز)

شماره	حروف (تمثیل کننده صداها)	اسم حرف	لاتین	
۱	ب (در چهار شکل)	به	B - b	Б - б
۲	پ (در چهار شکل)	په	P - p	П - п
۳	ت (در چهار شکل)	ته	T - t	Т - т
۴	ج (در چهار شکل)	جیم	C - c	Ч - ч
۵	چ (در چهار شکل)	چه	C - c	Ч - ч
۶	خ (در چهار شکل)	خه	H - h	Х - х
۷	د (در دو شکل)	دال	D - d	Д - д
۸	ر (در دو شکل)	ره	R - r	Р - р
۹	ز (در دو شکل)	زه	Z - z	З - з
۱۰	ژ (در دو شکل)	ژه	J - j	Ж - ж
۱۱	س (در چهار شکل)	سین	S - s	С - с
۱۲	ش (در چهار شکل)	شین	S - s	Ш - ш
۱۳	غ (در چهار شکل)	غهین	G - g	Г - г
۱۴	ف (در چهار شکل)	فه	F - f	Ф - ф
۱۵	ق (در چهار شکل)	قاف	K - k	К - к
۱۶	ک (در چهار شکل)	کاف	K - k	К - к
۱۷	گ (در چهار شکل)	گاف	G - g	Г - г
۱۸	ل (در چهار شکل)	لام	L - l	Л - л
۱۹	م (در چهار شکل)	میم	M - m	М - м
۲۰	ن (در چهار شکل)	نون	N - n	Н - н
۲۱	و (در دو شکل)	واو	V - v	В - в
۲۲	ه (در چهار شکل)	ها	H - h	Н - н
۲۳	ی (در چهار شکل)	یا	Y - y	Ј - ј

چنانکه ملاحظه می‌شود در زبان ادبی معاصر آذری ۲۳ بی صدا وجود دارد. در صورتی که، تعداد حروف الفبای آذری زیاده‌تر از این است. حروف زیادی خاص صداهای ویژه زبان عربی بوده و با کلمات ماءخود از آن زبان در ادبیات ما نیز استعمال شده‌اند. این حروف زیادی عبارتند از: (ث - ح - ذ - ص - ض - ط - ظ - ع -) .

اما این حروف با وجود نوشته شدن آن‌ها در کلمات "د خیل" عربی، در زبان ادبی معاصر آذری همگون با قوانین صوتی این زبان تلفظ می‌شوند. بدین معنی که، حروف (ث - ص) همانند بی صدای "س"؛ حرف "ح" چون "ه"؛ حروف (ذ - ض - ط) مثل "ز" معمولی و حرف "ط" مانند "ت" در زبان آذری تلفظ می‌شوند. اما حرف "ع" بر حسب محل استعمالش به اشکال گوناگون (آ - ا - ئ - و - وُ) تلفظ می‌شود.

باید متذکر شد که، کلمات ماءخود از عربی در اکثر موارد به شکل اصلی نوشته می‌شوند. اما در طول زمان و به تدریج که ترکیب صوتی این کلمات از حالت اصلی بیرون آمده و با قوانین صوتی زبان آذری همگون شده و می‌شوند، طرز املای آن‌ها نیز تغییر می‌یابد. تغییر املای این کلمات و نوشتن آنها به شکلی که، در زبان آذری تلفظ می‌شوند، از صد و شصت سال پیش توسط میرزا فتحعلی آخوندزاده خامنه‌ای آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. این کار به طور غیر محسوس و به صورت طبیعی انجام گرفته و باز هم ادامه خواهد یافت. ما در این باره در بحث الفباء مشروح‌تر بحث خواهیم کرد.

گروه‌بندی بی‌صداها

زبان‌شناسان آذری بر اساس مخرج‌ها و با توجه به نقطه‌های گوناگون بی - صداهای این زبان را به انواع گوناگون گروه‌بندی نموده‌اند. مهم‌ترین این گروه‌بندی‌ها که تا اندازه‌ای در صحیح نوشتن و درست تلفظ نمودن تأثیر می‌گذارند، از این قرارند:

- ۱ - گروه بندی بی صداها براساس شرکت اورگان های صوتی در حلق و دهان .
از این نقطه نظر بی صداها دارای گروه های زیر می باشند :
(آ) بی صдахائی که با شرکت فعال لب ها ایجاد می شوند (قوشا دوراق) ، این بی صداها عبارتند از : (ب - پ - م) .
(ب) بی صдахائی که با شرکت دندان و لب ایجاد می شوند (دیش - دوداق) ، این بی صداها از این قرارند : (ف - و) .
(ج) بی صдахائی که با شرکت دندان و زبان ساخته می شوند . البته بن دندان های اعلی نیز در ایجاد بعضی از این بی صداها شرکت دارند . این بی صداها عبارتند از : (د - ت - س - ش - ر - ز - ج - چ - ن) .
(د) بی صдахائی که با شرکت زبان (با بخش های پیشین ، میانه و پسین) و سقف دهان (دیل - داماق) ایجاد می شوند . این بی صداها از این قرارند :
(خ - ژ - ک - گ - ل - ق - غ - ی) .
(ه) بی صدای " ه " ویژگی خاصی دارد و آن این که در تلفظ آن حلق به طور خفیف فشرده می شود . اگر این فشردگی زیادتر باشد بی صدای " ح " را به وجود خواهد آورد .
- ۲ - گروه بندی بی صداها براساس ارتعاش صدا هنگام تلفظ و یا عدم ارتعاش آن . بعضی از بی صداها هنگام تلفظ موسیقی ، ارتعاش ، کشیدگی و لرزندگی خاصی دارند و بدون این ارتعاش تلفظ آن ها غیر ممکن است . متخصصین فن این چنین بی صداها را (سونور) یا (VOCAL) و بقیه را که ، دارای چنین ویژگی نیستند بی ارتعاش (کویلو) نام گذاری کرده اند . بی صداها ی سونور از این قرارند : (م - ن - ل - ر) .
- ۳ - سومین معیار گروه بندی بی صداها ی زبان ادبی آذری که ، از قدیم الایام منظور نظر بوده است ، شرکت فعال و یا عدم شرکت تارهای صوتی در ایجاد آن ها است . در ایجاد بعضی از بی صداها تارهای صوتی فعالانه شرکت می کنند و به این بی صداها ، شکل لرزندگی ، ارتعاش و نوعی صدا و موسیقی می دهند . این گونه بی صداها را متخصصین فن دارای ارتعاش (جینگیلی لی) نام گذاری کرده اند . این بی صداها از این قرارند : (ب - و - د - ز - ژ -

ج - گ - ق - غ - خ - ل - ن - م - ن - ی () .

اما بقیه بی صداها دارای چنین ویژگی نمی باشند . هنگام تلفظ این بی صداها ، صوت کنگ بی لرزش و عاری از موسیقی به گوش می رسد . متخصصین فن این بی صداها را کر (کار) نامیده اند . بی صدا های کر از این قرارند :
(پ - ف - ت - س - ش - چ - ک - خ - ه) .

پس از این گروه بندی ها ، اینک ویژگی های تک - تک بی صدا های زبان ادبی معاصر آذری را از نظر به گذرانیم . برای احتراز از طول کلام بی صدا های قریب المخرج را باهم مورد بررسی قرار خواهیم داد و ترتیب الفبائی را که ، در بالا دیدیم مراعات نخواهیم کرد .

ف - و - (B - φ) : برای تلفظ این دو بی صدا نوک دندان های بالایی پیشین به لب پائین می چسبند . از اینرو بی صدا های لب و دندان به شمار می روند . اما اولی کرو دومی ارتعاشی می باشد . تلفظ " ف " با قوت و " و " ضعیف است . مدت زمان لازم برای تلفظ هر دو بی صدا یکسان و کوتاه است . مثال ها :
ائو (خانه) ، وار (هست) ، آلاو (شعله) ، وورماق (زدن) ، گیلیف (سوراخ آب) ،
قققاز (قققاز) ، واقف (واقف) ، فیشیلداق (فیش - فیش کردن) ، قووماق (رانندن) ، سئومک (دوست داشتن) ، چئویرمک (برگرداندن) .

باید در نظر داشت که ، بی صدای " ف " در زبان کهن ترکی نبوده است و بعداً " در اثر تماس با زبان های دیگر پیدا شده است و از همین رو ، این بی صدا در کلمات اصیل آذری نادر است و اکثراً " در کلمات "دخیل" از فارسی ، عربی و زبان های اروپائی دیده می شود .

س - ز (C - Z) : هنگام تلفظ این دو بی صدا بخش پیشین زبان به پشت دندان های جلوی فک اسفل نزدیک می شود و وسط زبان به سوی سقف دهان بالا می آید و جریان هوا را تنظیم می نماید . دندان های پیشین به هم نزدیک شده و گذرگاه تنگی برای عبور هوا ایجاد می کند و عبور هوا از این تنگنا به صدای خاص تبدیل می شود . بی صدای " س " کر " و " ز " ارتعاشی است . مثال ها :
سوءز (کلمه) ، سیز (شما) ، سونرا (بعد) ، سؤزمک (ریختن) ، یازی (نوشته - دشت) ، اؤزون (دراز) ، اوؤزن (رود) ، سوءکمک (پاره کردن) ، دوؤزمک (تحمل

کردن) ، سئزمک (ترشح کردن) ، بؤز (بخ) ، دؤز (نمک) ، سن (تو) ، ساری (زرد) ، ساز (آلت موسیقی) ، یازماق (نوشتن) ، قازماق (کندن) ، ساواشماق (دعوا کردن) ، کوؤز (گل آتش) ، گوؤز (چشم) .

ش - ژ ($\lambda - \lambda$) : هنگام تلفظ این دو بی صدا نوک زبان به بن دندان های پیشین فک بالائی نزدیک می شود ، وسط زبان به طرف دماغ بالا می آید ، دندان های پیشین به هم نزدیک می شوند و ملازه راه خلاف بینی رامسدود می کنند . بی صدای "ش" کر و بی صدای "ژ" ارتعاشی است . باید متذکر شد که ، بی صدای "ژ" در زبان کهن ترکی نبود و فونمی است که ، بعداً " تحت تأثیر زبان های دیگر پیدا شده است . بدین جهت این بی صدا در کلمات اصیل ترکی نادر می باشد . مثال ها : آشاغی (پائین) ، باشماق (کفش) ، اوشاق (بچه) ، داش (سنگ) ، باش (سر) ، قاش (ابرو) ، آیشیق (روشنائی) ، اژدها (اژدها) ، ژاندارم (ژاندارم) .

خ - غ - ($X - F$) : هنگام تلفظ این دو بی صدا بخش خلفی زبان به طرف سقف نرم زبان نزدیک می شود ، در اثر پائین آمدن چانه دندان های پیشین دوفک نسبتاً از هم فاصله می گیرند و ملازه راه خلاف بینی را مسدود می کند . بی صدای "خ" کر و به صدای "غ" ارتعاشی است . مثالها : یاخشی (خوب) ، اوغلان (پسر) ، اوخشماق (شبیه بودن - نوازش کردن) ، آغیر (سنگین) ، اوخوماق (خواندن) ، باغ (باغ) ، ساغلیق (تندرستی) ، آغ (سفید) ، آخشام (عصر) ، بوغولماق (غرق شدن) ، اوخ (تیر) ، چؤخ (زیاد) ، یؤخ (نیست) ، آرخ (جوی) ، ناخیر (گله گاو) ، ساخلاماق (نگاهداشتن) .

ه (h) : این بی صدا هنگام عبور هوا از خلاف موجود در خلفی ترین بخش زبان و ملازه شکل می گیرد و بی صدای کر به شمار می آید و دارای معادل ارتعاشی نمی باشد .

مثال ها : هاردا؟ (در کجا؟) ، واه - واه! (ندا) ، هاچان؟ (کی؟) ، هئیوا (به) ، لهله مک (از گرما له له کردن) ، هورمک (عوعو کردن) ، کهلیک (کبک) ، ...

پ - ب ($p - b$) : هنگام تلفظ این دو بی صدا لب ها به هم فشرده می شوند ، ملازه راه خلاف بینی رامسدود می کند ، جریان هوا به خلاف دهان داخل

شده و با باز شدن ناگهانی لب ها این دو بی صدا ساخته می شوند . بی صدای "پ" کروبی صدای "ب" ارتعاشی می باشد . مثال ها: پارلاق (درخشان) ، بۇردا (اینجا) ، آپارماق (بردن) ، بۇش (خالی) ، باریشماق (آشتی کردن) ، اوۋپمک (بوسیدن) ، بنزەمک (شبهت) ، آپ - آغ (سفید - سفید) ، ایپ (نخ) ، کوۋپ (خم) ، باجی (خواهر) ، بۆرۈمک (فراگرفتن) ، بۆدۈرۈمک (لغزیدن) ، کوۋپمک (خواهیدن) (کلمه خشن) ، سۆیۈرۈمک (جارو کردن) ، شپە - لپە (موج - لپه) ، سېمک (پاشیدن) .

ت - د (T - D): هنگام تلفظ این دو بی صدا نوک زبان به بن دندان های پیشین فک بالائی برخورد می کند ، ملازه بالا آمده و راه خلأ بینی را مسدود می کند . وسط و کنارهای زبان به سقف دهان چسبیده و جریان را مسدود می کند . جریان هوا تمام این موانع را برطرف نموده و دفعتاً " از دهان خارج می شود و این بی صداها را بوجود می آورد . بی صدای "ت" کروبی صدای "د" مقارن ارتعاشی آن می باشد . مثال ها: تۇتماق (گرفتن) ، تۇت (توت - بگیر) ، دالا (عقب) ، دامجی ، داملا (قطره) ، دادماق (چشیدن) ، تانری (خدا) ، تۆرۈتمک (بوجود آوردن) ، دئمک (گفتن) ، دیل (زبان) ، تئل (تار - زلف) ، دۇل (بیوه) ، کئچید - کئچیت (گذرگاه) ، ایت (سگ) ، تات (تات) ، قاییتماق (برگستن) ، دیری (زنده) ، دیب (انتها - ته) .

ق (Q): هنگام تلفظ این بی صدا وسط زبان به سقف دهان نزدیک می شود و جلو جریان هوا را می گیرد . ملازه راه خلأ بینی را مسدود می کند ، بخش پیشین زبان به پشت دندان های جلوی فک اسفل نزدیک می شود و بدین نحو جریان هوا مانع وسط زبان و سقف دهان را برطرف نموده خارج می شود و این صدا به وجود می آید . این صدا ارتعاشی می باشد .

باید یادآوری نمود که ، از صد و شصت سال به این طرف در اثر آشنائی با فرهنگ غرب و ورود کلمات آن زبان ها به زبان معاصر ادبی آذری فونم بی صدای خشن "K" نیز در بعضی از کلمات ماء خود دیده می شود . مثلاً " در کلمات "کاپیتالیزم" کاریات ، کمون ، دکارت ، مارکس ، دیکتاتور . این بی صدا معادل کر بی صدای "ق" می باشد و دارای علامت ویژه در الفبای

معاصر آذری نیست. با در نظر گرفتن این که، کلمات حاوی این فونم همگی بیگانه و جدیدالورود و کم شمارند و این فونم هنوز جایی در سیستم صدائی زبان باز ننموده است، از اینرو به نظر ما تعیین حرف خاص برای آن بی جاست و شاید هم نتواند جایی برای خود باز کند و در طول زمان و کثرت استعمال به فونم قریب المخرج مبدل شود، چنان که در اوایل عصر حاضر چنین نوشته می شد. مانند: قومونیت، قاریات

باید افزود که، بعضی از کلمات مانند کلمه "قفقاز" که، از زمان های دیرین در زبان آذری بود و از طریق زبان های اروپائی راه نیافته است در زبان آذری به شکل "ق" و در زبان های اروپائی به شکل "K" خشن و یا ثقیل استعمال می شود. این بدان معنا است که، از قدیم الایام فونم "ق" آذری در زبان های اروپائی به شکل "ک" ثقیل و برعکس "ک" ثقیل زبان های اروپائی در زبان آذری به شکل "ق" که، دو فونم قریب المخرج می باشند، استعمال شده است. ادامه چنین کاری در شرایط فعلی نیز خالی از اشکال است و یا شاید در آینده چنین شود. به هر حال این کار مربوط به آینده و اهل زبان است، تا از کدام راه حرکت نماید. فعلا "در الفبای آذری برای "ک" ثقیل حرف خاصی نیست و - نیازی نیز دیده نمی شود.

مثال ها: قولا (گوش)، قالدیرما (بلند کردن)، قارا (سیاه)، قاباق (جلو - پیش - کدو)، قالین (ضخیم)، قاچاق (فراری)، قوم (ریگ)، قمه (قمه)، قیش (زمستان)، قالماق (ماندن)، قادین (زن)، قیلینج (شمشیر)، قورخو (ترس)، قوچاق (دلاور - قهرمان).

ک - گ (K - K): هنگام تلفظ این بی صداها وسط زبان به سقف دهان می چسبد و جلو جریان هوا را مسدود می کند، ملازه (دیلچک) راه خلا بینی رامی بندد و در نتیجه جریان هوا مانع زبان و سقف دهان را بر طرف نموده و با انفجار خفیف از دهان می شود و از خروج هوا این بی صداها ایجاد می گردد. بی صدای "ک" "کر" و بی صدای "گ" ارتعاشی به شمار می رود. بعدا "خواهیم دید که، این بی صداها برخلاف بی صداهای "ق - غ" در کلمات آذری جز با صدادهای نرم استعمال نمی شوند. مثال ها: اکین (گشت)، چو رهک (نان)،

کیم؟ (که؟)، کئچمک (گذشتن)، کئچی (بز)، گنج (دیر)، گلک (آمدن)، گوئرمک (دیدن)، ایگیرمی (یست)، ایکیندی (وقت عصر)، ایکی (دو)، گیلئی (گله - شکایت)، گیزلنمک (مخفی شدن)، گوئدمک (تعقیب کردن)، گوئده (زمین بایر)، گوئمور (ذغال)، گوئ (چرم)، گوئول (دل - قلب)، گوئروش (دیدار)، گرگین (سخت - مشکل)، گمی (کشتی)، گیرده (مدور)، گوئچمک (کوچ کردن)، کیریمک (خاموش شدن)، گوئینک (پیراهن).

حرف های سَوْنُور (VOCAL):

م (M): هنگام تلفظ این بی صدا ملازه پائین می آید و راه خلأ دهان را سد می کند، لب ها به هم می آیند و هم زمان با باز شدن ناگهانی لب ها جریان هوا از خلأ بینی خارج می شود و این بی صدا ایجاد می گردد که، دارای ارتعاش و کشیدگی خاصی است. مثال ها: من (من)، اُورمان (جنگل)، آنام (پدرم)، امجک (پستان)، اوئمود (امید)، یازماق (نوشتن)، سیلمک (پاک کردن)، مینمک (سوار شدن)، مارال (آهو)، ماچ (بوسه)، ماش (عدس)، مؤم (موم).

ن (H): هنگام تلفظ این سونور ملازه راه خلأ دهان را می بندد، نوک زبان به بن دندان های پیشین فک بالائی می چسبد، کنارهای زبان به کنارهای سقف زبان می چسبد. هم زمان با رفع این موانع جریان هوا از خلأ بینی خارج شده و این صدا را ایجاد می نماید. مثال ها: ننه (مادر بزرگ)، آنا (مادر)، انمک (پائین آمدن)، دؤنمک (پیچیدن)، سوئندورمک (خاموش کردن)، اوُن (ده)، اوُنلار (آنها)، سوُن (آخر)، دؤُن (لباس)، سهند (ساوالان)، سن (تو)، سینماق (شکستن)، قادین (زن)، قان (خون)، قانماق (فهمیدن).

ل (L): هنگام تلفظ این سونور نوک زبان به پشت دندان های پیشین فک بالائی می چسبد، وسط زبان بسقف دهان نزدیک می شود، کنارهای زبان به دندان های کناری فک بالا نزدیک می شود و جریان هوا از وسط کنارهای زبان و دندان های کناری فک بالائی گذشته و مانع نوک زبان را بر طرف نموده و از خلأ دهان خارج می شود و بدین نحو این بی صدا را ایجاد می کند. مثال ها:

قالماق (ماندن) ، دالا (پشت - عقب) ، بالالا (کوچک - بچه) ، بال (عسل) ، چوئل (صحرا - دشت) ، گولمک (خندیدن) ، بیلیمک (دانستن) ، گوئل (استخر) ، بؤل (زیاد) ، لایلا (لائئ لائی) ، لیغ (گل ته تشنن - آب گل آلود) ، آلماق (خریدن - گرفتن) ، لپه (لپه - موج) ، سولماق (پژمردن) ، اوئلار (آنها) ، آلاواشعله) .

ر (P) : هنگام تلفظ این سونور نوک زبان به پشت دندان های پیشین فک بالائی نزدیک می شود ، بخش پیشین و عقبی زبان بالا می آید ، ملازه راه خلاء بینی را مسدود می نماید و بدین نحو جریان هوا ، با عبور از بین نوک زبان و پشت دندان های پیشین فک بالائی ، نوک زبان را تقریباً " دوبار (دفعه اول به پائین و بعد در جهت مخالف) مرتعش می کند و این بی صدا به وجود می آید . باید متذکر شد که ، کلمات اصیل آذری هیچ گاه با این بی صدا آغاز نمی شوند و لذا کلمات دخیلی که ، با این بی صدا آغاز می شوند ، در بین عوام ، با افزودن صدای (ی) آغاز می شوند . مانند : رحیم = ایرحیم ، رحمن = ایرحمن ... مثالها : اریک (زردآلو) ، بیر (یک) ، پارلاماق (درخشیدن) ، تارلا (مزرعه) ، دیریلیک (زندگی) ، داری (ارزن) ، دورو (تمیز - زلال) ، سرین (خنک) ، ساری (زرد) ، سورو شماق (پرسیدن) ، سرمک (گستردن - پخش کردن) .

ی (J) : هنگام تلفظ این بی صدا نوک زبان در پشت دندان های پیشین پائینی قرار می گیرد ، وسط زبان به سوی سقف دهان بالا می آید و در چنین شرایطی جریان هوا از خلاء دهان لغزان خارج شده و این بی صدا را ایجاد می نماید . مثالها : یای (تابستان) ، یاتماق (خوابیدن) ، آی (ماه) ، چای (رود) ، یاپیشماق (گرفتن - چسبیدن) ، یامان (بد - فحش) ، یاخین (نزدیک) ، یایماق (بخش کردن) ، ایینه (سوزن) ، یئر (زمین) ، یئم (علوفه - خوراک حیوان) ، یئکه (بزرگ) ، لای (قشر) ، گای (نفهم - دیر فهم) ، سای (عدد) ، پای (سهم - حصه) .

ج (G) : هنگام تلفظ این بی صدانوک زبان به پشت دندان های پیشین فک بالا برمی خورد و بقیه زبان به سطح سقف دهان خیلی نزدیک می شود ، ملازه راه خلاء بینی را مسدود می نماید و در این شرایط جریان هوا در مدت بی نهایت

کوتاه گذشته و با جدا کردن نوک زبان از پشت دندان ها این بی صدا ایجاد می شود. مثال ها: اُج (نوک)، جیزماق (خراشیدن - خط کشیدن)، جرگه (صف)، آجیق (قهر)، باجی (خواهر)، باجارماق (توانستن)، دینج (آرام - ساکت)، گنج (دیر)، اُجوز (ارزان)، گُج (قوه)، جالاق (پیوند)، جالانماق (ریختن آب)،

چ (4): این بی صدا شکل کر بی صدای (ج) می باشد و تلفظش شبیه آن است. مثال ها: چکمک (کشیدن - رسم کردن)، ایچ (داخل - به نوش)، گنج (بگذر)، قاجماق (گریختن)، آچماق (باز کردن)، اُچماق (پريدن)، ساج (زلف - مو)، ماچ (بوسه)، پاچا (پاچه)، چُرهک (نان) .

بخش = مقطع (هئجا)

آموختن بخش های کلمات در صحیح نوشتن آن ها اهمیت به سزائی دارد. این مسئله در باره زبان معاصر ادبی آذری نیز که، کلماتش دارای بخش های ویژه خود می باشد، مهم است. تاکنون در باره گرامر زبان آذری آثاری چند، به مثابه قدم های اولیه نوشته شده است. در هیچ یک از این نوشته ها موضوع بخش کلمات آذری مورد بررسی قرار نگرفته است. این خود نمایانگر این حقیقت است که، باید به این موضوع اهمیت ویژه ای معطوف داشت.

اگر کلمات را آرام و به طور شمرده تلفظ کرده و صدا های آن ها را مد نظر قرار دهیم، ملاحظه خواهیم کرد که، هنگام تلفظ این کلمات تمام این صدا ها یک دفعه و در یک گروه از دهان خارج نمی شوند، بلکه صدا های هر کلمه به شکل گروه ها، پشت سرهم از دهان خارج می شوند. بطوریکه، می توان فاصله ای بی - نهایت کم، ولی محسوس و ملموس بین دو گروه متوالی تشخیص داد. اگر چنین نباشد تلفظ کلمات، به طوریکه، برای شنونده مفهوم باشد، ممکن نیست و کسی، هر قدر تند تر حرف بزند، خواه و ناخواه مجبور به رعایت فاصله بین گروه های صدا ها در تلفظ می باشد.

مثلاً "کلمات اسلام، وطن، آنا (مادر)، سهند و تبریز هنگام تلفظ در دو بخش و کلمات: مسلمان، انقلاب، قهرمان، اسلامی و ایرانلی (ایرانی) هریکی در سه بخش از دهان خارج شده و فاصله ملموس بین گروههای متوالی وجود دارد. در کلمات فوق این گروه ها را می توان چنین مشخص کرد:

اس + لام - و + طن - آ + نا - سه + هند - تب + ریز ، م + سل + مان - اند + ق + لاب - قه + ر + مان - اس + لا + می - ای + ران + لی .

در تلفظ این کلمات آن بخش از کلمه که، مجموع یک و یا چند صوت بوده و یک دفعه از دهان خارج می گردد و فاصله ملموسی بین آن ها و مجموع اصوات بعدی وجود دارد، بخش و یا مقطع (هئجا) نامیده می شود. بنابراین گروه اول کلمات فوق الذکر دو بخشی و گروه دوم سه بخشی می باشند. کلماتی چون مسلمانلیق (مسلمانی)، آذربایجان، قهرمانلیق (قهرمانی)، ... چهاربخشی و کلماتی چون: وطن پرورلیک (وطن پروری)، مسلمانچیلیق (مسلمانی)، مهربانچیلیق (مهربانی)، ... پنج بخشی می باشند.

اگر به بخش های کلمات فوق توجه کنیم خواهیم دید که، آنها یا از یک صدا دار و یا از یک صدا دار و یک و یا چند بی صدا تشکیل یافته است. از اینجا می توان نتیجه گرفت که، وجود یک صدا دار در هر بخش ضروریست، ولی در یک بخش زیادتر از یک مصوت غیر ممکن است. در صورتی که، در هر بخش یا به بی صدا احتیاج نیست و یا یک و یا چند بی صدا ممکن است باشد. از این گفته نتیجه گرفته می توان بخش را چنین تعریف نمود:

بخشی از کلمه راکه، از یک مصوت و یا از یک مصوت و یک و یا چند بی صدا تشکیل شده و هنگام تلفظ یک دفعه از دهان خارج می شود، بخش (هئجا) می نامند.

در زبان ادبی معاصر آذری بخش ها دارای ویژگی های زیر می باشند:

۱ - در یک بخش دو بی صدا نمی تواند پهلوی هم قرار گیرد و چنین کلماتی در میان کلمات اصیل آذری وجود ندارد. اما امروز در زبان ادبی آذری کلمات دخیل زیادی وجود دارند که، در آنها دو بی صدا بلافاصله پهلوی هم قرار دارند. در این صورت اگر دو بی صدا در اول کلمه باشد، معمولاً "و بهویژه

در تلفظ، به‌اول و یا وسط آن دویی صدا یک صدا دار اضافه می‌کنند. مانند کلمه "ظلم" عربی که، در زبان عادی به شکل "ظولوم" تلفظ می‌شود. بعضی از چنین کلمات که، اخیراً از زبان های اروپائی به زبان آذری داخل شده‌اند، فعلاً به‌مشکل اصلی تلفظ می‌شوند. اما اگر دویی صدا در وسط کلمه باشند، در بیشتر موارد به‌مشکل اصلی تلفظ می‌شوند. به عنوان نمونه می‌توان کلمه کنفرانس را نشان داد.

۲- در کلمات اصیل آذری دویی صدا ممکن است در آخر کلمه بیایند. مانند: دوءرد (چهار)، قورد (گرگ)، سرت (سخت)، ایلک (نخستین)، برک (سخت - محکم)، بوءرک (کلاه)، کوزک (پوستین)، ارک (قلعه)، تۆرک (ترک)، اۆرک (رم یکن) ، ، ، ، ، .

اگر به این کلمات توجه شود آشکار خواهد شد که، یکی از دویی صدای آخری کلمات سونور (VOCAL) می‌باشد. لذا در کلمات آذری در آخر کلمه آن گاه دویی صدا بلافاصله ممکن است استعمال شود که، یکی از آن ها سونور باشد. متذکر شدیم که، وجود یک صدا دار در هریک ضروری است. اگر به بخش های کلمات بالا درست نگاه کنیم در خواهیم یافت که، بی صداهای هر بخش در اطراف صدا دار آن جمع می‌شوند. لذا می‌توان گفت که، صدا دار هسته مرکزی هر بخش را تشکیل می‌دهد. براساس شرکت و یا عدم شرکت بی-صداها در بخش و هم چنین طرز قرار گرفتن آن ها در پس و پیش صدا دار در زبان معاصر ادبی آذری بخش های گوناگونی وجود دارد. در زبان ادبی معاصر آذری به ۱۷ نوع بخش برخورد می‌شود که، اکثر آن ها بی‌نهایت نادر بوده و اکثراً با کلمات دخیل از زبان های دیگر و به ویژه زبان های اروپائی به کار برده می‌شوند و از اینرو عمومیت نداشته و ویژه زبان آذری نیستند. گسترده ترین و اساسی ترین بخش های موجود در کلمات زبان آذری معاصر چهار است که، از این قرارند:

۱- بخش باز کامل (تام آچیق هئجا): بخش باز کامل که، اساساً در اول کلمات می‌آید، بخشی را گویند که، از یک صدا دار تنها، بدون اشتراک بی صدا، تشکیل شود. چنان که در بخش اول کلمات زیر مشاهده می‌شود:

آنا = آ + نا (مادر) ، آتا = آ + تا (پدر) ، ایکی = ای + کی (دو) ، اؤتاق
 = او + تاق (اتاق) ، اؤزوم = او + زوم (انگور) ، او زوم = او + زوم (خودم) ،
 اؤزوک = او + زوک (انگشتی) ، اؤزون = او + زون (دراز) ، اؤزاق = او + زاق (دور) ،
 اؤمود = او + مود (امید) ، او زهن = او + زهن (رودخانه) ، ایری = ای + ری
 (بزرگ) ، آچیق = آ + چیق (باز) ، آییق = آ + ییق (بیدار) ، آزاد = آ + زاد
 (آزاد) ، آپارماق = آ + پار + ماق (بردن) ، آییрмаق = آ + بیر + ماق (جددا
 کردن - سوا کردن) ، آشاغی = آ + شا + غی (پائین) ، اکینجی = ا + کیند + چی
 (کشاورز) ،

۲ - بخش بسته کامل (تام قاپالی) : بخش بسته کامل که، در اول و وسط
 و آخر کلمه آید، بخشی است که، دارای یک صدا دار در وسط دو بی صدا باشد.
 چنان کی، در کلمات زیر مشاهده می شود: فاز (غاز) ، یاز (بنویس) ، گولمک
 (گول + مک) (خندیدن) ، گو ر مک = گو + ر + مک (دیدن) ، یازماقدان =
 یاز + ماق + دان (از نوشتن) ، ایشلتمک = ایش + لت + مک (بکار بردن) ، تار
 (آلت موسیقی) ، ناز (ناز) ، آزلیق = آ + ز + لیق (کمی) ، گلناز = گل + ناز (اسم
 دختر) ، دارلیق = دار + لیق (تنگی) ، قاچماق = قاچ + ماق (فرار کردن) ، . . .
 ۳ - بخش باز (آچیق) : بخش باز از یک بی صدا و یک صدا دار بعدی تشکیل
 می شود. این بخش نیز در تمام جاهای کلمه می آید. چنان کی، در نمونه های
 پائین مشاهده می شود: بابا = با + با (بابا) ، نه نه = نه + نه (مادر بزرگ) ،
 چهنه = چه + نه (ذقن) ، ته په = ته + په (تپه) ، قالا = قا + لا (روی انباشته
 کن) ، دانا = دا + نا (گاوانر جوان) ، دو یه = دو + یه (گاوانر ماده جوان) .

۴ - بخش بسته (قاپالی) : بخش بسته از یک صدا دار و بی صدائی که،
 بعد از آن می آید تشکیل می گردد. این بخش اکثراً " در بخش اول کلمه می آید .
 چنان که در نمونه های زیرین مشاهده می شود :

ال (دست) ، ائو (خانه) ، ات (گوشت) ، آد (اسم) ، آش (آش) ، آغ (سفید) ،
 اؤد (آتش) ، آت (اسب) ، آتلا = آ + ت + لا (به هم) ، اؤدماق = اود + ماق
 (بلعیدن) ، اوچماق = اوچ + ماق (پريدن) ، اؤلماق = اول + ماق (شدن) ،
 آغلاماق = آغ + لا ماق (گریستن) .

تجزیه بخش: در زبان آذری معاصر کشش عمومی به سوی بخش های باز می باشد و روی همین اصل در نخستین فرصت بخش های بسته کامل و بخش های بسته به بخش های باز مبدل می شوند و بویژه در آخر کلمات آنگاه که، پسوندی که، با صدا دار آغاز می شود، به کلمه متصل شود، بی صدای آخری کلمه را به خود جذب نموده هم بخش اخیر کلمه را اکثراً " به بخش باز مبدل می کند و هم خود اکثراً یک بخش مستقل باز بوجود می آورد .

مثلاً " کلمات ائو (خانه)، یاماچ (دامنه کوه)، دؤرد (چهار) را در نظر گرفته و تغییر بخش های آن ها را هنگام پیوستن سه پسوند حالت اسم که، باصدا دار آغاز می شوند، از نظر بگذرانیم:

ائو (خانه): ائوین (قایسی) (در خانه) = ائ + وین

ائوه (به خانه) = ائ + وه

ائوی (خانه را) = ائ + وی

یاماچ (دامنه کوه): یاماچین (لاله سی) لاله دامنه کوه = یا + ما + جین .

یاماچا (به دامنه کوه) = یا + ما + چا

یاماچی (دامنه کوه را) = یا + ما + جی

دؤرد (چهار): دؤردون یاریسی (نصف چهار) = دؤر + دون

دؤرده (به چهار) = دؤر + ده

دؤردو (چهار را) = دؤر + دو

در مثال های بالائی بخش های اخیر بسته بودند و چنان کی، ملاحظه می شود،

هنگام پیوستن پسوندهائی که، با مصوت آغاز می شوند، آن بخش های بسته

بی صدای آخری خود را از دست داده، یا به بخش باز مبدل شدند و یا به

بخش بسته کامل و از طرف دیگر همین بی صدا های اخیر کلمات با پسوندها

تشکیل بخش مستقل جدید دادند که بر اساس چگونگی پسوند یا بخش باز می باشند

و یا بسته .

تکیهء بخش (هئجانین وورغوسو)

در کلمات چند بخشی تمام آن ها موقع تلفظ به یک شدت گفته نمی شوند؛ بلکه در هر کلمه یک بخش، نسبت به بخش های دیگر، با شدت بیش تری تلفظ می شود و به اصطلاح تکیهء کلمه روی شان بخش می شود. تکیهء کلمه فقط هنگام تلفظ ظاهر می کند و در نوشته علامتی ندارد. مثلاً "ر کلمهء (یازدیق) (نوشتیم) = (یاز + دیق) بخش "دیق" و در کلمهء (یاز میشدیق) نوشته بودیم = (یاز میش + دیق) بخش "میش" از بخش های دیگر بلندتر و با شدت نسبتاً "بیش تری" تلفظ می شوند. بنابراین تلفظ نسبتاً "محکم و بلند یک بخش کلمه نسبت به بخش های دیگر آن را تکیه می گویند. لذا بخش تکیه دار بخشی است که هنگام تلفظ آن صدا بلندتر می شود. لازم به یادآوری است که، عدم رعایت تکیه کلمات موجب دشواری در فهمیدن و احیاناً "تغییر معنای کلمه می شود. برای درک این واقعیت کافی است که، کلمات "بهشت" به معنی جنت و "بهشت" به معنی "نهاد" و "از دست داد" فارسی را در نظر گرفته و به تلفظ آن ها دقت کنیم.

در زبان ادبی معاصر آذری در اکثر کلمات تکیه روی بخش اخیر آنها می افتد. لذا با در نظر گرفتن این که، زبان آذری همانند تمام زبان های ترکی زبان التصاقی است، یعنی اشتقاق ها به یاری افزودن پسوند به ریشهء کلمات ساخته می شود، تکیهء کلمات نیز جای خود را تغییر داده و به آخر می روند، به دیگر سخن اصل فوق، یعنی در اکثر کلمات تکیه روی بخش نهایی می باشد، به قوت خود باقی می ماند. به عنوان مثال کلمات: (یاز (به نویس)، (یازی (نوشته)، (یازیچی (نویسنده)، (یازیچیلیق (نویسندگی) را در نظر به گیریم. تمام این کلمات از ریشهء "یاز" مشتقند ولی در تمام آن ها تکیه در بخش پایانی است. یعنی با افزودن پسوند های جدید تکیهء کلمه نیز جای خود را تغییر داده و به آخر می رود. از اینرو باید گفت که، در زبان ادبی معاصر آذری تکیه کلمه تابع

ریشه کلمات نبوده ، بلکه تابع ساختمان آن است .

با وجود این قاعدهٔ عمومی ، در زبان معاصر ادبی آذری به موارد زیادی برخورد می‌کنیم که ، از این قاعدهٔ عمومی استثنا می‌باشد . مهم ترین این موارد را ذیلاً " نشان می‌دهیم :

۱ - در فعل امر افعال تکیه در آخر ریشهٔ فعل ثابت می‌ماند و با افزودن پسوندهای نفی و شخص و غیر تغییر مکان نمی‌دهد . نگاهی ساده به کلمات زیر این حقیقت را روشن می‌کند : آلمایین = آل + ما + یین (نگیرید) ، سۆرند ورون = سو + رون + دو + رون (به امروز و فردا بیندازند) ، قالدیرمایین = قال + دیر + ما + یین (بلند نکنید) ، اوخویون = او + خو + یون (به خوانید) ، گۆرمه‌یین = گور + مه + یین (نه بینید) .

رعایت تکیه در این حالت ضروری است ، زیرا عدم رعایت آن در بعضی از کلمات باعث تغییر معنی می‌شود . برای درک این واقعیت توجه به کلمات ذیل کافی است : آلما (نگیر) ، آلما (سیب) ، سۆز مه (نچگان) ، سۆز مه (ماستی که ، آبش را چکانده‌اند) ، دؤلما (پر نشو) ، دؤلما (دلمه) ،

۲ - در رسوم شخص جمع ماضی نقلی تکیهٔ فعل در ماقبل علامت جمع می‌شود . مثلاً " : یازمیشلار (نوشته‌اند) ، گورموشلر (دیده‌اند)

رعایت تکیه در این حالت نیز ضروری است ، زیرا عدم رعایت آن باعث تغییر معنی کلمه می‌شود . مثلاً " در دو کلمهٔ فوق الذکر اگر تکیهٔ کلمه در بخش آخری کلمه باشد معنای صفت خواهند داشت ، نه فعل . بدین نحو : یازمیشلار (آنهایی که نوشته‌اند) ، گورموشلر (آنهایی که دیده‌اند) در این صورت کلمات تابع قاعدهٔ عمومی شده و با افزودن پسوندها جای تکیه به آخر کلمه نقل مکان خواهد کرد یعنی : یازمیشلاری (آنهایی را که ، نوشته‌اند) ، گورموشلره و بآنها (دیده‌اند)

۳ - عده‌ای از پسوندهای زبان معاصر ادبی آذری در هیچ جا و هیچ شرایطی قبول تکیه نمی‌کنند . از این پسوند ها می‌توان پسوندهای خبر (دیر - دور) ، پسوند نفی افعال (ما - مه) که ، در بالا نیز دیدیم ، پسوند سؤال (می؟ مو؟) و غیره را می‌توان نام برد . افزودن بر این پسوندهای شخص در اشکال لازم ،

المتزام، واجب و شرط افعال زیر تکیه قرار نمی گیرند. به تلفظ کلمات پائین توجه نمائید: یازاسیام (مجبورم بنویسم)، گئتمه لیک (باید برویم)، چالیشما لیسینیز (باید بکوشید).

۴- برعکس سایر اقسام کلمات ظرف در زبان آذری از لحاظ قبول تکیه وضع ویژه‌ای دارد. بدین معنی که، تکیه آن جای خاص نداشته و با قبول پسوند‌های خاص ظرف، جایش گاه در اول و گاه در آخر کلمه می باشد. مثلاً "در ظرف‌های همیشه (همیشه)، بایاق (کمی پیش)، آیری (دیگر - جداگانه)..... تکیه در اول کلمه می باشد، در صورتی که، پس از قبول بعضی پسوند ها که، باز هم وظیفه ظرف ایفاء می کند، محل تکیه به آخر کلمه منتقل می شود؛ همیشه لیک (برای همیشه)، بایاقدان (از کمی پیش)، آیریجا (به طور جداگانه)، لازم به یادآوری است که، تعیین محل تکیه تمام کلمات و در تمام حالات و موارد آن ها مستلزم کار علمی به خصوصی است و در این جا به این مختصر اکتفا می کنیم.

حادثه های صوتی در زبان آذری معاصر

هر زبانی بر اساس قوانین داخلی خاص خود تکامل می یابد. این پیشرفت جز دگرگونی و شکوفائی استخوان بندی گرامری زبان و گنجینه کلمات اساسی که دورکن اساسی زبان را تشکیل می دهند، چیزی دیگر نیست. دگرگونی و پیشرفت استخوان بندی زبان در طول زمان و هم چنین ایجاد کلمات جدید در گنجینه کلمات اساسی در درجه اول با دگرگونی های فونتیکی آغاز می شود. این تغییرات فونتیکی جزء قوانین پیشرفت زبان به شمار می آیند. این پدیده های به ظاهر ساده و کم اهمیت فونتیکی که، تغییری در معنای کلمات به عمل نمی آورند و ابتدا از یک و یا چند لهجه زبان آغاز می شوند، با پیشرفت زمان مایه اساسی تغییرات در گنجینه کلمات اساسی و در نتیجه قواعد صرف و نحو، یعنی استخوان بندی زبان را به وجود می آورد. این تغییرات فونتیکی ابتدا در زبان محاوره لهجه های مختلف خودنمایی می کنند و به تدریج به لهجه های دیگر سرایت کرده و در مقیاس زبان همه گیر می شوند و آن گاه در زبان ادبی نیز منعکس می گردند.

زبان معاصر ادبی آذری نیز از این تغییرات فونتیکی برکنار نیست. مهمترین دگرگونی های آواشی که، در زبان معاصر آذری و به ویژه در زبان گفتگوی لهجه های گوناگون آن به چشم می خورد به قرار زیر می باشد.

تغییر آوا (آسیمیلاسیون)

یکی از حوادث فونتیکی زبان گفتاری معاصر آذری که، در اکثر لهجه ها به آن برخورد می کنیم تغییر صدا و یا به اصطلاح زبان شناسی "آسیمیلاسیون" می باشد. این حادثه براساس تغییر صدای پیشین و پسین بر دوزیع است:

۱- پیشین (ایرملی): گاه در تکلم یک صدا به صدای بعد خود تاءثیر کرده و آن را شبیه و یا هم جنس خود می کند. در این صورت آسیمیلایون پیشین انجام می گیرد. در پیدایش این حادثه فونتیکی وضعیت آلت تکلم یعنی زبان نقش اساسی بازی می کند. بدین معنی که، زبان در گذر از یک حالت به حالت دیگر سختی می کشد. مثلاً "در تلفظ کلمه" دانلاماق " (سرزنش کردن) زبان نمی خواهد از حالتی که، برای ادای صدای "ن" به خود گرفته است، جدا شود. به تعبیر دیگر در این کار سختی می کشد و یا مقاومت به خرج می دهد و حاضر نمی شود که، از این وضعیت آزاد شده و حالت لازم برای تلفظ حرف "ل" را به خود به گیرد و به همین جهت صدای "ل" ناگزیر به صدای پیشین خود یعنی صدای "ن" مبدل می شود. لذا کلمه فوق الذکر به شکل "دانناماق" ادا می شود. در این جا چون صدای پیشین آوای بعدی خود را مجبور به تشابه و تجانس با خود می کند، از اینرو می توان آن را تشابه و یا تجانس پیشین (ایرملی آسیمیلایون) نامید. این حادثه بین دو کلمه نیز روی می دهد.

در زبان معاصر آذری این حادثه آوائی در صداها و زیرین به چشم می خورد:

"پ" "م" "ب": این حالت که، بیش تر در آخر کلمه و هنگام افزودن پسوندهای آغاز شونده به حرف "م" روی می دهد، صدای "پ" آوای "م" را یا به خود شبیه و هم جنس می کند و یا آن را به آوای "ب" مبدل می کند که، به خودش نزدیک تر از صدای (م) می باشد. مثلاً "کلمه" قاپماق (قاییدن) به یکی از دو شکل "قاپپاق" و یا "قاپپاق" تلفظ می شود.

هم چنین کلمه "اویمک" (بوسیدن) به یکی از دو شکل "اوئپیک" و یا "اوئپک" ادا می شود و همین طور کلمات مشابه دیگر که، اولی تشابه تام و دومی ناقص می باشد.

ب) "ن" "ل": این حالت در جساهای گوناگون کلمه به چشم می خورد مثال ها: قویونلار-قویونسار (گوسفندها)، اویونلار-ویونسار (بازیها)، دانلاماق-دانناماق (سرزنش کردن)، آنلاماق-آنناماق (فهمیدن)، اودونلار-اودونسار (هیزما)، اودونلوق-اودونسوق (هیزم دان)، قهرمانلیق-قهرماننلق (قهرمانی)، اوللوق-اونلوق (ده تومانی)، ...

ج) "ن" - "د": بیش تر در آخر کلمات هنگام پیوستن پسوند "دان" آغاز شونده به حرف "د" روی می‌دهد. مثال‌ها: سندن - سنن (از تو)، زنجاندان - زنجاندان (از زنجان)، قویوندان - قویوندان (از گوسفند)، مند - منن (از من)، آتاندان - آتاندان (از مادرت)، چمند - چمن (از چمن)، ...

د) "م" - "و": این حالت بیش تر آن گاه مشاهده می‌شود که کلمه اول با حرف "م" ختم شود و کلمه ما بعدی با حرف (و) آغاز شود. نمونه‌ها: ایشیم وار - ایشیم وار (کاردارم)، آدام وار - آدام وار (آدم هست)، قئیم وور - قئیم مور (محکم بزن)، ...

ه) "د" - "ل": این حالت نیز بیش تر در آخر کلمات و هنگام پیوستن پسوند های آغاز شونده به حرف "ل" مشاهده می‌شود. مثال‌ها: قوردار - قوردار (گرگ‌ها)، اوددار - اوددار (آتش‌ها)، سودلر - سودلر (شیرها)، سوئودلر - سوئودلر (بیدها)، ...

در تمام این حالت آسیمیلایون کامل انجام گرفته است، چون که یک صدا آوای بعدی خود را کاملاً به خود شبیه و هم جنس نموده است. اما علاوه بر این، چنان که در حالت "آ" دیدیم، بعضاً صدائی نمی‌تواند صدای ما بعد خود را کاملاً به جنس خود مبدل نماید، بلکه آنرا به صدای دیگر نزدیک به خود تغییر شکل می‌دهد. در این صورت تغییر آوای ناقص (ناقص آسیمیلایون) انجام می‌گیرد. مثلاً: آداملار - آداملار (آدم‌ها)، سلاملار - سلاملار (سلام‌ها)، عجملر - عجملر (عجم‌ها)، الیمدن - الیمدن (از دستم)، آخشاملار - آخشاملار (شام‌گاهان)، آتلار - آتلار (سیم‌ها)، ایتلر - ایتلر (سگ‌ها)، اوتلار - اوتلار (گیا‌هان)، ...

۲ - پسین (گئری): هنگام تلفظ بعضی از آوای کلمات به صدای ماقبل خود تاءثیر نموده و آن را شبیه و هم جنس خود می‌کند. در این صورت تجانس و یا آسیمیلایون پسین انجام می‌گیرد. در این حالت مثل این که زبان از گرفتن وضعیت خاص برای ادای آوایی سرباز زده و حالت لازم برای ادای صدای بعد از آن را به خود می‌گیرد و لذا صدای اول را به صدای ما بعد مبدل می‌کند. مثلاً "در کلمه" اوخویورلار (می‌خوانند).

زبان قبل از تلفظ حرف "ر" صدای بعد آن، یعنی آوای "ل" را ادا می‌کند و لذا صدای قبلی را مجبور می‌نماید که، به صدای "ل" مبدل شود. در این حالت چون صدائی آوای ماقبل خود را مجبور به تشابه و تجانس با خود می‌کند، لذا می‌توان آن را تشابه و یا تجانس پسین (گتری آسیمیلاسیون) نامید.

در زبان معاصر آذری این حادثه فونتیکی بیش‌تر در صدا های زیرین به چشم می‌خورد.

آ) "ل" - "ر": این حالت بیش‌تر در افعال مشاهده می‌شود. علامت زمان حال افعال در زبان آذری معاصر (ایر = IR) و علامت زمان مضارع (آر = AR) می‌باشد (بعدا "در مباحث مربوطه خواهیم دید) که، با صدای "ر" ختم می‌شوند. در سوم شخص جمع این افعال علامت جمع (لار = LAR) با صدای "ل" آغاز می‌شود و بدین نحو در کلمه صدای "ر" و بعد از آن "ل" پشت سر هم می‌آیند. در تمام این گونه افعال آوای "ر" به صدای "ل" مبدل می‌شود. مثال‌ها: قاجیرلار - قاجیلار (فرار می‌کنند)، اوتورورلار - اوتورولار (می‌نشینند)، آلارلار - آللار (می‌گیرند)، دانیشارلار - دانیشارلار (حرف می‌زنند)

ب) "ت" - "ز" - "س": این حالت بیش‌تر در فعل شرط زمان آذری به چشم می‌خورد. افعالی‌کی، ریشه آن‌ها با صدای "ت" و یا "ز" ختم می‌شود، هنگام افزودن پسوند شرط (سا = SA) صدای "س" آوای ماقبل خود را هم جنس خود می‌نماید. مثال‌ها: آتسا - آسا (اگر بیندازد)، یازسا - یاسسا (اگر بنویسد)، دؤزسه - دؤزسه (اگر تحمل نماید)، اؤنوتسا - اؤنوسسا (اگر فراموش کند)، پؤزسا - پوسسا (اگر به هم‌زند)، ایتسه - ایسه (اگر گم شود)، آزسا - آسا (اگر راه را گم بکند)

ج) "ن" - "م": این تجانس در حالات مختلف افعال به چشم می‌خورد. مثال‌ها: قانمیر - قامیر (نمی‌فهمد)، دینمیر - دیممیر (حرف نمی‌زند)، سوءنمور - سوءممور (خاموش نمی‌شود)، دؤنمور - دؤممور (بر نمی‌گردد)، قونمور - قوممور (نمی‌نشیند) (مرغ روی درخت)، ئنمیر - ئممیر (پائین نمی‌آید)، اؤوونمور - اوووممور (آرام نمی‌گیرد)

د) "ج" - "ش": این حالت اساساً "دربین دو کلمه دیده می شود، آن گاه که، کلمه اولی به "ج" ختم شود و کلمه بعد از آن با "ش" آغاز گردد. نمونه ها: اَوچ شام - اوششام (سه شمع)، هئِچ شئی - هئِشئئی (هیچ چیز)، آج شالی - آششالی (شال را بازکن)،

تبدیل صدا (دیسیمیلاسیون) (سس دگیشمسی)

در زبان گفتاری آذری به حادثه فونتیکی دیگر نیز برخورد می کنیم که، از لحاظ اهمیت درست عکس آسیمیلاسیون (همانندسازی) می باشد. اگر در آسیمیلاسیون یک آوا صدای ماقبل و یا مابعدی خود را به هم جنس خود مبدل می کرد، در این حادثه یکی از دو صدای هم جنس به آوای غیر هم جنس تبدیل می شود. حادثه دیسیمیلاسیون بیش تر در آواهای (ر-ن-م) مشاهده می شود. هنگامی که یکی از این صداها در یک کلمه تکرار می شود، ظرافت گفتگو از لحاظ صوت به هم می خورد و در تلفظ سنگینی به وجود می آید. برای از بین بردن این سنگینی آخرین صدای تکرار شده در کلمه براساس نوع و مخرجش به صدای نزدیک به خود از حیث مخرج مبدل می شود. مانند: ضرر-ضزل (ضرر)، قرار-قرال (قرار-تصمیم)، فانتان-فانتال (فواره).

چنان کی، در مثال ها دیده می شود، در این جا پهلوی هم آمدن آوای تکرار شده، چنان که در حالت آسیمیلاسیون بود، شرط نیست، و انگهی بودن این آوای تکرار شده در یک هجا نیز شرط نیست و ممکن است، در هجای گوناگون یک کلمه باشند.

تغییر مکان آواها (مئتاتئز) (سسلرین یئر دگیشمهسی)

در زبان گفتاری آذری معاصر، علاوه بر دو حادثه فونتیکی مذکور، در بعضی

کلمات صداها جای خود را عوض می‌کنند. این حادثه در زبان آذری نسبت به آسیمیلاسیون محدودتر ولی نسبت به دیسیمیلاسیون گسترده‌تر است. حادثه متاتئز را در کلمات زیر می‌توان مشاهده نمود: کوپرو – کورپو (پل)، ابراهیم – ارباهیم (ابراهیم)، کلفت – کفلت (خادمه)، گؤستمک – گورستمک (نشان دادن)، چیلپاق – چیپلاق (برهنه)، کیرپیک – کیپرک (ابرو) یارپاق – یاپراق (برگ)، تۆرپاق – توپراق (خاک)،

باید تذکر داد که در زبان ادبی آذری اساساً "طرف‌های اول رابه‌کار می‌برند."

افزودن آوا (پروتئز) سس آرتیمی)

در زبان ادبی معاصر آذری دو صدا دار نمی‌تواند پهلوی هم در یک کلمه استعمال شود؛ در بحث بخش نیز دیدیم. (کلمات دخیل چون: فعل، معاش، معارف، معلم، ایده‌آلیزم از این قاعده خارج اند). در کلمات اصیل آذری این قانون تغییر ناپذیر است. روی همین اصل آن گاه که به آخر کلمه منتهی به صدا دار پسوند آغاز شونده با صدا دار افزوده می‌شود و در نتیجه دو مصوت پهلوی هم قرار می‌گیرند، برای جلوگیری از این وضع و یا به تعبیر دیگر برای رعایت قانون اساسی مذکور به صداها ی اضافی متوسل می‌شوند. این حادثه فونتیک را در علم زبان شناسی متاتئز می‌نامند.

در زبان ادبی معاصر آذری در حالات زیر از این قانون و یا حادثه فونتیکی استفاده می‌کنند.

۱) - آن گاه که به اسم منتهی به مصوت پسوند آغاز شونده به مصوت افزوده می‌شود. برای رعایت قانون فونتیکی زبان آذری و جدا کردن دو مصوت از هم یکی از دو بی‌صدای (ن - ی) بین آن دو می‌آید. این بی‌صداها که بیش‌تر هنگام افزودن پسوند های حالات اسم به اسماء دیده می‌شوند، در زبان ادبی

آذری "جداکننده" (آییریچی) و در زبان ادبی "آنادولو" پیوند دهنده (بیتیشد - یریچی) نامیده می‌شوند. باید یادآوری نمود که، آوردن یکی از دو بی صدا اختیاری نیست، بلکه هریک دارای مکان خاص می‌باشد که، در جای خود خواهیم دید. چند نمونه: آنا (مادر)، آنایا (به مادر)، آنانی (مادرا)، قوزو (بره)، قوزویا (به‌بره)، قوزونو (بره را)،

۲ - هنگام افزودن پسوند های آغاز شونده به مصوت به ضمیر (او، بو) (او - این) از بی صدای "ن" استفاده می‌شود نمونه‌ها: اؤنا (به او)، اؤنو (اورا)، اؤندا (در او)، اؤندان (از او)، بؤنا (به این)، بؤنو (این را)، بؤندا (در این)، بؤندان (از این)، در این جا بعضی از "ن" ها برای زیبایی و سلامت زبان افزوده می‌شود.

۳ - هنگام افزودن پسوند های حالات اسم به ضمیر: بؤرا (این جا)، اؤرا (آن جا)، هارا (کجا)، بئله (چنین)، ائله (چنان)، که، همگی با صدادار آغاز می‌شوند، از عنصر "ن" در حالت اضافی و مفعولی (را) و از عنصر "ی" در حالت (به) استفاده می‌شود. مثلا "بورایا (به این جا)، بؤرانی (این جا را)، بؤرانین ایشی (کار این جا)، اؤرایا (به آن جا)، اؤرانی (آن جا را)، اؤرانین ایشی (کار آن جا)، هارایا (به کجا؟)، هارانی؟ (کجا را؟)، هارانین عادت؟ (کجا؟)،

۴ - هنگام افزودن پسوند های حالات اسم به ترکیب های تعیینی نوع دوم و سوم/در این باره در بحث نحو سخن خواهیم گفت/از بی صدای "ن" استفاده می‌شود که، در بعضی موارد برای جدا کردن دو صدادار از هم به کار می‌رود و در بعضی از موارد دیگر برای زیبایی و سلاست کلام مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنان که، در نمونه های پائین مشاهده می‌شود: ارک قالاسی + ن + ی (تاریخی) (تاریخ قلعه‌مارک)، ارک قالاسی + ن + ا (به قلعه‌مارک)، ارک قالاسی + ن + ی (قلعه ارک را)، ارک قالاسی + ن + دا (در قلعه ارک)، ارک قالاسی + ن + دان (از قلعه ارک)، . . .

آنانین سؤزلی + ن + ی (تاثیری) تاثیر سخنان مادر، آنانین سؤزلی + ن + ه (به سخنان مادر)، آنانین سؤزلی + ن + ی (سخنان مادر را)، آنانین

سُزُلری + ن + ده (در سخنان مادر) ، آنانین سُولری + ن + دن (از سخنان مادر) .

۵ - هنگام افزودن پسوند های نسبت ، در بعضی موارد (در جای خود خواهیم دید) برای جدا کردن دو صدا دار از هم از بی صدای "س" استفاده می شود . مانند آنا + س + ی (مادرش) ، قُوزو + س + و (بره اش) ، کُچه + س + ی (کوچه اش) ، سُورو + س + و (رملش) ، ساده + س + ی (ساده اش) ، کُلگه + س + ی (سایه اش) دده + س + ی (جدش) ،

۶ - در زبان ادبی معاصر آذری هم چنان که دو صدا دار در یک کلمه پهلوی هم نمی آیند ، دویی صد انیز پشت سر هم در یک بخش به کار برده نمی شوند . شک نیست که ، در کلمات اصیل آذری به چنین کلماتی هیچ گاه برخورد نمی شود . اما این حالت در شماری از کلمات "دخیل" عربی و فارسی مشاهده می شود . مانند کلمات : ذهن ، اذن ، عمر ، تخم ، شخم ، اسم ، صنف ، ذکر ، فکر ، شهر ، شکل ، جسم ،

این گونه کلمات هیچ گاه از طرف آذربایجانیان به شکل اصلی آن ها تلفظ نمی شوند و نمی توانند به شوند . هنگام تلفظ چنین کلمات بین دویی صدای اخیر کلمه یک صدا دار مناسب با ترکیب صوتی کلمه ، اضافه کرده و آنها را به دو بخش و یا مقطع مبدل می کنند . بدین شکل : ذهن ، ایدین ، عومور ، توخوم ، شوخوم ، ایسیم ، صینیف ، ذیکیر ، فیکیر ، شههر ، شه کیل ، جیسیم ، چنان که ملاحظه می شود این حادثه فونتیکی خاص زبان آذری ، از یکسو مشکل تلفظ دویی صدا را از میان برمی دارد و از سوی دیگر در کلمات یک نوع ظرافت ، آهنگ ، سلاست و زیبایی خاص کلمات آذری ایجاد می کند .

اما باید متذکر شد که تمام کلمات دخیل از زبان های عربی و فارسی مشابه را نمی توان بر اساس همین قانون نوشت و تلفظ کرد . عده ای از این گونه کلمات امروز نیز در زبان ادبی آذری مستعملند که ، شکل اولی خود را حفظ کرده اند ، یعنی در آن ها دویی صدا پشت سر هم ، بدون افزودن صدا دار بین آن ها ، گفته و نوشته می شوند . مانند کلمات : قید ، قدر ، قسم ، قصر ، لطف ، عکس ، عصر ، قرن ، صرف ، هضم ، جذب ، نبض ، قبض ، نفس ، حبس ، صبر ، قبر ، فخر

، چرخ، شخص، علم،
 به نظر ما علت این حادثه آن است که این کلمات و کلمات مشابه آن ها نسبت به کلمات بالائی در دوران های نزدیک، به زبان آذری داخل شده و کم استعمال شده اند. از این قبیل کلمات دخیل به کلماتی نیز برمی خوریم که در آخر دارای بی صدای مکرر می باشد. مانند: رد، حل، سد، فن، سر،
 که، معمولاً "با تشدید نوشته می شوند. در تمام این کلمات و کلمات مشابه افزودن یک بی صدا میان دو بی صدا به قصد جدا کردن آن ها از هم دیگر میسر نیست. باید اضافه کرد که در بین کلمات اصیل آذری به کلماتی نیز برمی خوریم که در وسط و یا آخر آنها دو بی صدا پشت سرهم نوشته می شوند. این گونه کلمات را که دارای بی صدای مکرر است، از قدیم الایام با تشدید نوشته اند و امروز نیز چنین می نویسند. مانند یدّی (هفت)، سگّیز (هشت) (دوقوزانه)، سا قال (ریش) چاقال (شغال)،
 علاوه بر این در زبان آذری کلماتی نیز وجود دارد که، دو بی صدای غیر هم جنس در آخر آن ها می آید. مانند: دورد (چهار)، آلت (زیر)، اوست (بالا)، قورد (اگرگ)، کورد (کرد)، قیرخ (چهل)، سرت (سخت)

سقوط صدا (ائلیزییا) (سس دوشومو)

این حادثه فونتیک بی بیش تر در افعال مرکبی که به مساعدت فعل "ایمک" (استن) درست می شوند و هم چنین هنگام پیوستن بعضی پسوند ها به اسم ها روی می دهد. مهم ترین موارد سقوط صدا به قرار ذیل می باشد:

۱- در زبان ادبی معاصر آذری افعال "ایدی - اییمیش" که، از مصدر مهجور "ایمک" (استن) به وجود آمده اند، به افعال معمولی پیوسته و فعل های مرکب ایجاد می کنند. این افعال هنگامی که به طور جداگانه نوشته می شوند، تابع قانون عمومی هماهنگی صداها نشده و به شکل فوق نوشته می شوند. مانند:

گلمیش ایدی (آمده بود)، گلمیش اییمیش (آمده بوده است)،

اما آن گاه که این فعل های کمکی تابع قانون عمومی هماهنگی صداها می شوند ، به فعل ها می چسبند و در این صورت بخش نخستین آن ها می افتد . مثلاً " افعال مذکور به شکل گلمیشدی (آمده بود) ، گلمیشمیش (آمده بوداست) نوشته می شوند . لازم به تذکر است که هریک از افعال کمکی "دی" و "میش" بر اساس قانون عمومی هماهنگی صداهای زبان آذری دارای چهار شکل میباشد . (دی^۴ - میش^۴) که در بحث های مربوطه خواهیم دید .

پسوندهای ایسه (اما) ، ایکن (درحالی که) ، ایله (با) و اوچون (برای) که ، اکثراً " قوشما می باشد (درفصل ویژه بحث خواهد شد) نیز همانند فعل کمکی " ایدی " آن گاه که به شکل منفصل نوشته می شوند به قانون هماهنگی عمومی صداها تابع نشده و به شکل فوق نوشته می شوند . اما آن گاه که تابع قانون عمومی هماهنگی صداها می شوند ، به صورت متصل نوشته شده و نخستین بخش آن ها ساقط می شود . مانند : پولادایله = پولادلا (با پولاد) ، سن ایسه = سنسه (اما تو) ، اونون اوچون = اونونچون (برای او) ،

لازم به یادآوری می باشد که ، این کلمات به هر دو شکل نوشته می شوند و هر دو شکل صحیح می باشد .

۲ - در بعضی از کلمات دوبخشی زبان آذری ، هنگام افزودن پسوند به آن ها ،

صدا دار بخش دوم می افتد ، یعنی هنگام افزودن پسوند یک بخشی به این کلمات ، به جای این که آن ها به کلمات سه بخشی مبدل شوند ، باز هم به شکل کلمات دوبخشی باقی می مانند . مثلاً " کلمه آغیز (دهان) با افزودن پسوند حالت مفعولی اسم به شکل " آغزی " (دهان را) در می آید که باز هم دوبخشی است .

علت این کار قانون صوتی ویژه زبان آذری است . این قانون عبارت است از : اگر نخستین بخش کلمه دوبخشی باز و بخش دوم آن بسته باشد هنگام افزودن پسوند آغاز شونده با صدا دار به آن کلمه مصوت بخش دوم آن می افتد . در نتیجه این سقوط در کلمه باز هم بیش تر از دو مصوت باقی نمی ماند و در نتیجه دو بخشی می شود .

باید افزود که، این قانون در باره همه کلمات دوبخشی صادق نیست، بلکه بیش تر خاص آن کلمات دوبخشی است که بخش دوم آن ها با یکی از بی صداهای (غ - ر) آغاز می شوند. مثلاً "کلماتی نظیر: اوغول (پسر)، بۇرون (بینی)، آغیز (دهان)، قارین (شکن)،

۳ - در بالا در بخش "افزودن آوا (پروتئز) دیدیم که، با افزودن یک صدا دار بین دو مصوت پشت سرهم در بعضی از کلمات دخیل یک بخشی، آن کلمات در زبان آذری در دو بخش تلفظ می شوند (اسم - ایسیم).

هنگام افزودن یک پسوند آغاز شونده با صدا دار بماین گونه کلمات، صدا دار افزوده شده اهمیت اولی خود را گم کرده و ساقط می شود و در نتیجه کلمه به شکل اصلی خود برمی گردد، منتهی دشواری اصلی نیز (پشت سرهم آمدن دویی صدا در یک بخش) از میان برمی خیزد. زیرا یکی از دو بی صدای پشت سرهم کلمه، از بخش اصلی جدا شده و با پسوند الحاقی بخش مستقل جدید تشکیل می دهد و کلمه به شکل کلمه دوبخشی تلفظ می گردد. مثلاً "کلمه عربی" شکل " که در اصل یک بخشی بوده، در زبان آذری " شکل " گفته می شود، یعنی چون تلفظ دویی صدا در یک بخش پشت سرهم در زبان آذری غیر ممکن است، از اینرو با افزودن صدا دار "ی" بین دویی صدای پشت سرهم از یک سواشکل را برطرف می کنند و از سوی دیگر کلمه یک بخشی را به دو بخش مبدل می نمایند. اما هنگام افزودن پسوند حالت مفعولی "ی" بماین کلمه، یکی از دو بی صدای پشت سرهم با این پسوند جوش خورده و از بخش اولی جدا شده و تشکیل یک بخش مستقل جدید می دهد. لذا در آخر بخش اول فقط یک بی صدا می ماند. به عبارت دیگر احتیاجی به "ی" نخستین نمی ماند، از اینرو اهمیت خود را از دست داده و ساقط می شود. بدین نحو: شکلی (شکل را) = شک + لی.

۴ - هنگام افزودن پسوند آغاز شونده به مصوت به کلمه منتهی به صدا دار، یکی از صدا دارها ساقط می شود. یدی (هفت) یدیچی (هفتم)، آلتی (شش)، آلتینچی (ششم)، ایکی (دو)، ایکینچی (دوم)،

در آخر این بحث تذکر این نکته ضروری است که، بعضی از این حادثه های صوتی، به ویژه "آسیمیلاسیون" دیسیملاسیون" و "متئاتز" خاص زبان گفتاری

بوده و استفاده از آن ها در زبان رسمی به هیچ وجه جایز نیست . استفاده از یکی از این حوادث صوتی در زبان ادبی آن گاه جایز است که ، آن حادثه فونتیکی کاملاً " شکل همه گیر پیدا کرده و در اکثر و یا تمام لهجه های زبان به کار برده شود . به عنوان مثال به استعمال پسوند ایله (با) در زبان ادبی آذری معاصر اشاره می کنیم :

در همه و یا اکثر لهجه های آذربایجان ایران ، برعکس آذربایجان شوروی ، پسوند " ایله " به شکل (نان - نن) به کار برده می شود . تحت تاثیر زبان تکلم در نوشته ها نیز به آن بر خورد می کنیم . با در نظر گرفتن همه گیر بودن آن استعمالش به شکل (نان - نن) نیز موجه بوده و جایز است . با وجود این نباید از استعمال این پسوند به شکل " ایله " نیز کاملاً " غافل ماند .

باید متذکر شویم که ، استفاده از این حوادث فونتیکی در آثار ادبی ، آن گاه که نویسنده از زبان عوام و یا قهرمانان مردم سخن می گوید ، ممکن است .

اما استفاده از " پروتئز " و " ائلیزییا " در زبان ادبی ضروری بوده و مادر بحث های آینده به آن ها اشاره خواهیم کرد .

قانون هماهنگی صداها (آهنگ قانونو)

چنان که در گذشته دیدیم، هر زبان زنده ای دارای صدا های ویژه خود می باشد. این آوا ها به طور کلی آواهای هر زبان، هنگام تلفظ و وارد شدن در ترکیب کلمات آن زبان تابع قوانین فونتیکی خاص همان زبان است. زبان معاصر ادبی آذری نیز از این قاعده کلی برکنار نیست. ویژگی های فونتیکی یک زبان را نمی توان با معیارهای فونتیکی زبان های دیگر اندازه گرفته مقایسه و بررسی نمود. همین طور خصوصیات فونتیکی زبان معاصر آذری را نمی توان با معیارهای آوائی زبان فارسی و یا عربی مقایسه و بررسی نمود.

زبان معاصر ادبی آذری دارای قوانین صوتی بس استوار و تقریباً بدون استثناء است. یاد گرفتن دقیق این قواعد برای مکالمه درست و درست نوشتن زبان ادبی آذری کمال ضرورت و اهمیت را دارد. زیرا در درست تلفظ کردن و صحیح نوشتن تمام کلمات اصیل آذری و قواعد صرفی این زبان به آن ها نیاز خواهد بود.

اگر هنگام تکلم در خانواده و جامعه و هم چنین موقع خواندن آثار فولکلوریک و نوشته های ادبی نویسندگان و شعرای کلاسیک و معاصر آذری به تلفظ کلمات دقیق شوید، ملاحظه خواهید کرد که، آن ها را همیشه و در هر حال به یک شکل مشخص ادا می کنند. مثلاً "کلمات "آنادان" (ازمادر) و "آتادان" (از پدر) را هیچ گاه به صورت "آنادهن و آتادهن" نخواهید گفت و نخواهید خواند. هم چنین کلمات وطندهن (از وطن) و کوچه دهن (از کوچه) را به صورت وطندان و "کوچه دان" تلفظ نخواهید نمود. زیرا در زبان معاصر ادبی آذری توالی بی صداها و صداهات تابع قانون خاصی است که شما در آغوش مادر، در خانواده و محیط زندگی، بدون توجه به آن قانون، آن را یاد گرفته اید، آن را چنان که هست، بدون توجه به کیفیت آن، آموخته اید و لذا هنگام تکلم و یا خواندن آن را درست به کار می برید، بدون این که متوجه باشید که، براساس

قانون هماهنگی زبان صحبت می کنید و یا می خوانید .

به تلفظ کلمات "اؤزوم" (خودم) ، "گوؤزوم" (چشم) ، "دوؤزوم" (طاقت) و "سوؤزوم" (سخن) درست دقت کنید . چون حرف با صدای بخش نخستین این کلمات نرم (اینجه) و گرد (دوداقلانان) می باشد ، لذا حروف با صدای بعدی آن کلمات نیز هم از صدادهای نرم (اینجه) و هم گرد (دوداقلانان) تشکیل شده اند .

همین طور به کلمات "قالخماق" (بلند شدن) و گلمک (آمدن) دقیقاً توجه نمائید . چون اولین صدادهای کلمه نخست از آواهای محکم (قالین) تشکیل شده اند ، در ترکیب آن هم حروف صدادهای محکم و هم حروف بی صدای نسبتاً محکم (قالین) به کاررفته است . و یا به تعبیر دیگر چون کلمه با حرف بی صدای نسبتاً محکم "ق" آغاز شده است ، از اینرو در ترکیب آن هم حرف صدادهای محکم (قالین) به کاررفته و هم از حروف بی صدای نسبتاً محکم "خ - ق" استفاده به عمل آمده است و اما چون در کلمه دوم نخستین صدادهای نرم (اینجه) می باشد ، هم حروف صدادهای بعدی آن نرم است و هم حروف بی صدای نسبتاً نرم (گ - ک) در آن به کار گرفته شده است . به تعبیر دیگر چون کلمه با بی صدای نرم "گ" آغاز شده ، لذا هم بی صداها و هم صدادهای بعدی آن کلمه نیز نرم (اینجه) شده اند .

از این گفته ها به آسانی می توان دریافت که ، در زبان ادبی معاصر آذری توالی صداها (هم صدادهای و هم بی صدا) تابع قوانین فونتیکی خاصی است و تمام کلمات این زبان از لحاظ ترکیب صوتی تابع این قانون اند . در یک کلمه آذری صداهای محکم و نرم یک جا جمع نمی شوند ؛ در ریشه کلمات اصیل آذری صداهای مدور و غیر مدور نیز با هم به کار گرفته نمی شوند . بعداً خواهیم دید ، اگر نخستین صدادهای کلمه آذری را به دانیم می توانیم صداهای بعدی آن کلمه را دقیقاً تعیین نمائیم . یعنی در کلمات آذری نخستین صدادهای هر کلمه به مثابه سرکرده ای است که افراد گروه خود را مناسب با خود انتخاب می نماید . به طور کلی کلمات زبان آذری را به گردنبنندی می توان مانند کردکماز مرواریدهای درشت و خرد و سنگ های قیمتی با حجم ها و رنگ های گوناگون تشکیل یافته

است. این گردنبندها گاه دلفریب و زیبا و گردنبندها به تمام معنی به شمار آید که، این سنگ های قیمتی و مرواریدها براساس حجم و رنگ به ترتیب خاص و به شکل قرینه پهلوی هم به نخ کشیده شوند. در غیر این صورت اصطلاح گردنبندها زیبا به آن اطلاق نخواهد شد. همانند این گردنبندها کلمات آذری نیز آن گاه می تواند شکل گیرد که، صدادارها و بی صداهای آن، مصوت های مدور و غیر مدور آن هر یک در جای لازم قرار گرفته باشند و مجموعاً "یک هماهنگی و موسیقی خاص کلمات و زبان آذری به وجود آورند.

قرار گرفتن صداها در جای لازم در کلمات و یا توالی آواها براساس قانون هم آهنگی زبان می باشد. متخصصین و صاحب نظران زبان شناسی آذری و هم چنین استادان تورکولوژی در مقیاس جهانی، مجموعه، این قوانین را قانون هماهنگی صداها (آهنگ قانونی) نام گذاری کرده اند.

هنگام بحث از قانون هم آهنگی صداها در زبان ادبی معاصر آذری با سه گروه قوانین فونتیکی باید آشنا شد:

- ۱- قوانین هم آهنگی صدادارها.
- ۲- قوانین هم آهنگی صدادارها بابی صداها.
- ۳- قوانین توالی بی صداها.

۱- قوانین هم آهنگی صدادارها

قبل از پرداختن به چگونگی قوانین فونتیکی زبان آذری به طور کلی، خواه قوانین مربوط به صدادارها و خواه بی صداها، باید متذکر شویم که، تمام این قوانین مربوط به کلمات اصیل ترکی آذری و هم چنین در برگرفته آن کلمات دخیل از زبان های عربی فارسی و اروپائی می باشند که، با قوانین صوتی زبان آذری کاملاً "هم آهنگ و همگون شده اند. اما آن کلمات عربی و فارسی و اروپائی

که، هنوز با قوانین صوتی زبان آذری همگون نشده‌اند، بیرون از این قانون قرار دارند. به عنوان نمونه می‌توان کلمات: کتاب، عالم، قانون، دولت، حکومت، ایده‌آلیزم، آسوده، خارج، داخل... را نشان داد.

چنان‌که از عنوان این بحث مشاهده می‌کنیم، این قوانین فقط مربوط به صدادهای نه‌گانه زبان آذری می‌باشد. این قوانین عبارتند از:

۱- در بحث گروه بندی صدادهای دو جدول ویژه ترتیب داده شده‌است. جدول‌های فوق عمداً "بدان شکل ترتیب داده شده‌اند تا، در بحث قوانین هم‌آهنگی صداها، یعنی در همین بحث نیز مفید باشند. اینک متذکر می‌شویم که، دو جدول فوق‌الذکر در بهتر و زودتر یاد گرفتن همین قوانین کمال اهمیت را دارند و لذا باید آن‌ها را نیک به خاطر سپرد.

چنان‌که در گذشته دیدیم، صدادهای نه‌گانه زبان آذری به دو گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- صدادهای محکم (قالین): آ- ئ- و- وُ.
- ۲- صدادهای نرم (اینجه): ا- ئ- دُ- وُ.

این تقسیم بندی که در جدول نخستین گروه بندی صدادهای نیز به وضوح دیده می‌شود، اساس نخستین قانون هم‌آهنگی صدادهای و یا اساسی‌ترین قانون هم‌آهنگی آواهای زبان آذری را تشکیل می‌دهد، با وجود اهمیت فوق‌العاده این قانون در زبان آذری ادبی معاصر، اساس آن بی‌نهایت ساده است.

اگر هنگام تکلم به تلفظ صدادهای دقیق شوید، در خواهید یافت که، صدادهای هر کلمه از لحاظ محکمی و نرمی رابطه ناگستنی با نخستین صدادهای آن کلمه دارد، یعنی اگر نخستین صدا دار یک کلمه آذری محکم باشد، بقیه صدادهای آن کلمه نیز محکم و اگر نرم باشد، بقیه صدادهای آن کلمه نیز نرم خواهد بود. لذا نخستین قانون هم‌آهنگی صدادهای را می‌توان بدین

شکل فرمولبندی نمود:

در کلمات اصیل آذری اگر نخستین حرف صدادار محکم (قالین) باشد، تمام صدادارهای دیگر آن کلمه محکم (قالین) و اگر نرم باشد، بقیه صدادارهای آن کلمه نیز نرم (اینجه) خواهد بود.

مفهوم این جمله آن است که:

۱- اگر در نخستین بخش هر کلمه صدادار موجود، خواه درست (دوداقلانمایان) و خواه گرد (دوداقلانان)، محکم (قالین) باشد، بقیه مصوت‌های کلمه خواه راست (دوداقلانمایان) و خواه گرد (دوداقلانان)، لزوماً باید محکم (قالین) باشد، مثال‌ها:

آنا (مادر)، وطن (وطن)، آلماق (خریدن)، آغیر (سنگین)، دؤلوا (پر - تنگ)، قارانیق (تاریکی)، آزادلیق (آزادی)، اؤناق (طاق)، اویون (بازی)، سیندیرماق (شکستن)، قارداش (برادر)، اؤلدوز (ستاره)، قوزو (بره)، گونش (آفتاب)، چالاغان (عقاب)، وورماق (زدن)،

۲- اگر نخستین صدادار کلمه نرم (اینجه) باشد، خواه راست و خواه گرد، بقیه مصوت‌های آن کلمه خواه راست و خواه گرد، لزوماً باید نرم (اینجه) باشند.

مثال‌ها: اۆرهک (قلب)، چۆرهک (نان)، دویون (اگره)، بویوک (بزرگ)، اۆزگه (بیگانه)، اۆزوم (انگور)، اۆزوک (انگشتی)، ائتمک (کردن)، دهنیز (دریا)، ایکی (دو)، ایتیرمک (گم کردن)، چۆروک (پوسیده)، دۆزلتمک (اصلاح کردن - راست کردن)، ائولنمک (ازدواج کردن)، گۆرمک (دیدن) . . .

بار دیگر یادآوری کنیم که، این قانون در زبان معاصر ادبی آذری همه گیر بوده و به استثنای کلمات بسیار نادر، تمام کلمات و حتی چنان که در پائین خواهیم دید، پسوندهای زبان را نیز دربرمی‌گیرد.

۲- از دو جدول گروه بندی صدادارها به آسانی مستفاد می‌گردد که، مصوت‌های نه‌گانه زبان آذری از لحاظ شرکت و یا عدم شرکت لب‌ها در تلفظ آن‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- صدادارهای مدور و یا گرد (دوداقلانان) : و - و - و - و .

- ۲- صدادارهای راست (دوداقلانمایان) : آ - ا - ی - ی - ع .

این تقسیم بندی اساس دومین قانون توالی صدا دار های زبان ادبی معاصر آذری را تشکیل می دهد . این قانون بیش تر در ریشه کلمات بی نهایت قدیم زبان مشاهده می شود . از اینرو دایرهء عملکرد آن نسبت به قانون نخستین محدود است .

به تلفظ دو گروه کلمات ذیل توجه نمائید:

- ۱- آنا (مادر) ، آغاچ (درخت) ، اله مک (بیختن) ، دیللنمک (به صدا درآمدن - اعتراض کردن) ، اممک (کاشتن) ، قاقماق (دویدن) ، قادین (زن) ، الچک (دست کش) ، آلاچیق (کلبه) ، آینا (آئینه) ، اممک (مکیدن) ، آراماق (جستن) ، امزیک (پستانک) ،

- ۲- بۇرون (يىنى) ، بۇيۇك (بىزگ) ، اۆزوم (انگور) ، اۆزوم (خودم) ، اۆكوز (گاو) ، اۆلچو (معيار-مقياس) ، اۆچوش (پرواز) ، اۆزون (دراز) ، اۆمود (اميد) ، اۆلوم (مرگ) ، اۆنلوك (پيشگير) ، اۆدون (هيزم) ، اووچو (صياد) ،

از آن جا که، در نخستین گروه کلمات صدادار بخش نخستین راست (خواه محکم و خواه نرم) است، از اینرو بقیه مصوت های آن کلمات نیز راست (خواه محکم و خواه نرم) می باشند. اما در گروه دوم چون نخستین مصوت کلمات مدور (خواه محکم و خواه نرم) است، از اینرو بقیه صدادارهای آن ها نیز مدور (خواه محکم و خواه راست) می باشد. ضمناً "ملاحظه می شود که، محکمی ویا نرمی مدور نخست این کلمات تعیین کننده بقیه مصوت های مدور آن کلمات نیز هست؛ یعنی آن جا که، صدادار نخست مدور محکم است، بقیه مصوت های کلمه نیز مدور محکم است و آن جا که، مصوت نخست کلمه مدور نرم است، بقیه صدادارهای آن کلمه نیز مدور و نرم می باشد.

از این جا دومین قانون هم آهنگی صد ادارهای زبان آذری استنباط می شود .
این قانون را می توان به شکل زیر فرمول بندی کرد :

در کلمات اصیل آذری اگر نخستین صدا دار مدور محکم باشد، بقیه مصوت‌ها نیز مدور محکم و اگر مدور نرم باشد، بقیه صدا دارهای کلمه مدور نرم خواهد

بود. هم چنین اگر نخستین صدا دار کلمه راست محکم باشد، بقیه مصوت ها نیز راست محکم و اگر راست نرم باشد، بقیه صدادهای کلمه راست نرم خواهد بود.

۳- هم آهنگی صدادهای درپسوندها: چنان که در بحث های پیشین اشاره کردیم، زبان آذری همانند تمام زبان های ترکی، زبان التصاقی است. تمام مشتقات در این زبان به واسطه افزودن پسوند ها به آخر ریشه کلمات ساخته می شوند (در این باره بعداً "مفصلاً" بحث خواهد شد). از اینرو پسوند در زبان آذری دارای اهمیت بس بزرگی است، حتی در اکثر موارد عدد پسوندها در کلمه از ریشه همان کلمه به مراتب زیادتر است. به عنوان نمونه کلمه (یازپچیلیقدان (از نویسنده گی) را نشان می دهیم که، در آن "یاز" ریشه و اصل کلمه است و بقیه یعنی قسمت اعظم آن یچیلیقدان = ی + چی + لیق + دان، از چهار پسوند مرکب می باشد و از خود کلمه بزرگ تر است. بادر نظر گرفتن اهمیت پسوندها باید دید که، قانون هم آهنگی صدادهای که در بالا دیدیم، در پسوندها به چه شکل اجرا می گردد.

دو قانون هم آهنگی صدادهای شامل پسوند ها نیز می شود، منتهی این در برگیری، دارای ویژگی هایی است که، باید به آن ها اشاره نمود. مهم ترین این ویژگی ها از این قرارند:

۱- خواه در کلمات اصیل آذری و خواه کلمات دخیل از زبان های فارسی، عربی و اروپائی، کیفیت صدادهای پسوندها از لحاظ محکمی و نرمی و یامدوری و راستی بسته به آخرین مصوت کلمه می باشد، یعنی اگر آخرین مصوت کلمه محکم باشد، صدادهای پسوند های الحاقی همه محکم و الا نرم خواهند بود. هم چنین اگر آخرین مصوت کلمه مدور محکم باشد، مصوت های پسوندهای الحاقی مدور محکم و الا مدور نرم خواهند بود. این ویژگی ها را در کلمات زیرین می توان به وضوح مشاهده نمود:

قۆیونچولوق (گوسفند داری) = قۆیون + چو + لوق.

قۆیدونوز (گذاشتید) = قوی + دو + نوز.

قارانلیقدان (از تاریکی) = قارانلیق + دان.

دۆزنلیک (همواری) = دوز + ن + لیک .
 اؤزومچولوک (تاک داری) = اوزوم + چو + لوک .
 کتابچیلیق (کتابداری) = کتاب + چی + لیق .
 دیکتاتورلوق (دیکتاتوری) = دیکتاتور + لوق .

۲ - حالت نخستین آن گاه اجرا می گردد که ، پسوندها دارای چهار شکل باشند ، (انواع پسوندها را در فصل مربوط خواهیم دید) ، اما اگر پسوند فقط دارای دو شکل باشد ، مانند پسوند علامت جمع (لار - لر) ، در این صورت صدادارهای پسوندها فقط از لحاظ محکمی و نرمی از آخرین مصوت کلمه پیروی خواهند نمود . مثلاً " ریشه های کلمات مذکور با پسوند های جمع اسمها بدین شکل خواهد بود :

قۆیونلار (گوسفندها) ، قۆیدولار (گذاشتند) ، قارانلیقلار (تاریکی ها) ،
 دۆزنلیکلر (همواری ها) ، اؤزولمر (انگورها) ، کتابلار (کتاب ها) ، دیکتاتورلار
 (دیکتاتورها) ،

۳ - تا پسوندهای دو شکلی مصوت های پسوندها چهار شکلی ، اما پس از پسوندهای دو شکلی ، همه آنها دو شکلی خواهند بود . یعنی الزاماً " از مصوت پسوند دو شکلی تبعیت خواهند کرد . به کلمات زیرین توجه نمائید :

قۆیونلاری (گوسفندهارا) ، دۆزنلیکلر دیر (همواری ها است) ، دیکتاتورلارین
 ظلمو (ظلم دیکتاتورها) ، اؤزولمکلرین محصولو (محصول تاکستانها) ، . . .

۴ - در سه قانون مذکور هم آهنگی صدادارها را از لحاظ محکمی و نرمی و مدوری و غیر مدوری در ریشه کلمات و پسوندهای زبان آذری دیدیم ، اما علاوه بر این ها در فونتیک زبان آذری قانون دیگری نیز حکم فرماست و آن توالسی صدادارها به طور کلی در کلمه ، صرف نظر از محکمی و نرمی و یا مدوری و غیر مدوری آن ها است .

با مطالعه گسترده کلمات زبان آذری مشاهده خواهد شد :

۱ - تمام صدادارهای نه گانه در تمام نقاط کلمات به کار برده نمی شوند ، بلکه بعضی از آن ها فقط در اولیس بخش کلمه و بعضی های دیگر در نقاط مختلف آن استعمال می شوند . سه مصوت (ء - وُ - وُ) فقط در اولیس بخش

کلمات می آیند و بقیه در تمام نقاط کلمات استعمال می شوند .
باید متذکر شویم که ، این مسئله خاص زبان ادبی معاصر آذری بوده و شامل زبان گفتاری در لهجه های گوناگون نیست .

صدادار (ئ) در دو کلمه در آخر می آید و این دو کلمه عبارتند از (د ئ) (بگو) و یئی (بخور) . به نظر عده ای از صاحب نظران زبان آذری وازآن جمله صاحب نظر برجسته زبان معاصر ادبی آذری پروفیسور مختار حسین زاده ، اصل و منشاء این دو کلمه نیز "دئ" و "یئ" بوده است که به شکل غلط مصطلح در آمده اند . در حقیقت در بعضی از لهجه ها این دو کلمه به شکل (دی) = DI و یی = IJ استعمال می شوند .

۲ - شش صدادار دیگر نیز (آ - لئ - پ - و - و) با رعایت سه قانون مذکور نمی توانند به دلخواه و آزادانه در هر جای کلمه جای گیرند ، بلکه ترتیب جای گرفتن آن ها نیز تابع قانون ویژه ای است . این ویژگی زائیده طبیعی سه قانون مذکور است . اگر قوانین هم آهنگی صدادارها را دقیقاً " ارزیابی کنیم ، به این نتیجه خواهیم رسید که ، اگر نخستین صدادار یک کلمه آذری را به دانیم به یاری قوانین هم آهنگی مصوت ها ، می توانیم بقیه را تعیین نمائیم و به تعبیر دیگر می توانیم به گوئیم کدام مصوت ها می توانند بیایند و کدام ها این حق را ندارند . اگر این فکر را با کلمات دیگر بیان نمائیم ، باید به گوئیم که ، در کلمات اصیل آذری صدادار نخستین کلمه ، نقش روشنگر و بنیادی دارد ، یعنی مصوت های دیگر کلمه تابع مصوت اولی می باشند و یا خود مصوت نخستین کلمه ، صدادارهای کلمه را تعیین می نماید .

پس از این مقدمه به بینیم قانون توالی صدادارها در زبان ادبی آذری از چه قرار است و به بینیم اگر یکی از نه مصوت در بخش نخستین کلمه آذری بیایند کدام یک از صدادار ها می توانند در آن کلمه بیایند و کدام ها چنین حقی را ندارند ؟

زبان شناسان تورکولوق مطالعات گسترده ای در باره اکثر کلمات آذری انجام داده و توالی صدادار ها را معین نموده اند . نتیجه این مطالعات را در جدول ذیل می توان مشاهده کرد .

جدول توالی صدا دارها

نمونه ها	صدا دارهای ممکن بعدی	اگر در بخش نخست باشد	
گئتمیرلر (نمی روند) ، تشیکه (به خارج) دوقوزدان (ازنه) ، اودنلارین یئری (جای هیزم ها) یوئوکترین یئری (جای بزرگان) ، اولکه نی (کشور را)	پ - ه آ - و - ی و - ی - ه	ئ او - و او - و	کلمه می آید در اولین بخش
آپاریرلار (می برند) ، آلاجاقدیرلار (خواهند گرفت) گه تیریدیرلر (آورد داند) ، الگی (الکرا) ایشیقلاز (روشنی ها) ، ایلدیرملار (رعد ها) ایکینجی (دوم) ، کیمی؟ (کدرا؟) ، کیمه؟ (به که؟) اوزون (دراز) ، اوزانیر (دراز می شود) اوزومو (انگور را) ، اوزوکلی (انگستری ها را)	آ - ی ا - ی آ - ی ا - ی آ - و - ی ه - و - ی	آ - ا ا - ه ای - ی ای - ی او - و او - و	در تمام بخش های کلمه می آید

با درک عمیق و تطبیق این جدول در عمل ، با دانستن نخستین صدا دار
یک کلمه آذری می توان بقیه صدا دارهای آن کلمه ، اگر نوشته نشده باشند هم،
درست خواند و نوشت و یا اگر بقیه صدا دارها غلط نوشته شده باشند ، می توان
آن ها را اصلاح نمود .

۱- کلمات دخیل عربی ، فارسی و اروپائی که ، تاکنون با قوانین فونتیک زبان آذری همگون نشده‌اند . مثلاً " : ایده آلیستلر (ایده آلیست ها) ، ظالممر (ظالم ها) ، ...

۳- بعضی کلمات استثنائی چون: بُولُو (سنگ کارد تیزکن) ، بُوْتُو (ایک پارچہ) ، کُوُو (چوب نیم سوخته) .

در زبان معاصر ادبی آذری نه تنها مصوت ها در استعمال خود تابع قوانین ویژه‌ای می‌باشند ، بلکه هماهنگی صدا دارها با بی صداها نیز تابع اصول وقوانین خاصی است . هر بی صدا با هر صدا دار در کلمهء واحدی بکار برده نمی شوند ، بلکه بی صدا های خاص با صدا دار های محکم و همین طور بی صدا های معین با صدا دارهای نرم استعمال می‌شوند . بدین ترتیب بی صدا های زبان آذری نیز به دو گروه محکم و نرم تقسیم می‌شوند و هر گروهی با مصوت های هم جنس خود استعمال می‌شود . اگر کلمه‌ای با صدا دار محکم آغاز شود ، در صورت نیاز ، بی – صدا های " ق و غ " در آن به کار برده خواهد شد و استعمال بی صدا های " گ – ک " در آن محال است . مثلاً : " اُشاق (بچه) ، اُولا جاق دیر (خواهد شد) ،

همین طور اگر کلمه‌ای با یکی از بی صداهاى محکم آغاز شود ، استعمال صدا-
دارهاى نرم در آن غیر ممکن است و همهء صدا دارهاى آن کلمه الزاما " باید محکم

(نان) ، اورهک (قلب) ، کسگین (برنده - قاطع) ، گولوش (خنده) ، اکیـن (مزرعه) ، گیرده (مدور) ، گئن (گشاد) ، گوئن (چرم) ، گوئن (روز - آفتاب) ، کوپ (خم) ،

۲ - بخش دیگر این قانون در زبان آذری تغییر بی صدا ها در شرایط ویژه می باشد . این تغییرات در درست نوشتن و صحیح تلفظ نمودن زبان آذری - اهمیت به سزائی دارد . لذا مهم ترین این تغییرات را از نظرمی گذرانیم :

۱ - ق - غ : در آخر کلمات چند بخش آذری آن گاه که ، صدای " ق " بین دو صدا دار قرار گیرد ، به صدای " غ " مبدل می شود . مانند : اوشاق (بچه) ، اوشاغا (به بچه) ، اوتاق (اطاق) - اوتاغی (به اطاق) ، قوناق (مهمان) ، - قوناغی (میهمان را) ، آیاق (پا) ، - آیاغی (پارا) ، سیناق (امتحان تجربه) - سیناغی (امتحان را) ، قولاق (گوش) ، - قولاغی (گوش را) ، داراق (شانه) ، - داراغی (شانہ را) ، شولوق (شلوغ) ، - شولوغو (شلوغ را) ،

این قانون شامل کلمات دخیل که ، با قوانین صوتی زبان آذری هم آهنگ نشده اند . نمی باشد . مانند : اتفاقی (اتفاق را) ، التصاق (التصاقی) ،

۲ - ک - ی - گ : در آخر کلمات چند بخشی آذری ، آن گاه که ، صدای " ک " بین دو مصوت قرار گیرد ، به یکی از دو صدای " ی - گ " مبدل می شود و استعمال هر دو جایز و صحیح می باشد . مانند : چیچک (گل) - چیچگی = چیچی (گل را) ، چورهک (نان) - چورهگی = چورهیی (نان را) ، پتک (کندو) - پتگی = پتیی (کندورا) ، الک (الک) - الگی = الهیی (الک را) ، اتک (دامن) - اتگی = اتهیی (دامن را) ، دیلک (آرزو) - دیلگی = دیلهیی (آرزورا) ، امک (کار) - امگی = امیی (کار را) ،

این قانون شامل کلمات یک بخشی آذری که ، به بی صدای (ک) ختم می شوند نمی گردد . مثل : کوک (ریشه) - کوکو (ریشه را) ، بوک (تاکن) - بوکور (تا می کند) ، سوک (پاره کن) - سوکور (پاره می کند) ، توک (به ریز) - توکور (می ریزد) ، هورک (رم کن) - هورکور (رم می کند) ، هم چنین کلمات دخیل نیز از این قانون برکنارند . مانند : جوک - جوکو (جوک را) ،

۳ - ت - د : در آخر کلمات منتهی به بی صدای " ت " ، آن گاه که ، این

صدا بین دو صدا دار قرار گیرد ، مبدل به بی صدای " د " می گردد . مثال :
 قُورْت (گرگ) - قوردا (به گرگ) ، یوْغورت (ماست) - یوغوردا (ماست را) ،
 ایگیت (قهرمان) - ایگیدی (قهرمان را) ، کئچیت (گذرگاه) - کئچیدی
 (گذرگاه را) ، ...

این تغییر در افعال چند بخشی ، خواه ساده و خواه مرکب ، عمومیت دارد .
 مانند : آَلات (گول بز) - آَللادیر (گول می زند) ، ائشیت (بشنو) - ائشیدیر
 (می شنود) ، اوْخوت (مجبور به خواندن کن) - اوْخودور (مجبور به خواندن
 می کند) ، آنلات (فهماندن) - آنلادیر (می فهماند) ، قُوروت (خشک کن) -
 قورودور (می خشکاند) ، ایشلت (به کار ببر) - ایشله دیر (به کار می برد) ،
 قاچیرت (فراری بده) - قاچیردیر (فراری می دهد) ، اوْینات (به رقصان) -
 اوینادیر (می رقصاند) ، گیزلت (پنهان کن) - گیزلدیر (پنهان می کند) ...
 اسماء و افعال تک بخشی منتهی به " ت " از این قاعده مستثنی می باشند .
 مانند : آت (بینداز) - آتیر (می اندازد) ، آت (اسب) - آتی (اسب را) ،
 توت (بگیر) - توتور (می گیرد) ، توت (توت) - توتوت (توت را) ، یات (به خواب)
 - یاتیر (می خوابد) ، قات (مخلوط کن) - قاتیر (مخلوط می کند) ، اوْت (گیاه)
 - اوتدان (از گیاه) ، سات (به فروش) - ساتیر (می فروشد) ، ...

در بعضی از کلمات چند بخشی دخیل نیز که ، با قوانین صوتی زبان آذری
 همگون شده اند ، " ت " به حالت خود باقی می ماند . کلمات " آلات " (آلت) -
 آلاتی (آلت را) ، حاجات (وسیله کار) - حاجاتی (وسیله کار را) را به عنوان
 نمونه می توان نشان داد .

اما در دو فعل تک بخشی " گئت " (برو) و " ائت " (بکن) " ت " به حالت خود
 باقی نمی ماند و مبدل به " د " می گردد : گئدیر (می رود) ، ائدیر (می کند) .
 ۴ - گ - ی : در کلمات آذری ، هر جا که ، بی صدای " گ " ، خواه در وسط
 و خواه در آخر کلمه ، بین دو صدا دار قرار گیرد ، به یکی از دو شکل (گ - ی)
 تلفظ می گردد و نوشته می شود . در این صورت هر دو شکل صحیح و جایز شمرده
 می شود .

مثال: دؤگو = دویو (برنج)، اگری = ایری (کج)، دگیرمان = دییرمان (آسیاب)، گوگرچین = گویرچین (کبوتر)، ایگیرمی - اییرمی (بیست)، دگرلی = دهیرلی (با ارزش)، گوگرمک = گویرمک (روئیدن)، سوءگمک = سوءیمک (دشنام دادن)، اوگمک = اویمک (تعریف کردن)، اگمک = ایمک (خم کردن)...

۳- قوانین توالی بی صداها

قوانین توالی بی صداها در کلمات آذری نسبت به دو سلسله قوانین مذکور محدودتر می باشد. این حادثه بیش تر آن گاه خود نمائی می کند که، به منظور ساختن صفات فعلی و یا اسماء فعلی، به ریشه افعال پسوندها افزوده می شود و اولین بی صدای پسوند با آخرین بی صدای ریشه فعل هم آواز می شود. این تغییرات از این قرارند:

۱- اگر ریشه فعل دارای صدادار محکم بوده و با بی صدای دارای ارتعاش ختم شود، نخستین بی صدای پسوند "غ" خواهد بود، یعنی با آخرین بی صدای ریشه فعل هم آهنگ خواهد شد. مثال ها: چال (به نواز) - چالغی آلتسی (آلت موسیقی)، وؤر (بز) - وؤرغون (عاشق) - وؤرغو (بخش، مقطع)، سؤر (به پرس) - سؤرغو (سؤال)، دؤر (توقف کن، بلند شو) - دؤرغو اشاره سی (علامت مکت)، سؤل (پژمرده شو) - سؤلغون (پژمرده)، آز (گم شو) - آزعین (گم شده، راه گم کرده)، یؤر (خسته کن) - یؤرغون (خسته)، دؤل (پرشو) - دؤلغون (پر، کامل)، قیر (بکش) - قیرغین (کشتار)، پؤز (به هم به زن) - پؤزغون (به هم خورده)...

۲- اگر ریشه افعال دارای صدادار محکم بوده و با بی صدای کر، یعنی بی صدای غیر ارتعاشی، ختم شود، نخستین بی صدای پسوند معمولاً "ق" خواهد بود.

مثال ها: سات (به فروش) - ساتقین (خود فروخته)، قاج (فرارکن) - قاجقین (فراری)، داش (امراز سررفتن آب) - داشقین (طغیان آب)، توت (بگیر) - توتقون (گرفته)، جوش (از خود در برو، به جوش) - جوشقون (برحرارت، همیشه در جوش)، باس (فرو ببر، حمله کن) - باسقین (هجوم) پوس (کمین کن) - پوسقو (کمین گاه).

۳- اگر ریشه فعل دارای صدا دار نرم باشد، معمولاً "نخستین بی صدای پسوند، "گ" خواهد بود، خواه کلمه با بی صدای ارتعاشی ختم شود و خواه با بی صدای کر. مثال ها: سئو (دوست بدار) - سئوگی (محبت) - سئوگیلی (محبوب)، از (له کن) - ازگین (خسته و کوفته)، ایچ (به نوش) - ایچگی (نوشیدنی)، سوز (آب بریز) - سوزگون (خمار)، جیز (خراش بدن) - جیزگی (خط)، وئر (بده)، وئرگی (مالیات)، دهر (پهلوی هم به چین) - دهرگی (مجله)، سهر (پهن کن) - سهرگی (نمایشگاه)، سیل (پاک کن)، سیلگی (پاک کن، مداد پاک کن)، کوس (قهر کن) - کوسگون (دلگیر)، اوت (سبقت بگیر) - اوتگون (برتر)، سئچ (انتخاب کن) - سئچگی (انتخابات)، کس (ببر) - کسگین (برنده، برا)، دوش (بیفت) - دوشگون (ساقط - افتاده - اسیرچیزی)، بؤل (قسمت کن) - بؤلگو (تقسیم).

باید افزود که، در کلمات اخیر بعضاً "ک" استعمال می شود، ولی چون بی صدای "گ" در زبان معاصر ادبی آذری وظیفه فعال تری ایفاء می نماید، از اینرو می توان گفت که، این کلمات در آینده به شکل بی صدای "گ" تلفظ خواهند شد. روی همین اصل هرگاه این کلمات در شرایط امروزی با بی صدای "گ" به کار برده شوند قابل توجیه می باشد.

مسئله الفبا

پس از سالهای ۲۵ - ۱۳۲۴، یعنی پس از سال های گسترش و شکوفائی بی- نظیر زبان آذری در ایران، در نیم قرن بعد استبداد توأم با ظلم و فشار ملی چنان بر آذربایجان سایه گسترد که، در تاریخ ایران بی سابقه بود. در عرض این سال ها رژیم طاغوت با کمال قساوت جلوه گرانه چاپ و انتشارات به زبان آذری را گرفته، آثار چاپ شده قبلی این زبان را طعمه آتش نمود. در اثر کمبود آثار و مطبوعات به زبان مادری، روشن فکران آذربایجانی، برای ارضای غریزه حب زبان و ادبیات مادری، اجباراً " و ناخودآگاه به خواندن کتاب های چاپ شده در باکو به زبان آذری و در استانبول و آنکارا به زبان ترکی آنادولوپرداختند. آشنائی با الفبای کریل (روسی) و لاتینی و عدم آشنائی با آثار آذری با الفبای عربی از یک سو سبب بیگانگی کامل روشن فکران آذربایجانی با الفبای هزار ساله آذری و از سوی دیگر باعث کشش آن ها به سوی الفباهای مذکور گردید. بیگانگی با الفبای خودی و روی آوردن به الفباهای بیگانه تا آن جا پیش رفته بود که، پس از پیروزی انقلاب اسلامی غوغای الفباء بین روشن فکران آذربایجانی در گرفت و مسئله اصلاح الفباء آذری را تحت الشعاع خود قرارداد. بحث در باره الفباء چنان گرم و گسترده بود که، برای زبان آذری الفباهای گوناگونی پیشنهاد شد و حتی بعضی از آن ها به شکل کتاب چاپ و منتشر گردید.

این پیشنهادها و کتاب ها در هر خواننده و به ویژه در خوانندگان بیگانه چنین تصور به وجود می آورد که، گویا زبان آذری و دارندگان آن زبان ملت جدیدی بوده و تا امروز دارای الفباء و خط و کتابت نبوده اند و مانند ملل افریقائی، تازه شکل یافته و محتاج الفباء جدیدند. چنان که ملاحظه می شود، این طراحان و نویسندگان با وجود حسن نیت و هدف خدمت به خلق خود، با حرکت نسنجیده خویش نقض غرض نموده و با دست خود تیشه به ریشه تاریخ فرهنگ آذری زده اند اهمیت مسئله و به هم آمیختن دو موضوع جداگانه از طرف این مؤلفین، ما را وادار می نماید تا در اطراف دو موضوع کمی گسترده تر بحث کنیم:

۱- الفبای آذری و تکمیل آن .

۲- تغییر الفباء .

۱- الفبای آذری و جریان تکامل آن در طول تاریخ

ملل ترک زبان از ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش دارای الفبای خاص و مستقلی بودند که، موسوم به الفبای " اورخون " است . هزاران سنگ نبشته و لوحه های بزرگ به این الفبا در دست بوده و مورد استفاده محققین تاریخ و زبان شناسی قرار گرفته اند . این الفباء تا گرویدن ترک ها به دین مبین اسلام الفبای رسمی و همگانی تمام قبایل و عشائر ترک زبان آن روزگار بوده است که، نیاگان آذربایجانیان امروزی نیز از آن جمله بوده اند . نظر به قدمت ، عمق و گستردگی مسئله بحث درباره الفبای اورخون را به فرصتی دیگر موکول می کنیم . گویا این الفبا در دوران مشخص تاریخی الفبای رسمی آبا و اجداد آذربایجانیان نیز بوده است .

پس از گرویدن ترک ها به دین حنیف اسلام در بین ملل گوناگون ترک الفباهای متعددی بر اساس الفبای عربی به وجود آمد و جای الفبای اورخون را گرفت . بحث از تمامی این الفبا ها نیز از حوصله این مقال بیرون است . یکی از این الفباهای تکوین یافته بر اساس الفبای عربی الفبایی است که، ترکان غرب ، یعنی ترکان آذری و آنادولو ترتیب داده مورد استفاده قرار دادند . این الفبا به موازات ترکان غرب مورد استفاده ترکان شمال چون تاتارها و ترکان شرق مانند ترکمن ها ، اوزبک ها ، قازاق ها ، اویغورها و قیرغیزها نیز قرار گرفته بود . در واقع می توان گفت که، در دوره اسلام الفبای عربی در بین اکثر ملل ترک و مناطق ترک نشین جهان جای الفبای اورخون را گرفت . این الفبای نوین ترکی، بسا وجود تفاوت های ناچیزی که در بین ملل مختلف ترک زبان داشت ، اساسا " الفبای واحدی به شمار می رفت ، چنان که آثار کلاسیک های ترکی که، بدین الفباء

نوشته و یا چاپ می‌شدند، از طرف تمام ترکان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. الفبای نوین ترکی در آذربایجان از ۸۰۰ سال پیش، یعنی از زمان توطن قبایل اوغوز در این دیار الفبای رسمی و رایج این مردم شد. قدیمی‌ترین اثر ادبی مردم آذری که، بمابین الفبا نوشته شده و مربوط به روزگار توطن اوغوزها در آذربایجان است، حماسه مشهور "دده قورقود" می‌باشد. این اثر که امروز نیز در دسترس خوانندگان قرار دارد، دارای الفبای نسبتاً کاملی است و از سوی تمام آذربایجانیان بدون دشواری‌های مهم خوانده و فهمیده می‌شود. در طول مدت ۸۰۰ سال اخیر هزاران اثر ادبی آذری، داستان حماسی و عشقی مردم آذربایجان بدین الفبا نوشته و یا چاپ شده و مورد استفاده توده‌های وسیع قرار گرفته‌است. از دوران صفوی به این سو صدها دیوان، کلیات در عزای حسینی به زبان آذری با این الفبا چاپ و منتشر شده و در دور افتاده‌ترین دهات آذری زبان مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرند.

چنان که ملاحظه می‌شود، مردم آذربایجان از نخستین دوران تشکل خویش، چنان که دارای زبان و ادبیات ویژه خود بود، الفبای خاص خود را نیز داشت. باید متذکر شد که، الفبای عربی شامل تمام صداها و موجود در زبان ترکی نبود. برای رفع این نقیصه ترک‌ها در باره حروف بی صدا از زبان فارسی استفاده نموده و با افزودن حروف بی صدای "پ - چ - ژ - گ" الفبای خود را تکمیل نمودند. اما در باره حروف صدادار این کمبود کماکان باقی ماند.

در باره فونم‌های صدادار باید اضافه نمود که، مصوت‌های زبان عربی و فارسی از لحاظ کم و کیف فرق چشم‌گیری با هم نداشتند و در نتیجه اشارات ناقص مصوت‌های زبان عربی برای تعبیر مصوت‌های فارسی کافی به نظر رسید و شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان برای افاده صدادارهای زبان فارسی از همان راهی حرکت کردند که در زبان عربی از آن استفاده شده بود.

اما در زبان ترکی مسئله کاملاً فرق می‌کرد، زیرا اگر زبان فارسی، مانند زبان عربی، دارای شش مصوت بود، زبان ترکی دارای نه صدادار بود. تعبیر و نمایاندن نه مصوت با علامات ناقص و اسالیب زبان عربی برای زبان ترکی بی نهایت سخت و دارای اشکالات و نقایص بی‌شماری بود. این نارسائی‌ها و

اشکالات از نخستین دوران قبول الفبای عربی توجه‌گویندگان و نویسندگان آذری را به خود جلب کرده و در طول تاریخ اندیشمندان را به تفکر در باره رفع این نقایص برانگیخته بود. با مطالعه آثار کلاسیک آذری دیده می‌شود که، دانشمندان و شعراء و نویسندگان و پژوهشگران آذری در کتاب ها و در رسالات خویش، هریک به مقتضای سلیقه و صلاح دید خود، یک و یا چند مصوت از صداهای آذری را به شکلی تعبیر نموده‌اند. اما این کوشش‌ها از طرفی جنبه خصوصی داشته، شکل همگانی و رسمی به خود نگرفته بود، و از طرف دیگر فاقد جنبه علمی بوده است. این وضع تا اواسط سده نوزده میلادی، یعنی تقریباً تا ۱۸۵۰ سال پیش ادامه یافت. از اوایل سده نوزده میلادی روشن‌فکران، اندیشمندان و دانشمندان آذری با فرهنگ باختر و از آن میان با الفباهای متعدد آن ملت‌ها آشنا شدند. این آشنائی نقیصه الفبای آذری و بطور کلی الفباهای ترکی را در اذهان متفکرین برجسته تر نمود، آن‌ها را به رفع این کمبود از راه‌های علمی مصمم‌تر کرد. نخستین متفکری که، در این زمینه گام نهاد میرزا فتحعلی آخوندزاده خامنه‌ای بود که، با طرح الفبایی جدید خود در صد رفع نقایص الفبای آذری و ترکی به طور کلی برآمد. آخوند زاده الفبای پیشنهادی خود را که، در آن اشارات خاص برای صداهای را نیز در نظر گرفته بود، به دربارهای سلاطین عثمانی در استانبول و قاجار در تهران فرستاد و خود به شهرهای مذکور سفر کرد، ولی از کوشش‌های خود نتیجه‌ای نگرفت. اگرچه آخوندزاده از اقدامات خویش نتیجه‌ای نگرفت، اما فکر تکمیل الفبای آذری را در اذهان علماء و نویسندگان تشدید نمود. از این تاریخ به بعد فکر رفع نقیصه الفبای آذری همیشه مورد توجه متفکران بوده و آن‌ها را به خود مشغول داشته است. در این مدت افکار صاحب نظران به ویژه در این نقطه متمرکز بود که، در درجه اول صداهای نه‌گانه زبان آذری دارای اشارات خاص در الفبا باشند. این محاولات نتیجه‌های مثبتی به بار آورده است که، در جای خود ذکر خواهد شد.

۲- تغییر الفبا :

الفبا یکی از ویژگی های ملی هر ملتی به حار می رود . لذا تغییر و تکمیل آن از حیثه عمل و خواست و اراده فردی بیرون است . حقایق تاریخی نشان می دهند که ، تغییر الفبای ملتی نه به دست افراد بلکه به واسطه مراکز علم و فرهنگ آن ملت به دست دولت ها و براساس قوانین خاص انجام گرفته است . نظری گذرا به تغییر الفبا در ترکیه و جمهوری های مسلمان در اتحاد جماهیر شوروی در سال های ۳۰-۱۹۲۹ میلادی این حقیقت را به وضوح نشان می دهد . در صورتی که ، چنان که در بالا اشاره نمودیم ، تکمیل الفبای این ملت ها از صدها سال پیش از آن از سوی متفکران شروع شده ولی به نتیجه ای نرسیده بود . درست است که ، اکثر ملل ترک زبان الفبای خود را تغییر داده و با الفبای عربی فاصله پنجاه ساله گرفته اند ، ولی ترکان آذری در ایران تاکنون الفبای دیرین خود را حفظ نموده و در شرایط فعلی احتیاجی به تغییر آن احساس نمی شود و اگر روزی و روزگاری لزوم چنین کاری احساس شود ، این کار به عهده کانون های علم و مراکز فرهنگی آذری و تصمیم دولت ها و دستگاه های دولتی است و در این رهگذر علماء ، متفکران و صاحب نظران می توانند با پیشنهادات و آثار علمی خود در توجیه و تعیین مسیر این کار و نوع الفبا و غیره موثر باشند . به نظر ما در شرایط فعلی تکمیل الفبای آذری ، به ویژه از لحاظ صداهای آن کاری است ضروری و ممکن ، زیرا اولاً " این کار در فرهنگ آذری بی سابقه نیست و دارای تاریخ ویژه ای است و علماء ، متفکران و دانشمندان آذری را در گذشته و حال به خود مشغول داشته و می دارد . ثانیاً " صداهای زبان آذری و حل اشارات خاص آن ها گره اساسی در رفع نقایص الفبای آذری است و بدون شک با حل این مشکل مشکلات بی شمار دیگری نیز حل خواهد شد . ثالثاً پنج مصوت از نه مصوت آذری در طول تاریخ با اشارات یا علامات مشخص خود از طرف تقریباً تمام علمای زبان و صاحب نظران مورد قبول واقع شده و برای توده های وسیع آذری مفهوم می باشد . در این باره در بحث های مربوط به طور مفصل و همه جانبه بحث خواهد شد .

الفبای آذری

پیش از این دیدیم که، ترکان آذری در ایران تاکنون از الفبای قدیم خویش که، نهصد سال پیش براساس الفبای عربی شکل گرفته است، استفاده می کنند و احتیاجی نیز به تغییر این الفباء احساس نمی نمایند. هم چنین در بحث صدا دارها ملاحظه نمودیم که، الفبای عربی فاقد حروف صدا دار می باشد و عرب ها برای تأثیرش صدا دار خود از حروف (ا - و - ی) استفاده کرده و می کنند. در الفبای فارسی نیز وضع به همین منوال است. نبودن حروف مشخص برای صدا دارها در زبان های عربی و فارسی از قدیم ادامه دارد. اگر مجلات مراکز علمی زبان های عربی و فارسی را از نظر بگذرانیم، مشاهده خواهیم نمود که، مسئله چگونه نوشتن صدا دارهای شش گانه این دو زبان امروز نیز مورد مشاجره علمای این زبان ها است و هر صاحب نظری دارای نظریات خاصی می باشد و اشارات یا علامات معین و مشخصی که، مورد تأیید همه علمای این دو زبان باشد، تاکنون در عرض هزار و چهارصد سال بوجود نیامده است.

با در نظر گرفتن این که، زبان ادبی معاصر آذری دارای نه مصوت می باشد و علمای این زبان از قدیم، همانند دانشمندان عربی و فارسی، سعی نموده اند که، این نه مصوت را با حروف (ا - و - ی) نشان دهند، بالنتیجه اشکالات، ابهام، پیچیدگی دشواری درک معنی به مراتب بیش تر از زبان های عربی و فارسی بوده است. با جسارت می توان گفت که، اگر در رژیم های پیشین امکان چاپ و نشر برای علمای آذری میسر می بود، آن ها در نگارش مقالات در مورد چگونه نوشتن مصوت های نه گانه زبان خود، از علمای عربی و فارسی عقب نمی ماندند و بی شک یکی از عوامل پیشنهاد الفباهای گوناگون برای زبان آذری از همین دشواری های نگارش صدا دارها سرچشمه می گیرد؛ زیرا عدم موفقیت در چگونگی نگارش مصوت های نه گانه آذری در طول تاریخ، بعضی ها را به این نتیجه رهبری کرده است که، الفبای عربی قادر به حل این مشکل نیست.

از این مقدمه می توان به آسانی نتیجه گرفت که، مشکل نگارش مصوت های

نه‌گانه^۱ زبان ادبی آذری مهم ترین مشکل الفبای آذری به طور کلی است، یعنی اگر این دشواری از میان برداشته شود، رفع مشکلات دیگر الفبا کارچندان سختی نخواهد بود.

روی همین اصل مادر بحث الفبای آذری، ابتدا از چگونگی نگارش مصوت‌های نه‌گانه^۲ زبان آذری، تاریخ تطور آن و آرای صاحب نظران در این باره سخن خواهیم گفت و آن گاه به حروف بی صدای زبان خواهیم پرداخت.

حروف صدا دار:

قدیمی ترین اثر ادبی آذری که، با الفبای عربی نگارش یافته، " کتاب دده قورقورد"^۳ می باشد، با مطالعه دقیق این اثر به وضوح در خواهیم یافت که، بزرگترین دشواری که، هر نویسنده با آن روبرو بوده تاء شیر صدا دارهای نه‌گانه^۴ آذری بوده است. علتش هم کاملاً واضح است، زیرا هیچ یک از این مصوت‌ها حرفی مستقل در الفبای عربی ندارد.

کلمات (آز) کم، اهز (لهکن)، اؤز (خود)، اؤز (روی - شناکن)، ایز (نشان - رد پا)، را با دقت بررسی کنیم. از لحاظ تلفظ فرق این کلمات فقط در مصوت‌های آن‌ها است که، هیچ یک در الفبای عربی علامت خاص ندارد. نوشتن این کلمات به گونه ای که، از هم متمایز باشند و خواننده را دچار اشتباه نکنند، کار آسانی نیست. اگر به خواهیم کلمات اؤن (ده)، اؤن (جلو، پیش)، اؤن (آرد)، اؤن (صدا - ناله) را حتی با استفاده از "و" و حرکات عربی به گونه ای بنویسیم که، از هم متمایز باشند و در نخستین نگاه خواننده را به معنی آن‌ها هدایت نمایند، باز هم کار بیهوده ای خواهد بود.

اگر در نظر بگیریم که، عده کلمات مشابه در زبان آذری بی نهایت زیاد است، دشواری این کار بهتر در نظر مجسم خواهد شد.

دانشمندان فارسی زبان هنگام قبول الفبای عربی، بی صداهای (پ - چ - ژ - گ) را که، در زبان عربی نبود به آن افزودند و بدین نحو الفبای فارسی

را از لحاظ حروف بی صدا تکمیل کرده، جلو هر گونه مشاجره و مباحثه در باره چگونه نوشتن این صداها را گرفتند. این بی صداها از فونم های اصلی زبان آذری نیز بودند و ناگزیر از نخستین روزهای شکل گیری الفبای آذری از آن ها بهره جستند و بدین نحو وحدت نظر نگارش بی صداهاى زبان تاءمین شد.

اما وضع در باره صدادارها كاملاً " به گونه ای دیگر بود. زیرا عرب ها، یعنی واضعین و صاحبان الفبای عربی، خود در مورد حل این معضل سرگردان بودند. این دشواری، به همین شکل حل نشده، بعداً " به نگارش تمام زبان هائی که، از الفبای عربی استفاده کرده و می کنند (فارسی، ترکی، کردی، پشتو، بلوچی، سندی، پنجابی، اوردو...) راه یافته است. علت این که، در عرض هزار و چهارصد سال، با وجود مباحثات بی کران، چرا دانشمندان عرب در پی حل نهائی این مشکل برنیامده اند، واضح است. زیرا اولاً " عرب ها در صورت لزوم با استفاده از اعراب این مشکل راحل کرده اند، ثانیاً " وفاداری به اصول نگارش کلام الله مجید مانع این کار شده است و از سوی دیگر کمی صدادارهای زبان عربی از حدت لزوم حل این مشکل کاسته است و با گذشت زمان بعضی از صدادارها تا حدودی و لااقل در جاهای معین دارای علامت مشخص شده اند. نتیجه این که، تاکنون در الفبای عربی صدادارهای شش گانه آن زبان دارای علامت مشخص واحدی نشده اند.

وضع مشابه در زبان فارسی نیز حکم فرما بوده و هست. اساس تاءشیر صدادارهای شش گانه در زبان فارسی نیز همان حروف عله زبان عربی، یعنی (ا- و- ی) می باشد. منتها ویژگی های فونتیک زبان فارسی که، قابل مقایسه با خصوصیات صوتی زبان عربی نیستند، ایجاب میکردند که، استفاده از این حروف به گونه ای دیگر باشد و احیاناً " از حروف دیگر نیز استفاده شود. کمی صدادارها و آشنایی با چگونگی تاءشیر آن ها در زبان عربی از شدت لزوم حل نهائی مشکل مصوت ها در زبان فارسی کاسته و لذا مسئله ای به نام وضع حروف مشخص برای صدادارهای این زبان در برابر دانشمندان فارسی زبان در طول تاریخ قرار نگرفته است. حتی طرز نگارش مصوتی چون "او" و "0" در کلماتی چون: پشت، مشت، کشت که، خاص زبان فارسی می باشد، هیچ گاه مورد بحث و گفتگوی محافل

علمی قرار نگرفته است. نتیجه اینکه، تاکنون در الفبای فارسی، همانند زبان عربی، صدا دارهای شش گانه آن زبان دارای علامت مشخص و واحدی نمی باشد و ایجاد چنین علامات، هم چون مسئله علمی، در مراکز علمی زبان فارسی مطرح نیز نمی باشد. در صورتی که، طرح و حل این مسئله به تمام اختلافات و مناقشات نگارش در این مورد برای همیشه پایان خواهد داد.

حال به بینیم مسئله تاء شیر صدا دارها در زبان های ترکی به طور کلی و در زبان ادبی آذری به طور خصوصی در طول تاریخ به چه صورت بوده است؟ نخست تکرار کنیم که، شدت احتیاج به تاء شیر صدا دارها در زبان آذری و زبان های ترکی به طور کلی، از نخستین روزهای استفاده از الفبای عربی به مراتب بیش تر از زبان های عربی و فارسی بود و این کار نتیجه کثرت صدا دارهای این زبان از دو زبان فوق می باشد.

در اوایل، دانشمندان و متفکرین ترک به طور کلی برای نشان دادن مصوت های نه گانه زبان خود از راه موجود در زبان عربی و بعداً "در زبان فارسی آغاز کرده و کوشیده اند که، تمام مصوت های زبان ترکی را به یاری حروف (ا - و - ی) نشان دهند. ولی کثرت مصوت ها کار را به مشکلات غیر قابل حل از این راه مبدل کرده و در نتیجه دانشمندان ترک راناکزیر ساخته به وسایل و راه های دیگری غیر از طرق رایج در زبان های عربی و فارسی متوسل شوند. این کوشش ها و چاره جویی ها در طول تاریخ و در میان تمام اقوام ترک زبان از چند راه انجام گرفته اند که، به طور کلی زائیده سلیقه های شخصی و ابتکار فردی اشخاص بوده و جنبه رسمی نداشته اند، ولی در مجموع نمایانگر کوشش های پیگیری بوده اند که، فرهنگ دوستان ترک در طول تاریخ برای حل معضل صدا دارها به کار برده اند. حرکت گذاری نسخه "واتیکان" حماسه "دده قورقود" به نوبه خود نمایانگر این تلاش ها است.

چنان که در بالا متذکر شدیم فرهنگ دوستان ترک، نخست تلاش کردند که، از روش و تجارب عرب ها و فارس ها استفاده نمایند، یعنی کوشیدند تا صدا دارهای زبان ترکی را با استفاده از حروف عله حل نمایند. نتیجه این تلاش ها دست یابی به طرز نگارش دو صدا دار (آ - ه) می باشد. چنان که می دانیم هم در

زبان عربی و هم فارسی از قدیم صدا دار "آ" در اول کلمه به شکل "آ" و در وسط و آخر اساسا "به شکل "ا" نوشته می شود. اما حرف (ه) و یا فتحه عربی در اول کلمه به شکل الف و در آخر کلمه به شکل "ه" نوشته می شود (توضیح اینکه در زبان گفتاری عربی حرف "ه" در آخر کلمه به شکل فتحه تلفظ می شود و صدا دار "E" یعنی کسره موجود در آخر کلمات فارسی (خانه - لانه - کاشانه) ، براساس قوانین فونتیک زبان ترکی آذری ، از طرف ترک زبانان به شکل فتحه تلفظ می شود). فرهنگ دوستان ترک نگارش حرف "آ" را عینا "اخذ نمودند و لسی از علامت "ه" در وسط کلمات نیز براساس احتیاجات فونتیک و حرفی زبان آذری ، استفاده کردند .

در نتیجه از قرن ها پیش در تمام زبان های ترکی و از آن جمله ترکی آذری صدا دار "A" در اول کلمات به شکل "آ" و در وسط و آخر کلمات به شکل "ا" و صدا دار "ه" و یا فتحه (همزه) در اول کلمات "ا" و در وسط و آخر کلمه به شکل "ه - ه" نوشته شده و می شود . بنابر این چگونه نوشتن این دو صدا دار امروز در زبان ادبی معاصر آذری کاملا "روشن شده و مورد تأیید همه شاعران و نویسندگان ، دانشمندان و صاحب نظران این زبان است و جای هیچ گونه بحث و مشاجره نیست .

اما این که صدا دار "Ә" یعنی فتحه در وسط کلمات کجا نوشته شود و کجا نشود ، در ماهیت امر خللی وارد نمی کند و ما در بحث قواعد نگارش زبان آذری در باره این مسئله مفصلا "بحث خواهیم کرد .

مشخص شدن طرز نوشتن دو صدا دار که ، فقط حل بخشی از مشکل بود ، نه همه آن ، راه منطقی و درستی پیش پای زبان شناسان و متفکران آذری باز نمود ، تا در رفع کامل این مشکل از همین راه آغاز نمایند ، یعنی برای صدا دارهای دیگر زبان آذری نیز حرف و یا علامت مشخصی در نظر بگیرند . اما این عمل کار ساده ای نبود ، زیرا روشن کردن طرز نگارش دو صدا دار فوق در طول سده ها ، بیش تر مرهون تجارب دانشمندان تازی و پارسی بود و منجر به پیدایش اندیشه عمومی در باره تعیین علامت ویژه به تمام فونم های زبان آذری و از آن جمله مصوت های آن نگردید و مشکل نگارش هفت مصوت دیگر از پیش پای خطاطان و نویسندگان

آذری برداشته نشد؛ در نتیجه هر شاعر و نویسنده‌ای طبق سلیقه و ابتکار خویش برای حل هفت مصوت دیگر راهی برگزید. یکی از این راه‌ها روشی است که، نویسندگان ترک عثمانی در سده‌های گذشته در پیش گرفتند. با وجود این که، این روش یا اصول خود کوششی برای صحیح خواندن مصوت‌های زبان ترکی بود، اما هم راه اساسی حل مشکل را از مسیر صحیح و منطقی خود منحرف کرد و هم مشکلی بر مشکلات موجود افزود و به اصطلاح آذربایجانی‌ها خواست ابرویش را درست کند، زد و چشمش را هم در آورد.

مطلب از این قرار بود که، علمای ترک خواستند با استفاده از یک ویژگی صوتی زبان عربی و تطبیق آن در زبان ترکی مشکل مصوت‌های زبان خود را حل نمایند.

می‌دانیم که، یکی از ویژگی‌های فونتیک‌های زبان عربی این است که، در اکثر کلمات آن زبان حروف بی‌صدای (ح، ص، ض، ط، ظ، غ، ق) معمولاً "با مصوت‌های محکم استعمال می‌شوند و یا مصوت‌های نرم را به سوی محکم شدن می‌کشانند. چنان که، اگر یکی از این فونم‌ها در کلمه‌ای به کار رود، مصوت‌های نرم قبلی و بعدی خود را تحت تأثیر قرارداد آن‌ها را به سوی محکم بودن اجباری می‌کشانند. مثلاً "در کلمه "ضل" (راه گم کردن) فتحه بعد از بی‌صدای "ض"، تحت تأثیر همین حرف محکم اجباراً باید محکم تر از تلفظ اصلی خود گفته شود، در غیر این صورت تلفظ خود بی‌صدای "ض" به صورت صحیح عربی میسر نخواهد شد.

علمای ترکی با تطبیق این ویژگی فونتیک‌های خاص زبان عربی در زبان ترکی در پی حل مشکل مصوت‌های زبان خود برآمدند. بدین معنی که، در کلمات اصیل ترکی آن جا که، مصوت‌های محکم بود، بی‌صداهاى عربی مزبور را و در غیر این صورت بی‌صداهاى مقارن نرم آن‌ها را به کار گرفتند. مثلاً "کلمات اصیل ترکی:

سؤ (آب)، سؤن (آخر)، تۆی (عروسی) سؤچ (گناه)، ساغ (راست)، تۆز (گرد - غبار)، توللاماق (انداختن) ... را به شکل: صو، صون، طوی، صوج، صاغ، طوز، طوللاماق ... نوشتند، تا خواننده بداند که، صدا دارهای

بعد از حروف (ص - ط) محکم اند و یا به تعبیر دیگر تحت تاء شیر تلفظ این بی صداها (که، خاص زبان عربی بوده و در زبان ترکی وجود ندارند) محکم تلفظ شوند.

با بررسی ساده مشاهده می کنیم که:

۱ - این تدبیر مشکل نگارش و درست تلفظ نمودن مصوت های زبان ترکی را به هیچ وجه کاملاً حل نمی کند. زیرا مثلاً "از کلمات فوق الذکر کلمه "صُون" (آخر) رامنکن است به شکل "صُون" (تقدیم کن) (در ترکی آنادولو) خواند و فهمید، هم چنین کلمه "طُوْز" (گرد - غبار) را می توان "طُوْز (نمک در بعضی زبان های ترکی) خواند و فهمید. یا تشخیص کلمات سَوْز (کلمه) و سَوْز (آب بهریز) که، هر دو دارای صدای نرم اند، با همان مشکلاتی روبرو خواهد بود که قبلاً نیز وجود داشت.

بنابراین اجرای این اصول با وجود این که، در درست خواندن بعضی از کلمات یاری می رساند، به علت ایرادات و زیان های بس بزرگش، اصول غیر قابل قبولی است.

۲ - زبان بخش بودن این روش در تحمیل بی صداها غیر موجود در زبان ترکی به این زبان مشاهده می شود. زیرا با قبول این روش خواه و ناخواه بی - صداهای زمخت (ح - ص - ض - ط - ع) خاص زبان عربی به بی صداهای زبان ترکی افزوده می شد و این کار سبب مختل شدن ظرافت صوتی خاص در کلمات ترکی می گردید و در نتیجه، قوانین صوتی ویژه زبان ترکی را به هم می زد. طرفداران این روش استدلال می کنند که، استعمال این حروف فقط برای این انجام می گیرد که، بیننده به داند که، صدای ما بعد آن محکم تلفظ خواهد شد و برای این نیست که، خود این حروف نیز همانند زبان عربی تلفظ شوند.

ولی این صاحب نظران فراموش می کنند که، استعمال اشکال و یا حروف خاص در طول زمان و اصرار در استعمال آن تحت حمایت رسمی و دولتی خواه و ناخواه به پیدایش صداهای خاص آن ها نیز منجر خواهد شد و این کار سبب به هم خوردن نظام صوتی زبان ترکی و در نتیجه قوانین صوتی آن خواهد گردید.

۳ - تطبیق این روش موجب ازدیاد حروف بی صدای زبان ترکی می گردد.

این کار وبه ویژه پیدایش حروف با اشکال گوناگون و تلفظ های مشابه مانع بس بزرگی خواهد بود در زمینه آموزش و پرورش در کلاس های ابتدائی و لغوی سوادى در مقیاس بزرگ سالان .

۴ - یکی دیگر از ایرادات مهم این روش آن است که ، کوشش های حل صدادهای زبان ترکی را که ، از آغاز قبول الفبای عربی دنبال می شد ، از راه درست و منطقی خود منحرف نمود و آن را به سنگلاخ کشاند و به باتلاقی رهنمون شد که ، بیرون آمدن از آن محال است .

باید اضافه کنیم که ، در طول تاریخ در زبان و ادبیات آذری از این روش حسن استقبال نشد . چنان که در آثار نوشته و به چاپ رسیده قدیم آذری به ندرت به آن بر می خوریم و فقط در آن آثار آذری مشاهده می کنیم که ، در استانبول چاپ شده اند . مانند دیوان فضولی چاپ قسطنطنیه .

با مطالعه آثار نوشته شده به چاپ رسیده کلاسیک آذری به وضوح در خواهیم یافت که دانشمندان و خوشنویسان و صاحب نظران آذری در طول تاریخ اصول نخستین ، یعنی تاء شیر هر یک از صدادها را با علامت و حرف مشخص راپیگیرانه دنبال کرده و هر دانشمندی در آثار خود کوشیده است ، تا همه و یا لاقلاً چند صدادار از مصوت های آذری را به نحوی از انحا نشان دهد ، تا خواننده دچار اشکال نگردد . این تلاش های مستمر جنبه شخصی و انفرادی داشته و صورت رسمی و عمومی به خود نگرفته اند . علت این کار نبودن مراکز علمی ، مطبوعات و تدریس به زبان آذری بوده است .

با وجود این ، چاپ بسته گریخته کتاب به زبان آذری و نشر روزنامه و تدریس به این زبان در فاصله زمان های تاریخی معین ، این تلاش های انفرادی را تا اندازه ای تعمیم داده و برای مردم آذری امکان داده است تاء با آن ها آشنا شوند . در نتیجه در دنبال تثبیت علامت مشخص حرف های (آ - ه) در سده های پیشین ، امروز سه صدادار دیگر از هفت مصوب باقی زبان آذری دارای حرف و یا اشاره مشخص می باشد که ، برای مردم به ویژه فرهنگ دوستان آشنا است . پیدایش این سه مصوت به طور طبیعی انجام گرفته و زائیده احتیاج مبرم زندگی بوده است . یعنی در شکل گیری آن ها نه تنها فرهنگ دوستان ، زبان -

پیش از انقلاب آموزش و پرورش استان و عدم توجه آن به آموزش زبان آذری در دبستان ها و دبیرستان ها . . . این تلاش ها جنبه همگانی عمومی و رسمی به خود نگرفت . در نتیجه هریکی از روزنامه ها و مجلات صدادارهای زبان آذری رابه شکلی می نوشت و حتی بعضی از نویسندگان در اول کتاب خود اشاراتی را نشان می دادند که ، شما " در کتاب خود برای نوشتن صدادارهای آذری به کار برده بودند . برای به ثمر رسانیدن این اندیشه های پراکنده ولی درست تلاش های فراوانی در تبریز و تهران از طرف محافل و جمعیت هاوهم چنین شخصیت های ادبی صاحب نظر به عمل آمد . با وجود این که این گردهم آئی ها نتیجه نهائی درپی نداشتند ، ولی سبب آشنائی نویسندگان و صاحب نظران از آرا و افکار هم دیگر شدند .

مهم ترین نتیجه ای که از این گرد هم آئی ها حاصل شد ، وحدت نظر در باره این موضوع بود که ، باید به هریک از صدادارهای زبان معاصر آذری علامت ثابت و مشخصی در نظر گرفت و آن را از طریق مطبوعات به طور پیگیر دنبال نمود .

نتیجه دیگری که این گرد هم آئی ها نشان داد این است که ، این علامات مشخص حتی الامکان باید با خصوصیات الفبای عربی و به ویژه علامات مستعمله د طول تاریخ در قرآن مجید هم آهنگ باشند ، به گونه ای که ، از سوئی هم آهنگ با زیبایی و رسم الخط عربی بوده و از جانب دیگر با تغییرات جزئی در ماشین تحریرها و مطبعه ها به توان آن ها را به سرعت در تمام روزنامه ها ، مجلات و کتاب ها استعمال نمود .

با در نظر گرفتن مراتب فوق و جمع بندی آرای صاحب نظران علامات چهار مصوت باقی الفبای آذری به قرار ذیل می باشد :

۱ - اؤ - وؤ = 0 مانند : اؤلماق = شدن ، دؤلماق = پر شدن ، دوداق = لب ، سؤراق = نشان ، اؤتاق = اطاق ، چؤلاق = شل ، تۆپوق = مرغ خانگی ، دؤلاق = مج بند ، زؤر = زور ، سؤرماق = مکیدن - پرسیدن ، قؤناق = مهمان ، قؤل = بازو ، قوشماق = بستن - سرودن ، دؤل = دلو ، دؤن = لباس - جامه ، دؤنماق = یخ بستن ، دؤندورما = بستنی ، دؤوشان = خرگوش ، بؤش = خالی ،

بؤل = فراوان .

۲- اؤ-ؤ = ۷ . مانند: اؤزوم = انگور ، اؤزوک = انگشتی ، اؤزمک =

شناکردن - قطع کردن ، اؤز = وجه - روی ، دؤز = راست - به نخ بکش ، گؤزکو

= آئینه ، تؤلکو = روباه ، دؤشمک = افتادن ، دؤگمه = تکه ، دؤن = دیروز ،

دؤلگر = نجار ، اولگر = ستارگان هفت برادر ، اوچ = سه ، گؤچ = نیرو - قوه ،

بؤکمک = تاکردن ، هؤرمک = رم کردن ، گؤلونج = خندهدار .

۳- ای-ی-ئ = ا مانند: ایشیق = روشن ، قیز = دختر ، قیزیل = طلا ،

قیرقی = باز ، قیرماق = شکستن - کشتن ، جیرماقلاماق = خراشیدن ، خیردا =

کوچک ، ایلدیریم = آذرخش - صائقه ، ایلغیم = سراب .

۴- ای-ی-ئ = مانند: ایکی = دو ، اینجه = ظریف ، نازک ، بیرینجی

= اولین ، ایگیرمی = بیست ، ایسته مک = خواستن ، اپیک = ابریشم ، بیلدیر

= سال گذشته ، مین = هزار ، پیس = بد .

نتیجه نهائی مصوت های نه گانه زبان آذری را در جدول ذیل می توان دید :

اول کلمه	وسط کلمه	آخر کلمه	مثال ها
آ	ا	ا	آتماق = انداختن ، آچماق = بازکردن ، آلما = سیب
ا	ه	ه	الک = الک ، الچک = دست کش ، اسمک = وزیدن
ای	ی	ئ	ایشیق = روشن ، قیز = دختر ، ایلدیریم = آذرخش
ای	ی	ی	ایرملی = پیش - جلو ، ایکی = دو ، ایش = کار
ائ	ئ	ئ	ائل = خلق ، بئل = کمر ، یئل = باد ، سئل = سیل
او	و	و	اولماق = شدن ، اوچاق = اجاق ، اوو = شکار
او	و	و	اوچماق = پریدن ، قوش = مرغ ، اوزون = دراز
او	و	و	اؤزگه = بیگانه ، اولچمک = اندازه گرفتن ، اوئن = جلو
او	و	و	اؤزوم = انگور ، توک = مو ، یوک = بار

حروف بی صدا: چنان که در بحث ترکیب صوتی زبان ادبی معاصر آذری دیدیم، این زبان امروز دارای بیست و سه (۲۳) بی صدا می باشد که، تماماً دارای علامت ویژه اند. (ر.ک. به بحث "بی صداها و گروه بندی آن ها"). اما علاوه بر این بی صداها و حروف آن ها در الفبای معاصر زبان آذری هشت حرف خاص صداهاى زبان عربی نیز به کار برده می شوند. این حروف عبارتند از:

(ث + ح + ذ + ص + ض + ط + ظ + ع) ۸ ت م ر ن ی

این حروف فقط در کلمات دخیل از عربی به کار می روند، اما همگون با قوانین صوتی زبان آذری تلفظ می شوند (به بحث بی صداها و گروه بندی آن ها مراجعه شود). وجود این حرف ها در الفبای آذری زاید است، زیرا چنین فونم هاىى برای زبان آذری کاملاً "بیگانه اند". اما استفاده از آن ها فقط در آن کلمات دخیل عربی که، تاکنون با قوانین صوتی زبان آذری همگون نشده اند، ضروری است. این ضرورت از آن جا ناشی می شود که، نوشتن این کلمات به شکل غیر متداول سبب گسیختگی پیوند با سنن تاریخی نگارش زبان آذری شده و در نتیجه مانع درک سریع مطلب از طرف خوانندگان خواهد شد. به نظر ما رعایت اصل تدریج در طول زمان بهترین راه حل این مشکل است. یعنی به تدریج که کلمات عربی دخیل ترکیب صوتی اولیه خود را، در اثر کثرت استعمال، از دست داده، تابع قوانین صوتی زبان آذری می شوند، طرز نگارش آن ها نیز تغییر می یابد و بدین ترتیب حروف هشت گانه عربی مذکور زمینه موجودیت و علت لزوم خود را از دست داده، به طور غیر محسوس از الفبای آذری کنار خواهند رفت. در بحث قواعد نگارش باز در این باره بحث خواهیم کرد.

بنابراین، با در نظر گرفتن مصوت های نه گانه، الفبای زبان معاصر ادبی آذری دارای چهل حرف خواهد بود.

در باره ترتیب الفبائی این حروف نیز رعایت اصول مءلوف دیرین ضروری است. اشکال در محل حروف مصوت های نه گانه جدید بود، محل این ها نیز اصولاً "می بایستی قبل و یا بعد از حروف عله (ا - ی - و) باشد که، اساس این حروف را تشکیل داده اند. با در نظر گرفتن ویژگی های فوق، ترتیب الفبائی چهل حرف زبان آذری معاصر به قرار ذیل می باشد. مصوت ها را عملاً "به دو

شکل (در اول و وسط و آخر) نوشتیم تا کاملاً " مشخص باشند .

ترتیب الفبایی حروف زبان آذری

ترتیب	حرف	مثال	ترتیب	حرف	مثال
۱	آ	آچار = کلید ، آیاق = پا	۲۱	ط	طلبه = دانشجو ، مطلب = مطلب
۲	ا	انک = دامن ، امک = کار	۲۲	ظ	ظالم = ظالم ، ظلم = ظلم
۳	ب	باجا = روزن ، باجی = خواهر	۲۳	ع	علم = علم ، نوع = نوع
۴	پ	ایپک = ابریشم ، کوپک = سگ	۲۴	غ	اوغلان = پسر چیراق = چراغ
۵	ت	تئل = زلف ، آت = اسب	۲۵	ف	افق = افق ، شفق = شفق
۶	ث	اثر = اثر ، نعر = نعر	۲۶	ق	قؤل = بازو ، قۇلاق = گوش
۷	اٚ	اٚئل = خلق ، اٚئو = خانه	۲۷	ک	اکمک = کاشتن ، کوپ = خم
۸	ج	آغاچ = درخت ، آج = گرسنه	۲۸	گ	گلکم = آمدن ، گؤز = بین
۹	چ	آچ = باز کن ، چول = صحرا	۲۹	اؤ	اؤزاق = دور ، بؤرون = بینی
۱۰	ح	حاکم = حاکم ، حرب = حرب	۳۰	اۆ	اۆز = وجه ، اۆزوم = انگور
۱۱	خ	یاخسی = خوب ، چوئخ = زیاد	۳۱	ل	گل = بیبا ، گؤل = گل
۱۲	د	دیل = زبان ، دؤرد = چهار	۳۲	م	من = من ، گمی = کشتی
۱۳	ذ	لذت = لذت ، ذلیل = ذلیل	۳۳	ن	اؤن = ده ، اؤن = آرد
۱۴	ر	دار = تنگ ، بیر = یک	۳۴	او	او = او ، بؤل = فراوان
۱۵	ز	آز = کم ، یاز = بهار	۳۵	او	اؤن = چرم ، گؤل = استخر
۱۶	ژ	اژدها = اژدها ، کاراژ = کاراژ	۳۶	و	وار = هست ، وور = بزن
۱۷	س	سس = صدا ، سؤن = آخر	۳۷	ه	هاریا = کجا ، آه = آه
۱۸	ش	باش = سر ، قیش = زمستان	۳۸	ی	یئل = باد ، یای = تابستان
۱۹	ص	اصل = اصل ، صدا = صدا	۳۹	ای	ایلیق = ولرم ، قییزل = طلا
۲۰	ض	ضد = ضد ، ضرر = ضرر	۴۰	ای	ایکی = دو ، ایپ = طناب

بخش چهارم :

قواعد نگارش زبان ادبی آذری (یساز ی قایدالاری)

الفبای هر زبان ، مانند هر پدیده اجتماعی ، در حال تغییر و تکامل تدریجی و دائمی است . نظری زود گذر به الفباهای ملل مختلف در طول تاریخ این حقیقت را به وضوح نشان می دهد . تغییر و تکامل تدریجی الفبای یک زبان وابسته به تکامل قواعد نگارش آن است . به نسبتی که ، قواعد نگارش زبان تکامل می یابد به همان اندازه زبان نوشتار بیشتر تثبیت می گردد ، لذا هر قدر زبان ادبی توسعه می یابد ، قواعد نگارش زبان نیز پیشرفت می کند و به شکل واحدی نوشته می شود و بر بنیان های علمی استوار می شود .

ثابت شدن و بر اساس های علمی استوار گشتن قواعد نگارش یک زبان از یک طرف به پیشرفت زبان ادبی تاثیر می گذارد و از طرف دیگر خصوصیت های لهجه های مختلف زبان را به تدریج از میان برمی دارد و راه از بین رفتن فرق های زبان ادبی با زبان گفتاری را هموار می نماید . پیش از بحث در باره مراحل گوناگونی که قواعد نگارش زبان ادبی آذری از سر گذرانده و هم چنین قبل از بحث در باره نظریات مختلف در باره این قواعد ، باید دید که در ترتیب قواعد نگارش زبان ها به طور کلی کدام اصول پایه و اساس کار قرار می گیرند . در ترتیب قواعد نگارش تقریباً " تمام زبان ها سه اصل زیرین در نظر گرفته می شود :

- ۱ - اصل فونتیکی (صوتی) .
- ۲ - اصل مورفولوژیکی (صوفی) .
- ۳ - اصل تاریخی .

هر یکی از این سه اصل به تنهایی دارای جهات مثبت و منفی می باشد ، از اینرو در ترتیب قواعد نگارش یک زبان اتکاء فقط به یکی از این سه اصل درست

نیست . زیرا اتکای محض به یکی از این اصول یا به فورمالیسم و هرج و مرج در تلفظ ، و یا به محافظه کاری و پای بندی به اسالیب گذشته ، منجر خواهد شد که ، هیچ یک به تنهایی فایده‌ای نخواهد داشت .

قواعد نگارش زبان ادبی آذری تا انقلاب مشروطیت و سال های بعد از آن به طور عمده به اصل تاریخی و قسماً " به اصل مورفولوژی و در دوران های پیش از آن به اصل تاریخی استوار بود . علت این امر هم آن بود که ، در آن دوران ها کلمات عربی و فارسی دخیل به شکل اصلی نوشته می شدند و تحت تاثیر آن کلمات آذری نیز تابع آن ها می شدند . مثلاً " در آن دوران ها ، تحت تاثیر اصل تاریخی ، پسوند حالت اضافه‌ای اسم ها فقط به دو شکل (ین - نین) نوشته می شد . در صورتی که امروز این پسوند به هشت شکل (ین^۴ - نین^۴) تلفظ شده و نوشته می شود و بی شک در آن دوران ها به هشت شکل گفته می شد . نظر سطحی به چاپ قدیم دواوین نسیمی ، فضولی ، ختائی ، قوسی ، صائب و دیگران این حقیقت را به وضوح نشان می دهد . در بارهٔ پسوندهای حالات دیگر اسم ها و هم چنین پسوندهای خبر و غیر نیز وضع بدین منوال بود .

از این گفته نباید چنین نتیجه گرفت که قواعد نگارش زبان ادبی آذری در طول سده ها به یک شکل باقی مانده و پیشرفتی ننموده است . برعکس هر اندازه که ، ادبا و نویسندگان کلاسیک آذری در نوشته های خود از زبان توده ها بهره جسته و تحت تاثیر اشعار فولکلوریک آثاری به وجود آورده اند ، خواه و ناخواه از اصل فونتیکی نیز بهره جسته و در نوشته های خود منظور داشته اند . نمونه های این اصل را در قوشماهای (نوعی شعر) ختائی می توان پیدا کرد . با مقایسه قواعد نگارش آثار شعرای آذری در سده های گوناگون متوالی ، مثلاً " اشعار فضولی ، قوسی ، واقف و آثار میرزا فتحعلی آخوندزاده و صابر در می یابیم که ، با پیشرفت زمان اصول فونتیکی و مورفولوژیک میدان گسترده تری برای خود باز می کنند . اگر در اشعار فضولی ، در هر جا فقط " لر " علامت جمع اسماء را می بینیم در آثار آخوندزاده و صابر دو شکل آن را مشاهده می کنیم . در صورتی که ، در تمام این آثار از الفبای عربی استفاده شده و قوانین آن مراعات گردیده اند . این اختلاف نتیجهٔ عدول نویسندگان متأخر از اصل تاریخی و تمایل آن ها به

اصول فونتیک و مورفولوژیک و یا نزدیکی به طرز تلفظ مردم عادی بوده است . حتی میرزا فتحعلی آخوندزاده در اواسط قرن ۱۹ میلادی استفاده از اصل فونتیکی را جمع بندی نموده و آن را به شکل علمی بیان کرده است . آخوندزاده شمار زیادی از کلمات عربی و فارسی را نشان می دهد که ، در طول سده ها ، در اثر کثرت استعمال در زبان توده های آذری ، ترکیب فونتیکی اصلی خود را از دست داده و همگون با قوانین صوتی زبان آذری تلفظ شده ، ولی به شکل اصلی نوشته می شوند . آخوندزاده طرز نگارش تاریخی این کلمات را تغییر داده و آن ها را به شکلی که در زبان مردم تلفظ می شدند نوشت ؛ مثلاً 'آدم - آدام ، تخم - توخوم ، جفت - جوّت ، عورت - آرواد ، قایده - قایدا ، فائده - فایدا این عمل کاری جز عدول از اصل تاریخی محافظه کار و روی آوردن به سوی اصول فونتیک و مورفولوژیک چیز دیگری نیست .

این گفته ها بدان معنی نمی باشد که اصل تاریخی را به کلی کنار گذاشته و اصول فونتیک و مورفولوژیک را اساس قواعد نگارش امروزی زبان ادبی آذری قرار دهیم . برعکس باید در ترتیب اصول نگارش زبان ادبی معاصر آذری از هر سه اصل فوق استفاده نمود ، به شرطی که اصل فونتیک یعنی طرز تلفظ توده ها هیچ گاه از نظر دور نگه داشته نشود .

۱- اصل فونتیک (صوتی) :

این اصل شکل تلفظ کلمه را اساس قرار می دهد ، یعنی کلمه همان طوری که در زبان مردم عادی گفته می شود ، باید نوشته شود . این اصل دارای جهات مثبت و منفی می باشد .

جهات مثبت و قابل استفاده این اصل از این قرارند :

۱ - این اصل قواعد نگارش را ساده و آسان می کند . عده زیادی از کلمات ، آنگونه که در زبان توده ها تلفظ می گردند ، نوشته می شوند مانند : آنا

(مادر) خالا (خاله)، باجی (خواهر)، اوغلان (پسر)، ... این امر کارآموزش و پرورش را به ویژه در کلاس های ابتدائی، تا حدودی آسان تر می کند.

۲- این اصل ویژگی های محافظه کاری و تاریخی در نگارش عده زیادی از کلمات دخیل از عربی و فارسی را در هم می ریزد و کلماتی که سال ها و بلکه سده ها است که، ترکیب صوتی اصلی خود را از دست داده و با قوانین صوتی زبان آذری همگون شده اند، به شکلی که، توده ها آن هارا تلفظ می نمایند، نوشته می شوند. به عنوان نمونه می توان کلمات زیر را نشان داد: فایده - فایدا، عقل - عاقل، قاعده - قایدا، قلعه - قالا، نقل - ناعل، نقل - نوغل، سلام - سالام، زمان - زامان، دوام - داوام، طایفه - طایفا، نهار - ناهار، تماشا - تماشا، جواب - جاواب، شواب - ساواب، هوا - هاوا، خطا - خاتا، راحت - راحات، دعا - دووا، کمال - کامال، عوام - عاوام.

استعمال بی صداها (ع، ث، ...) عربی در بعضی از کلمات در تلفظ مردم عادی برای رعایت اصل تاریخی و پیوند با گذشته و هم چنین درک آسان برای خواننده است.

همین ویژگی در باره کلمات دخیل از زبان های اروپائی نیز حکم فرما است. یعنی این کلمات نیز، نه به شکل اصلی، بلکه به شکلی که در زبان مردم گفته و تلفظ می گردد نوشته می شود، مانند کلمات: بودجه، سماوار... که براساس ترکیب صوتی زبان آذری نوشته می شوند.

جهات منفی این اصل از این قرارند:

به موازات جهات مثبت اصل فونتیکی جهات منفی نیز دارد که، نمی تواند آن را یگانه اصل در قواعد نگارش زبان قرار دهد و آن این که، اگر اصل فونتیکی را اساس قواعد نگارش زبان قرار دهیم، باید اکثر کلمات را به صداها شکل بنویسیم. زیرا معمولاً "کلمات یک زبان در لهجه های مختلف آن و حتی در بخش ها و روستاها گوناگون به شکل های دیگری تلفظ می شوند و در این صورت معیار واحد برای نوشتن آن ها غیر ممکن می شود و در نتیجه به جای زبان ادبی واحد که برای تمام متکلمین آن زبان مفهوم باشد، زبان های مختلف یعنی زبان های گفتاری به وجود خواهد آمد و به تعبیر دیگر زبان واحد ادبی از میان خواهد رفت.

فکر استناد به زبان تکلم مردم در دوازده سال اخیر بسیار قوت گرفته‌است . بعضی از روشن فکران و حتی بعضی از مسئولین چنین تصور می نمایند که، زبان ادبی آذری همان زبانی است که، توده‌های شهری و یا بخشهای آن بدان زبان سخن می گویند . این گونه اشخاص هنگام شنیدن کلمه‌ای غیر ماءنوس می گویند که، ما این کلمه را از مادر خود نشنیده‌ایم و یا این کلمه در بخش ما مصطلع نمی‌باشد و لذا استعمال آن جایز نیست و یا هنگام شنیدن کلمه‌ای به شکلی که آن ها عادت نکرد ه‌اند، اعتراض نموده می گویند که، ما این کلمه را از مادر به فلان شکل شنیده‌ایم و یا آن را مردم محل به فلان شکل تلفظ می کنند و باید آن را مانند مردم محل تلفظ نمود . تمام این اندیشه ها نتیجه پر بهادادن به اصل فونتیکی در نگارش می باشد که، مالا زبان واحد ادبی را از بین می برد . اینان مفهوم زبان مادری را نیز به درستی درک نکرده اند . زیرا اگر منظور از زبان مادری برای هرکسی آن زبانی است که، از مادر خود شنیده ، در این صورت عده آن به میلیون ها بالغ خواهد شد و اگر منظور از آن زبان گفتاری محیط و شهری باشد که، در آن زندگی می‌نمائیم ، در این صورت عده زبان های مادری لاقلا برابر عده شهر ها و بخش های هم زبان خواهد شد . در صورتی که، منظور از زبان مادری برای افراد یک ملت زبان عمومی ادبی و جمع بندی شد مای می‌باشد که، افراد تمام لهجه‌ها ، شهرها و بخش ها آن را به یک اندازه می‌فهمند و مادر بحث های پیشین در باره تشکل تاریخی چنین زبان واحد ادبی سخن گفتیم . بنابراین ، چنان که ملاحظه می‌شود ، در نتیجه پر بهادادن به اصل فونتیکی و یا طرز تلفظ مردم شیرازه زبان ادبی از هم می پاشد و باعث هرج و مرج غیر قابل تصویری می‌شود . به عنوان نمونه اگر کلمه " دگیل " (نیست) را در نظر بگیریم ، ملاحظه خواهیم کرد که ، این کلمه در لهجه‌های مختلف زبان آذری به اشکال گوناگونی مانند ، دئیل ، دگیل ، دئگیل ، دؤگول ، دؤگور ، دئی ، دئگیلی ، دؤیولو ، دئیر ... تلفظ می‌شود . نظیر این کلمه بسیار زیاد است . اگر این کلمه را به شکل های مذکور بنویسیم ، برای تمام افراد آذری زبان مفهوم نخواهد بود و زبان واحد ادبی چیززایدی خواهد بود . در صورت استناد به اصل فونتیکی نه تنها کلمات عادی زبان ، حتی نوشتن اسامی خاص نیز دچار اشکال و ابهام

خواهد شد؛ مثلاً "کلمه مشهور" کربلایی "را برداریم که، به اشکال: کربلای، کبلایی، کلبایی، کلبه، کبله، کربه... تلفظ می شود. اگر هرکس این کلمه و کلمات مشابه را به شکلی که، تلفظ می نماید، بنویسد برای خوانندگان مفهوم نخواهد بود و لذا زبان نوشتاری ویژگی هم زیستی و تفاهم بین افراد را از دست خواهد داد.

بنابراین در تربیب قواعد نگارش زبان، طرز تلفظ مردم عادی و یا زبان گفتاری بی گمان یکی از منابع اساسی است، اما یگانه منبع نمی باشد. بنابراین، آن هائی که زیر پرده حفظ خصوصیات زبان کلم و ایجاد زبان اصیل ادبی براساس آن، اصل فونتیک را بنیان کار خود قرار می دهند، نه تنها به پیشرفت زبان ادبی کمک نمی نمایند، بلکه، برعکس آن را به بن بست می کشاند و توسعه غیر قابل فهم و به شکل بی قانون و بی سرنوشت در می آورند.

۲- اصل مورفولوژیک (صرفی):

می دانیم که، زبان آذری زبان التصاقی می باشد، یعنی تمام اشتقاقات در این زبان با افزودن پسوندها به آخر ریشه کلمات ساخته می شوند. لذا پسوندها در زبان آذری دارای اهمیت ویژه ای می باشند و از این جا است که قواعد نگارش پسوندها نیز مهم می باشند. براساس اصل مورفولوژیک، پسوندها، با وجود این که به اشکال گوناگون تلفظ می شوند، به شکل واحد و مشخصی نوشته می شوند، یعنی در پسوندها طرز تلفظ آن ها در نظر گرفته نمی شود، بلکه مضمون آن ها مد نظر قرار می گیرد. مثلاً "پسوند های جمع اسماء (لار - لر) در لهجه های مختلف به اشکال گوناگون گفته می شوند. مانند: نار - نر: اوغلانار (پسر ها)، گلینر (عروس ها)، دار (در)، آتدار (اسب ها)، ایتدر (سگ ها)، قاررار (برف ها)، ارره (شوهر ها). اما از قدیم الایام از این اشکال گوناگون این پسوندها فقط شکل (لار - لر) استعمال شده و می شود. و یا از پسوند های

اعداد ترتیبی به شکل (ایمجی - مینجی - اینجی) تلفظ می‌شوند . اما از این انواع فقط شکل " اینجی " در زبان ادبی مورد قبول واقع شده و استعمال می‌شود . از این گفته‌ها چنین بر نمی‌آید که ، هنگام اتکا به اصل مورفولوژیک اصل فونتیک را باید کاملاً " کنار گذاشت " . برعکس هنگام استفاده از اصل مورفولوژیک از اصل فونتیک نیز به شکل گسترده‌ای استفاده می‌شود . مثلاً " استفاده از پسوندهای دوشکلی و به ویژه چهار شکلی (در این باره بعداً " در بحث صرف گفتگو خواهیم کرد) اصل فونتیک با تمام قدرت خود نمائی می‌کند . زیرا در این گونه پسوندها شکل نگارش آن‌ها تابع قانون هم آهنگی صدا دارها و هم چنین آخرین مصوت کلمه می‌باشد . در این هم آهنگی طرز تلفظ کلمه ، یعنی اصل فونتیک نقش اساسی را بازی می‌کند .

۳- اصل تاریخی :

این اصل طرز نگارش تاریخی کلمات را مد نظر قرار می‌دهد ، نه طرز استعمال و یا تلفظ امروز آن‌ها را . مثلاً " کلمهء "آقا" با وجود این که براساس قانون هم آهنگی صداها از طرف همگان به شکل "آغا" تلفظ می‌شود ، براساس رسم و عادات تاریخی به شکل "آقا" نوشته می‌شود . این طرز نگارش ربطی به اصول فونتیک و مورفولوژیک ندارد ، بلکه نتیجه رعایت اصل تاریخی می‌باشد ، یعنی چون پیشینیان این کلمه را بدین شکل نوشته‌اند . مانیز از آن تبعیت می‌کنیم . شمار این گونه کلمات در زبان معاصر ادبی آذری کم نیست . به ویژه در نوشته های آذری در ایران عده ای کلمات چشم گیر می‌باشد ، زیرا در این جا رسم ۹۰۰ ساله پای برجا است و عده زیادی از کلمات هخیل عربی و فارسی امروز به شکل ثابت پیشین نوشته می‌شوند ، در صورتی که به شکل دیگری تلفظ می‌شوند ، مثلاً " کلمات زیرین امروز به شکلی که می‌بینیم نوشته می‌شوند :

عاید ، عایله ، باعث ، دایره ، زایل ، ضعیف ، نایل ، مایل ، خاین ، نوبه ،

چیچک، اینک، ایپک، چوئرک، ...

در صورتی که، این کلمات را هنگام خواندن و تلفظ کردن به شکل دیگری - گوئیم. یعنی آید، آییله، باییس، داییره، زاییل، زهیف، ناییل، ماییل، خایین، نوْبه، چیچه، اینه، ایپه، چوْره، ...

جالب است که، در نوشتن و خواندن این کلمات هیچ کس دچار اشکال نمی‌شود و اعتراضی بر آن‌ها وارد نیست. زیرا همگان این کلمات و کلمات مانند آن‌ها را از زبان مردم عادی شنیده و در آثار چاپ شده پیشین نوشتن آن‌ها را به شکل ثابت و مشخص دیده‌اند و در نتیجه با وجود فرق بین تلفظ و نگارش به چنین تلفظ و چنین نگارش عادت کرده اند و یک نوع رابطه ذهنی بین آن دو به وجود آمده است. این همان رعایت اصل تاریخی در اصول نگارش می‌باشد. جای تعمق است که، رعایت اصل تاریخی خاص زبان آذری نیست و می‌توان گفت که، تمام زبان‌ها، کم و بیش، از این اصل پیروی می‌نمایند. کلمات "خواهر" و "خواستن" در زبان فارسی و هم چنین کلمات "هذا" (این) و "هولاء" (آن‌ها) در زبان عربی نمونه‌های کوچکی از این ویژگی‌ها می‌باشند. رعایت اصل تاریخی در زبان ادبی آذری خاص کلمات معمولی نیست، بلکه در بعضی از پسوندها و رابطه‌ها و قوشماها (در بحث مربوطه آشنا خواهیم شد) نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه رابطه "که" را در نظر بگیریم که، در لهجه‌های مختلف به هشت شکل "کی" ۴، گین، تلفظ می‌شود، اما از زمان‌های قدیم به شکل "که" نوشته شده و می‌شود؛ اگر امروز به شکل "کی" نیز نوشته می‌شود به نظر ما درست و خالی از اشکال است.

هم چنین قوشمای "ایله" (با) را یادآور شویم که، با وجود تلفظ در لهجه‌های مختلف به شکل‌های "نان - نن"، روی اصل تاریخی از قدیم به شکل "ایله" در صورت منفصل و "لا - له" در صورت متصل نوشته می‌شود. این قوشما را نیز در مطبوعات سال‌های اخیر گاه به شکلی که تلفظ می‌شود، می‌نویسند و به نظر ما استعمال هردو شکل ممکن است. از این گفته‌ها استنباط می‌شود که، رعایت اصل تاریخی، یعنی نوشتن کلمات به شکل گذشته قانون لایتغیر نیست؛ بلکه می‌توان آن‌ها را به تدریج و با تغییر تلفظ آن‌ها در زبان همگان، به شکل مصطلع

امروز نوشت، یعنی اصل فونتیک را درباره آن ها رعایت نمود. اما تغییر ناگهانی آن ها، بدون در نظر گرفتن تغییر تلفظ آن ها در زبان همگان، کاری است نادرست، زیرا این کار برای خوانندگان که به نگارش قدیم عادت کرده اند، دشواری های زیادی در درک سریع مفاهیم به وجود خواهد آورد و رابطه الفبای امروز را با گذشته خواهد گسست و این کار به زیان فرهنگ خواهد انجامید و چه بسا مقبول همگان نشده و آنان را در ادامه دادن به طرز نگارش قدیم مصرتر و محافظه کارتر خواهد نمود. از اینرو در تغییر نگارش کلمات باید جانب احتیاط را رعایت نمود و اصل تدریج را در نظر داشت.

در موضوع رابطه قواعد نگارش با اصل تاریخی باید چاپ آثار کلاسیک های آذری را نیز تذکر داد. احياناً "در تجدید چاپ شعرا و نویسندگان قدیم مشاهده می شود که، ناشرین این آثار طرز نگارش آن ها را تغییر داده و به شکل امروزی در می آورند. این کار به هیچ وجه صحیح نیست؛ زیرا این آثار ضمن اینکه سرچشمه استفاده برای خوانندگان امروزی به شمار می روند، در عین حال سند تاریخی برای تعیین پیشرفت، تغییر و تکامل زبان و الفباء در طول تاریخ و تحدید مراحل این تکامل و درگونی های نیز می باشند. طبیعی است که، با تغییر طرز نگارش آن ها علم گرامر تاریخی از منابع خود محروم می شود و تعیین مراحل تطور الفبا غیر ممکن می گردد.

به نظر ما در تجدید چاپ آثار کلاسیک ها برای تسهیل در خواندن و احتراز از اختلاف فقط کلمات آذری مشخص را با تعیین صدا دار ها، آن هم در داخل پارانتز باید نوشت و اصل متن را به شکل اصلی نگاه داشت.

بنابراین، رعایت اصل تاریخی در قواعد نگارش هم در کلمات معین و هم در چاپ و نوشتن آثار قدما ضروری است.

از گفته های بالا بر می آید که، در ترتیب قواعد نگارش زبان آذری، اصل تاریخی نمی تواند یگانه اصل قرار گیرد، زیرا اتکای کامل به این اصل راه پیشرفت و تکامل زبان را سد می کند و آن را مجبور می نماید که، در داخل چهار چوبه محدود قدیمی، بلا تغییر بماند.

پس از آشنائی با اصول سه گانه در ترتیب قواعد نگارش، باید متذکر شد

چنان که در تمام زبان ها معمول است ، ما نیز باید در ترتیب قواعد نگارش زبان آذری از وحدت این سه اصل بهره گیریم و تاکنون نیز بهره گرفته ایم . امروز در نگارش زبان آذری از هر سه این اصول استفاده می شود و در حقیقت این سه اصل همسایه را تکمیل نموده و قواعد نگارش ثابتی به وجود می آورند . با وجود این ، اصل فونتیک در نوشته های سال های اخیر نقش اساسی و پیش قدم بازی می کند .

افزون بر این ، فرق عمده ای که ، زبان آذری با زبان های دیگر دارد ، وجود قانون هم آهنگی همه گیر و پیشرفته در این زبان می باشد . این قانون در ترتیب قواعد نگارش زبان آذری به اصول دیگر پیشی می گیرد ، به آن ها راه نشان می دهد و در حل مسائل مورد اختلاف نقش تعیین کننده ایفاء می کند . به ویژه طرز نوشتن پسوند ها که ، در زبان آذری بی نهایت گسترده می باشد ، بر اساس قانون هم آهنگی تثبیت می گردد .

حال به بینیم قواعد نگارش امروزی زبان ادبی آذری در طول تاریخ چه تغییراتی به خود دیده و اکنون در چه وضعی است و مستلزم چه دگرگونی های ضروری در آینده می باشد .

برای بررسی قواعد نگارش زبان آذری در گذشته و حال و تعیین معیار منطقی و علمی برای آن به نظر ما بهتر است ترکیب لغوی زبان معاصر آذری و یا واژگان آن را از دو لحاظ مورد توجه قرار داد .

۱ - بررسی طرز نگارش کلمات " دخیل " عربی ، فارسی و اروپائی .

۲ - کلمات اصیل آذری .

۱- بررسی قواعد نگارش کلمات " دخیل "

تاریخ ورود کلمات فارسی به زبان آذری از دوران های قبل از اسلام ، یعنی عصرهایی که اقوام ترک و تات (بنا گفته ترک ها) با هم در سرزمین آذربایجان

زندگی نموده‌اند، آغاز می‌شود. اما ورود کلمات عربی به زبان آذری بی شک، به طور تقریب از قرن دهم میلادی به این طرف آغاز می‌گردد که، ترک‌ها در آن سده قبول اسلام نموده‌اند.

از نخستین اثر نوشته آذری یعنی "کتاب دده قورقود" به وضوح دید می‌شود که، کلمات دخیل عربی و فارسی به شکل اصلی نوشته می شده‌اند. عده‌این کلمات با گذشت زمان و محکم شدن روابط فرهنگی بیشتر می‌شدند و براساس اصل تاریخی نگارش حاکم بر کتابت تماما "به شکل اصلی نوشته می‌شد. این وضع در تمام آثار ادبی و کتبی قرون وسطی مانند دیوان نسیمی، فضولی، ختائی، طرزی افشار، قوسی تبریزی، صائب، ... دیده می‌شود.

جای هیچ گونه شکی نمی‌تواند باشد که، براساس قوانین پیشرفت زبان، در طول این عصرها، کلمات دخیل، با وجود نوشته شدن به شکل مشخص و اصلی، در زبان مردم ساده تلفظ خود را تغییر داده و همگون با قوانین صوتی زبان آذری گفته می‌شدند و با گذشت زمان این تغییر آوایی گسترده ترو عمیق ترمی — گشت. بدین معنی که، از یک سوتلفظ عده زیادی از کلمات دخیل دگرگون می — شد و از سوی دیگر تلفظ آن‌ها به قوانین صوتی زبان آذری نزدیک تر و یا با آن مطابق می‌گشت.

مراعات اصل تاریخی در نگارش کلمات دخیل عربی و فارسی در ادبیات آذری تا اواسط قرن ۱۹ میلادی ادامه یافت و فکر تغییر طرز نگارش آن‌ها پیش کشیده نشد. اما در اواسط این قرن نویسندۀ متفکر آذربایجانی میرزا فتحعلی آخوندزاده، خامنه‌ای برای اولین بار این فکر را پیش کشید و در تمام آثار خود به زبان آذری آن‌را رعایت نمود. آخوندزاده کلمات عربی و فارسی مستعمل در زبان آذری را به دو گروه تقسیم می‌کرد. به گروه نخست آن کلماتی را داخل می‌نمود که، هم از طرف روشن فکران آن دوران و هم از سوی مردم ساده به طور مشترک به کار برده می‌شدند. آخوندزاده پیشنهاد می‌کرد که، این گروه کلمات را براساس اصل آوایی و یا طرز تلفظ آن‌ها بین مردم باید نوشت. نوشتن این کلمات به شکل اصلی از نظر آخوندزاده درست نبود، زیرا تلفظ آن‌ها در زبان آذری تغییر یافته بود.

به گروه دوم آن کلماتی را داخل می نمود که، در زبان روشن فکران، روحانیون و اقشار فوقانی جامعه به کار رفته و هیچ رابطه ای با زبان توده های وسیع مردم ندارد. به نظر آخوندزاده نوشتن چنین کلماتی به شکل اصلی، یعنی رعایت اصل تاریخی درباره آن ها خالی از اشکال و لازم بود؛ زیرا این کلمات در تکلم نیز به صورت اصلی گفته می شوند و بالنتیجه تغییر نگارش آن ها بی معنی و بدون سبب می شد.

این فکر آخوندزاده بی نهایت صائب و منطقی بود و امروز نیز رعایت آن لازم است. نظر به اهمیت موضوع بخشی از نوشته های آخوندزاده را عیناً نقل می کنیم:

در باره املاي زبان ترکی، تا این لحظه قاعده کلی مقبول نیفتاده است. بنابر این من در نمایشنامه هایم این مسئله را عنوان کردم. من معتقدم که، اگر کلمات مستعمل در گفتگو در نزد خواص و عوام، در استعمال عالم و عامی مشترک باشد، املاي این کلمات هنگام نوشتن مطابق صوت متکلم اولی است و نباید در نظر داشت که، این کلمات مأخوذ از زبان های فارسی و یا عربی می باشند و نگارش آن ها در آن زبان ها به وضع دیگری است چون منظور از لفظ افاده معنی است و امروز این کلمات در زبان تو مطابق این املاء تلفظ شده و افاده معنی می نماید و منظور تو حاصل می شود، دیگر چه لزومی دارد که، آن ها را به املاي زبان فارسی و عربی بر می گردانی، تا هنگام خواندن برای مستمع بیگانه و عجیب جلوه کند. اگر منظور اظهار فضل است، با نوشتن چند کلمه به صورت اصلی فضل ظاهر نمی شود شروط فضل چیز دیگری است.

بنابراین، انتظار دارد که، تو نیز مانند من کلمه "آدم" را به ترکی به شکل "آدام" بنویسی، تخم را توخوم، جفت را جوت، مقید را مضایات، عورت را آرواد، قاعده را قایدا و هم چنین کلمات دیگری را که، در استعمال خواص و عوام مشترکند. اما الفاظ متعلق به خواص بگذار در املاي اصلی خود باقی به مانند، چنان که در تکلم نیز به وضع اصلی تلفظ می شوند. و شادی نکن که، چرامن خود در دیباجه این قاعده را مراعات نکرده ام. (از آنجا چنین نوشته ام

که، (پیش از وقت اعلان ضرورت داشت و بعد از این هر چه بنویسم، به‌شکلی که خود می‌دانم، خواهم نوشت^۱)

در حقیقت آخوندزاده در نگارش نمایشنامه‌ها و رومان "آلدانمیش کواکب" ستارگان فریب خورده، خود اصل آوایی، یعنی طرز تلفظ مردم ساده رادرکلمات دخیل عربی و فارسی رعایت نموده‌است و امروز ما اکثر آن کلمات عربی و فارسی را که آخوندزاده املاي آن‌ها را تغییر داده، به همان شکل پیشنهادی اومی - نویسیم.

این پیشنهاد آخوندزاده در تاریخ تطور قواعد نگارش زبان ادبی آذری نقش راهنما در نوشتن کلمات دخیل فارسی و عربی ایفا کرده‌است و می‌کند به جرئت می‌توان گفت که، آخوندزاده قوانین آوایی زبان آذری و دیالکتیک دگرگونی آن را نیک دریافته و با جمع بندی همه آن‌ها راه درست پیشرفت قواعد نگارش آن را پیش کشیده‌است و در حقیقت هرگاه در فاصله‌های معین تاریخ فشار وارده بر زبان آذری از بین رفته و یا تخفیف یافته و سد راه پیشرفت آن برداشته‌شده و مطبوعات زبان آذری میدان فعالیت یافته‌اند، اصل مذکور با تمام قدرت خود نمائی کرده و آن کلمات دخیل عربی و فارسی که، تلفظ آن‌ها در زبان تکلم مردم ساده تغییر یافته‌است، به‌شکل جدید، یعنی با رعایت اصل آوایی نوشته‌شده‌اند. نظری گذرا به مطبوعات آذری زبان پس از انقلاب اسلامی نیز این حقیقت را به وضوح نشان می‌دهد. منتهی در مطبوعات معاصر آذری این کار به‌طور ناخود آگاه و در نتیجه به شکل غیر علمی انجام می‌گیرد و بالنتیجه، بعضاً "مشاهده می‌شود که، در نوشتن کلمات فارسی و عربی راه افراط و تفریط می‌پیمایند، چهار چوب علمی را در هم می‌ریزند، اصل تاریخی را کاملاً "فراموش می‌کنند و در استفاده از اصل آوایی تا آن حد پیش می‌روند که، باعث قطع رابطه با طرز نگارش و نوشته‌های گذشته می‌گردد و لذا برای خوانندگان در فهم سریع مطلب تولید اشکال می‌نمایند.

برای جلوگیری از این هرج و مرج و به قصد اجرای این کار براساس علمی و در چهار چوب اصول معین و مشخص، به طوری که برای همگان مفهوم و قابل قبول باشد، رهنمودهای آخوندزاده را از دیدگاه پراتیک روزانه و عمل کرد امروز بار دیگر از نظر می گذرانیم:

در زبان ادبی معاصر آذری عده زیادی از کلمات فارسی و عربی وجود دارند که، حدود هزار سال است که، به این زبان داخل شده و در طول عصرها استعمال شده اند و می شوند. بخش عمده این کلمات از آن زبان آذری شده است، به گونه ای که، برای تمام متکلمین عالم و عامی این زبان به یک اندازه و شکل مفهوم می باشند و حتی بخشی از آن ها داخل گنجینه کلمات اساسی این زبان شده اند، یعنی خود در ردیف " کلمات مادر " در آمده اند. این ها همه کلماتی می باشند که، آخوندزاده آن ها را در گروه نخستین تقسیم بندی خود جای داده است.

ترکیب صوتی عده ای از این کلمات در اصل با قوانین آواژی زبان آذری همگون بود. این کلمات از روز های نخست بدون تغییر در این زبان استعمال شده می شوند. مانند کلمات: کدر، هدر، تشکیل، ازل، روم، شام، دوست، دلیل، سبب، دفتر، قدر، اهلی، هوس، شهید، جمله.

نه تلفظ و نه طرز نگارش این کلمات از اول هیچ گاه مورد بحث و اختلاف نبوده و نیست.

گروه دیگری از این کلمات که، شامل بی صداهای (ث - ح - ذ - ص - ض - ظ - ط - ع) یعنی بی صداهای ویژه زبان عربی بود و یا همانند بعضی از کلمات فارسی دارای صداهای کشیده بود، از ابتدا به شکل اصلی نوشته شده اند ولی بی صداهای خاص زبان عربی، نه چنان که در اصل بودند، بلکه همگون بایی - صداهای مشابه و نزدیک آذری تلفظ شدند و هم چنین صداهای دراز با گذشت زمان کشیدگی خود را از دست داده مانند صداهای مشابه معمولی آذری - تلفظ شده اند و می شوند. مثل کلمات: عذاب، ثمر، حال، دلیل، ضرر، طلبه، ظالم، علم، حکیم، آزاد، آباد، اثر، علم، تلاش، شیرین، خلق، عزیز، عظمت، اول، عمل، اسیر، طیبه، حسین، حسن، علی، نقی، تقی، محمد،

محرم، باغبان، حرمت، صنعت، حسرت، حرکت، برکت، صحبت، ...
 این کلمات و کلمات مشابه آن ها، امروز نیز به شکل اصلی نوشته می شوند، یعنی در طرز نگارش آن ها اصل تاریخی رعایت می شود و احتیاجی نیز به برهم زدن این اصل احساس نمی شود زیرا این کلمات با شکل نگارش تاریخی خود افاده مرام می کنند و چون همگون با قوانین صوتی زبان آذری تلفظ می شوند برای مستمع عوام نیز بیگانه و غیرعادی جلوه نمی کنند. برهم زدن اصل تاریخی در نگارش این کلمات جز ابهام، تعقید و هرج و مرج و دشواری برای خوانندگان و روشن فکران که، به نگارش تاریخی آن ها عادت کرده اند، سودی دربر ندارد. مثلاً "نوشتن کلمه" عزیز" به شکل "ازیز" و "عمل" به شکل "امل"، "علی" به شکل "الی"، ... یعنی تبدیل بی صدا های عربی به بی صداهای آذری در کلمات از طرفی سبب قطع پیوند با طرز نگارش تاریخی می گردد، و در نتیجه تولید اشکال برای خوانندگان می نماید، از طرف دیگر سوء تعبیرها در معانی کلمات ایجاد می شود، زیرا کلمه "ازیز" به معنی له کنید، "امل" به معنی "آرزو" و "الی" به معنی "دستش" نیز همین مفهوم نادرست را تلقین خواهد کرد.

بنابراین نوشتن این گروه کلمات به شکل قدیمی، یعنی رعایت اصل تاریخی در نگارش آن ها ضروری است.

گروه دیگر این کلمات فارسی و عربی آن هائی می باشند که، آخوندزاده تغییر نگارش آن ها را لازم دانسته است. ترکیب صوتی این کلمات با گذشت زمان و کثرت استعمال در بین مردم، کاملاً "دگرگون" شده و شکل اصلی خود را تا آن درجه از دست داده است که، از طرفی با قوانین صوتی زبان آذری همگون شده اند و از طرف دیگر، در صورت تلفظ به شکل اصلی، برای توده ها کاملاً "نامفهوم" خواهد شد. در طرز نگارش این کلمات، چنان که آخوندزاده نشان می دهد، باید اصل آوائی کاملاً "رعایت گردد"، یعنی باید آن ها را به شکلی که توده های خلق تلفظ می نمایند نوشت و به طرز نگارش اصلی آن ها در زبان های عربی و فارسی پابند نشد. زیرا نوشتن آن ها به شکل قدیمی برای روشن فکران طبیعی جلوه خواهد نمود، اما هنگام خواندن آن ها برای توده های وسیع عوام کاملاً "بیگانه"

و نامفهوم خواهد بود. اینک نمونه‌هائی از این کلمات: راحت (راحت)، ساعات (ساعت)، حلال (حلال)، اصیل (اصل)، نسیل (نسل)، ماهال (محال)، عاوام (عوام)، مورتوز (مرتضی)، عاشیق (عاشق)، زامان (زمان)، کامسان (کمان)، آمان (امان)، قوهوم (قوم)، آما (اما)، سهمان (سامان)، شوکور (شکر)، طولوم (ظلم)، کاغاذ (کاغذ)، قهوه‌خانا (قهوه‌خانه)، شکیل (شکل)، حووروز (حوض)، کارخانا (کارخانه)، دزگاه (دستگاه)، عومور (عمر)، عثیب (عیب).

به موازات گروه‌های فوق‌الذکر کلمات فارسی و عربی در زبان ادبی معاصر آذری به کلماتی دیگر عربی و فارسی نیز برخورد می‌کنیم که، با وجود استعمال آن‌ها در مدت زمان دراز در این زبان، تاکنون ترکیب صوتی اصلی خود را تغییر نداده و با قوانین صوتی زبان آذری همگون نشده‌اند. به تعبیر دیگر متکلمین زبان آذری در طول زمان یا احتیاجی به تغییر ترکیب صوتی این کلمات ندیده‌اند و یا راه مناسب قوانین زبان خود را برای این کار پیدا نکرده‌اند. در این گونه کلمات هم قانون همه‌گیر زبان آذری، یعنی قانون هم‌آهنگی صداها را به هم می‌خورد و هم مصوت‌های معین کشیده تلفظ می‌شوند. به هر صورت در نگارش این گونه کلمات اصل تاریخی رعایت می‌شود. اما در تلفظ آن‌ها بی‌صداهای ویژه زبان عربی تغییر کرده و به بی‌صداهای مشابه آذری مبدل می‌شوند. نمونه‌هائی از این گروه کلمات: کتاب، عالم، ظالم، حاکم، حیات، تاریخ، صادق، صورت، معلوم، مکتوب، محبوب، مخصوص، فعال، اشتراک، اجتماعی، حادثه، تاثیر، پروانه، انقلاب، عصیان، الهام، کفایت، خاطر، تقدیم، صنعت کار، معارف، خادم، معلم، علاوه، ترجمه، حکایه، وجود، واسطه، دنیا، حیوان، روزنامه، سیاست، اراده، امکان، کامل، عرب، مجبور، لازم، استفاده، اشاره، قبول، تابع، بعضی، ...

باید متذکر شد که، هر قدر که، موانع پیشرفت زبان آذری از سر راه برداشته شده و زبان به روال طبیعی توسعه و شکوفائی گام می‌نهد، این گونه کلمات و کلمات عربی و فارسی، به طور کلی، با کلمات اصیل ترکی آذری عوض می‌شوند و یا براساس قوانین مورفولوژی زبان آذری از آن‌ها کلمات مشتق ساخته می‌شود.

مثلاً "اخیرا" در مطبوعات آذری ملاحظه میشود: که، کلمهء بیللیکسی به جای "عالم"، "یاشایش" به جای "حیات"، "صداقتلی" به جای "صادق"، "سئوگیلی" به جای "محبوب"، "چالیشقان" به جای "فعال"، "وارلیق" به جای "وجود"، ... به کار برده می شود.

این سر آغاز منطقی، علمی و صحیح، در صورت احتراز از افراط و تفریط های بی جا و از روی تعصب و رعایت اصل تدریج آیندهء بس روشن داشته و به غوغای چند صد سالهء قواعد نگارش کلمات فارسی و عربی در زبان آذری خاتمه خواهد داد. در این کار باید از تجارب پیر اراج سایر ملل ترک زبان عاقلانه بهره جست.

چنان که در تقسیم بندی کلمات فارسی و عربی از طرف آخوندزاده دیدیم، بخش دوم کلمات دخیل فارسی و عربی به هیچ وجه در زبان توده ها استعمال نشده و برای آن ها نا مفهوم می باشد. این الفاظ متعلق به زبان خواص یعنی قشر روشن فکران، متخصصین، دانشمندان می باشند و کلمات و اصطلاحات حقوقی، سیاسی، نظامی، فقه، اصول، علوم گوناگون و... را در بر می گیرد. در سدهء اخیر با ورود تکنیک و علوم جدید به زندگی مردم، عدهء زیادی از کلمات اروپائی نیز به این کلمات عربی و فارسی افزوده شده اند. بخشی از این کلمات که با وجود قدمت استعمال آن ها در زبان ادبی آذری فقط در ترکیب لغوی زبان (واژگان) به موجودیت خود در زبان ادامه می دهند، نه در زبان مردم به کار برده می شوند، نه برای آن ها مفهوم می باشند و نه به گنجینهء کلمات اساسی زبان راه یافته اند. بیش تر این کلمات در اثر پیشرفت اقتصادی جامعه علت وجودی خود را از دست داده و از ترکیب لغوی خارج شده و فراموش می شوند، بخشی دیگر از آن ها با کلمات اصل آذری عوض می شوند و بخشی بسیار ناچیز آن ها پس از مدت زمان دراز به گنجینهء کلمات اساسی زبان راه می یابند. بنابر این با نظر گرفتن این که اکثر این کلمات بازبان تکلم مردم پیوندی ندارد و فقط در زبان گفتاری و نوشتاری روشن فکران به کار برده می شوند، لذا نگارش آن ها به شکل اصلی به جا است و هیچ حاجتی به تغییر نگارش آن ها نیست؛ زیرا فهم آن ها برای خواص در شکل اصلی آسان تر است.

در خاتمه بررسی قواعد نگارش کلمات فارسی عربی و اروپائی باید بیفزاییم که، گروه بندی های فوق تقریبی بوده و برای تسهیل ذکر قواعد عمومی نگارش آن کلمات بود والا بین آن گروه ها سرحد قطعی وجود ندارد. زیرا به کلمات زیادی بر خورد می کنیم که، دارای جهات گوناگونی است ولذا سلیقه ها نیز در باره نگارش آن ها گوناگون خواهد بود. به طور کلی در نگارش کلمات دخیل فارسی و عربی، با در نظر داشتن اصلی که، میرزا فتحعلی آخوندزاده پیش کشیده، باید از کوشش های گوناگونی که، در طول تاریخ زبان آذری از طرف دانشمندان، صاحب نظران و نویسندگان به عمل آمده است، آن را ترجیح داده و دنبال نمود که، حتی الامکان با اصل آوایی و مورفولوژی زبان آذری و به ویژه تلفظ مردم ساده هم آهنگ باشد و ضمناً "جنبه تاریخی از نظر دور نماند، هم سادگی در آن رعایت گردد و هم دارای آینده روشن و قطعی باشد؛ بدین معنی که، با تلفیق اصول سه گانه نگارش، این کلمات را چنان نوشت که، در آینده نه چندان دور جای بحث و مجادله در نوشتن آن ها باقی نماند و تمام آذری نویسان آن ها را به شکل واحدی که، برای همگان مفهوم باشد، بنویسند و به خوانند.

نتیجه این که، برای نگارش این گونه کلمات فرمول موجز و قطعی و نسخه جامع نمی توان ارائه داد و مسئله را در عرض چند روز و چند ماه حل نمود. برای پیش برد درست و علمی نگارش این گونه کلمات باید چگونگی سیر تکامل الفبای آذری را در طول تاریخ، امروز و آینده به خوبی دریافت و در فاصله زمان و شرایط کنونی، بدون اسیر شدن به ذهنیت و افکار و احساسات شخصی و تعصب بی جا، آن را در پیوند مستمر با زبان گفتاری زنده مردم ساده و در ارتباط با گذشته زبان در نظر گرفت و پا به پای تکامل زبان و فهم مردم حرکت نمود و از عقب ماندن محافظه کارانه و جزمی و هم چنین از جلوزدن های چپ گرایانه از زبان مردم احتراز جست و فراموش ننمود که، زبان عنصر اجتماعی زنده ای است که، تحت قوانین ویژه خود پیش می رود و تصنع و جبر را هرگز نمی پذیرد.

۲- شیوه نگارش کلمات اصیل آذری

چنان که در بحث الفباء دیدیم بزرگترین دشواری در طرز نگارش کلمات اصیل آذری که، در طول تاریخ وجود داشته و امروز نیز صاحب نظران و زبان شناسان آذری را به خود مشغول داشته است، چگونگی نگارش و یا تاثیر مصوت های نه گانه آذری می باشد. حل این مشکل در طول تاریخ به طور آرام، و پیگیر و هر چند پراکنده، ادامه داشته است. و صاحب قلمان، هریک بنا به سلیقه خود به حل این مشکل و نمایاندن مصوت های نه گانه و یا بعضی از آن ها کوشیده اند. از آن جا که این کوشش ها به صورت علمی جمع بندی نشده و شکل رسمی به خود نگرفته اند، توجه اکثر روشن فکران امروزی را به خود جلب ننموده اند و بالنتیجه این نظر ناروا پیدا شده که، الفبای عربی قابلیت حل این مشکل را ندارد. تغییر الفبای عربی از طرف اکثر ملل ترک زبان در نیم قرن اخیر نیز مزید بر علت شده و این روشن فکران را به این نتیجه رسانیده است که "تا بر اساس زبان خودمان الفبای تازه و مناسبی ترتیب نیافته است خلاص کردن گریبانمان از این دشواری ها ممکن نیست"^۱.

این روشن فکران غافل بوده اند که، اکثر مللی که، از الفبای عربی استفاده می کنند، سال ها است که، تعیین حروف به صداهای خاص زبان خویش و افزودن آن به الفبای عربی این مشکل را حل کرده اند. در زبان های کردی، پشتو، اردو، سندی، بلوچی و پنجابی امروز چنین مشکلی تقریباً وجود ندارد. این کار بدون استثناء در تمام زبان های اروپائی نیز انجام گرفته و هریک از این ملل الفبای لاتینی را با افزودن چند حرف ویژه زبان خود تکمیل نموده اند. بنابراین چرا چنین کاری در زبان آذری ممکن نباشد، در صورتی که، در طول تاریخ تلاش های پیگیری برای حل این مشکل از طرف روشن فکران و مردم ساده آذری زبان انجام گرفته و امروز نیز ادامه دارد.

۱ - صاحبی گنجعلی، گونش، بیرینجی مجموعه، بدون تاریخ، تهران، ص ۷۸.

در بحث الفبا دیدیم که، نتیجه این تلاش ها به مشخص شدن هر یک از مصوت های نهگانه آذری منجر گشته است. مشخص شدن صدا دارها از یک طرف به مباحثات و مناقشات بی پایان خاتمه داده و از سوی دیگر طرز نگارش آن ها را تثبیت نموده است. از اینرو نیازی به بررسی نظریات گوناگون طرز نگارش این مصوت ها دیده نمی شود. حال به ویژگی های نگارش مصوت ها و سپس به شرح قوانین و اصول نگارش بعضی از کلمات مورد بحث آذری می پردازیم.

طرز نگارش مصوت های آذری

در سال های اخیر از طرف بعضی از ادبا و روشن فکران علاماتی برای هریک از مصوت های نهگانه آذری پیشنهاد شده اند، اما نظر بر این که این پیشنهادات به ترکیب صوتی زبان آذری و قوانین محکم آن تکیه نداشته اند، دایره عمل شان محدود بوده است. بدین معنی که، بر اساس این پیشنهادات بایستی مصوت های نهگانه در تمام جاهای کلمات آذری به طور مکمل، یعنی هم حروف و هم علامت های آن ها نوشته می شد. این کار هم از سرعت نگارش می کاست و آن را بی نهایت کند می نمود. وهم در ماشین های تحریر و چاپخانه ها اشکالات و دشواری های بی شماری پیش می آورد. علاوه بر همه این ها به نقطه ها و اشارات قبلی معمولی تعداد زیادی اشارات صدا دارها نیز افزوده شده، نوشته های آذری رابه شکلی در هم و پراز علامت اشارات مبدل می کرد. در صورتی که، اگر این پیشنهادات به ترکیب صوتی زبان آذری و قوانین محکم آن مبتنی باشد، به نوشتن علامت مصوت ها جز در موارد معین در اول کلمات آذری احتیاجی نخواهد بود. حال، این موضوع را مورد مطالعه قرار دهیم:

اگر دو قانون مهم صوتی زبان آذری یعنی (قانون هم آهنگی صدا دارها) و (قانون توالی صدا دارها) و جدول های مربوطه آن ها را به خوبی از نظر به گذرانید (به فصل " قانون هم آهنگی صداها " مراجعه شود) و در رابطه متقابل

آن ها تعمق نمائید ، به آسانی درخواهید یافت که ، اگر نخستین صدادار یک کلمه آذری را به دانیم ، بقیه مدیت های آن کلمه معلوم خواهد بود ، بهطوری که ، اگر نوشته نشده باشند و یا اگر غلط نوشته شده باشند ، می توان آن ها را درست خواند ، و اصلاح نمود . زیرا نوع صدادارها و کلمات آذری از لحاظ محکمی و نرمی و یا مدوری و غیر مدوری بسته به صدادار نخست کلمه می باشد . این قانون هم شامل ریشه کلمات و هم واژه های آن ها است . (ریشه و پسوندها را در بحث صرف زبان آذری به تفصیل خواهیم دید) .

از این جا به روشنی دیده می شود که ، اگر علامت نخستین حرف صدادار کلمه آذری را بنویسیم ، احتیاجی به نوشتن علامت های حروف مصوت بعدی کلمه نخواهد بود ، مسلم است که ، نوشتن حروف صدادارها در سرتاسر کلمات ضروری است ولی به نوشتن علامت های آن ها ، جز در اول کلمات آذری نیازی نیست . با وجود این ضروری است که ، قواعد نگارش حروف صدادار در بخش نخستین کلمات را از نظر بگذرانیم .

چنان که در فصول پیشین دیدیم ، طرز نگارش دو صدادار (آ - ه) از قرن ها پیش در زبان آذری ، همانند زبان های عربی و فارسی ، مشخص بود و امروز نیز مورد قبول همگان است . با وجود این طرز نگارش صدادار (ه) و یا فتحه در وسط کلمات آذری جای تامل می باشد . در متون قدیمی آذری این حرف را در وسط کلمات اصولاً نمی نوشتند ، اما در دوران اخیر بعضاً " آن را می نویسند . خواه در متون قدیمی و خواه معاصر ، آن جاکه ، (ه) در وسط کلمات نوشته نشود ، اشکالی در خواندن و نوشتن ایجاد نمی کند . این کار زائیده یک قانون صوتی زبان آذری است که ، در جای خود ذکر نمودیم و آن این که ، دویی صدا در یک بخش یک کلمه بلافاصله پشت سرهم نمی آیند و هرگاه چنین وضعی در نوشته ها مشاهده شود ، بدان معنا است که ، در وسط آن دو صدادار (ه) و یا فتحه وجود دارد . با در نظر گرفتن این که ، امروز تمام صدادارهای زبان آذری دارای حرف و یا علامت مشخص و یا تثبیت شده ای می باشند ، لذا پشت سرهم نوشته شدن دو بی صدا در وسط کلمه دلیل بر وجود فتحه یا حرف (ه) بین آن ها بوده و در نتیجه کلمه جز به یک شکل معین خوانده نخواهد شد .

اما آن گاه که، در وسط کلمه صدا دار (ه) در آخر بخش ها قرار گیرد و انداختن حرف آن موجب ایجاد دشواری در خواندن باشد و یا به تعبیر دیگر نوشتن آن باعث سهولت خواندن و فهمیدن گردد، نگارش آن بهتر خواهد بود. مثلاً "در کلمات نظیر: اله مک (بیختن)، سؤیله مک (گفتن)، دینله دیک (گوش کردیم)، ایزلهرم (تعقیب خواهم کرد)، گوئلده دیک (منتظر شدم)، اینله مک (زاری کردن)، مله مک (بع بع کردن)، بله مک (پیشیدن - قنداق کردن)، ...، همچنین آن گاه که انداختن صدا دار (ه) در وسط کلمه موجب اشتباه و اختلاف معنی با کلمات مشابه گردد، نوشتن آن ضروری است، مثلاً "کلمه "گلجک" رامی توان به دو معنی "آینده" و "به محض آمدن" خواند و فهمید. با وجود این که، معنای کلمه را می توان از فحوای جمله دریافت، برای پیش گیری از خطای احتمالی و سرعت فهم بهتر است که، کلمه "آینده" را به شکل "گله جک" و دومی را به صورت "گلجک" نوشت. به کلمات مشابه در زبان معاصر آذری در افعالی که دارای مصوت های نرم می باشند، بیش تر برخورد می کنیم. مانند: گوئرک (تادید)، گوئرجهک (خواهد دید)، وئرجهک (تاداد)، وئرجهک (خواهد داد)، سوئرجهک (تا خاموش شد)، سوئرجهک (خاموش خواهد شد)، ...،

چنانکه ملاحظه می شود، برای نوشتن صدا دار (ه) و یا فتحه در وسط کلمات آذری نمی توان فرمول شامل و قطعی قائل شد. برای این کار باید ایجاد سهولت برای خواننده و هم چنین اجتناب از اشتباه و اختلاط معنا را معیار نگارش قرار داد.

نگارش مصوت های گرد:

بزرگترین مشکلی که، در پرتو مشخص نمودن حروف و علامت هلی صدا دارها از سر راه نوشتن و خواندن زبان آذری برمی خیزد، طرز نگارش و نمایاندن چهار مصوت گرد این زبان، یعنی (و-ؤ-و-ؤ) می باشد. رعایت اصول نگارش و

ویژگی‌های الفبای عربی در نمایاندن این حروف در طول تاریخ ایجاب می‌کرد که، حروف اساسی همه آن‌ها "واو" باشد. اما علامت‌های ویژه آن‌ها از یک طرف آن‌ها را از یک دیگر و از طرف دیگر آن‌ها را از بی صدای "واو" متمایز می‌کند. اگر در قواعد نگارش زبان عربی و فارسی دقیقاً "مطالعه نماییم، در می‌یابیم که از قدیم الایام و حتی در قرآن مجید علامت اساسی مصوت‌های گرد محکم و حتی در بعضی موارد مصوت‌های گرد نرم این دو زبان نیز همان اشاره (واو) بوده است.

نمونه‌هایی از زبان عربی قول (کلام - گفتار)، قالوا (گفتند)، قولوا (بگوئید)، مؤمن، مؤذن، مؤدب، مؤاخذه، مؤکد، مؤید، مؤلم، معمول، معلوم... نمونه‌هایی از زبان فارسی: خوش، خوب، خوردن، خودم، خوشه، خون، سرنگون، همگون، چون، خوک، نوک، سوک، نستوه، توبه، تور، نور، زنبور، کور، دور، ...

بر اساس آن چه در "قانون هم آهنگی صدا دارها" و "قانون توالی صدا دارها" دیدیم، اگر حروف و علامت‌های این چهار صدا دار را نیز در اولین بخش کلمه بنویسیم، در زبان ترکی نیازی به نگارش اشارات آن‌ها در بخش‌های بعدی کلمات نخواهد بود و کافی است که فقط حروف اصلی آن‌ها نوشته شود. در باره نگارش علامت‌های این حروف در اول کلمات و یا در بخش نخستین آن‌ها باید در نظر داشت:

۱ - در اول کلمات به موازات استعمال اشارات ویژه این صدا دارها، نگارش الف نیز ضروری است. این ضرورت نتیجه رعایت اصل تاریخی در قواعد نگارش می‌باشد. یعنی در طول تاریخ، با وجود این که علامت اصلی بعضی از این چهار صدا دار نوشته می‌شد (اونلار= آن‌ها)، (اوزون= دراز)، نگارش الف به جهاتی معمول بود اما این عمل حروف چهار گانه گرد را به طور دقیق مشخص نمی‌کرد در حقیقت این الف اشاره‌ای بود دال به وجود مصوت و تمیز آن از بی صدای "واو"

امروز با وجود این که، هریکی از این صدا دارها دارای علامت مشخص می‌باشد و ظاهراً "چنین به نظر می‌رسد که، نوشتن الف زاید است، نوشتن آن باعث

قطع رابطه با اصول نگارش قدیم بوده و تولید اشکال برای خوانندگان خواهد کرد. لذا نوشتن آن فعلاً "ضروری است تا آیندگان چه تصمیمی درباره آن اتخاذ کنند، نمونه‌ها: اؤدون = هیزم، اوجاق = کانون - اجاق، اوزون = دراز، اؤزگه = دیگری - بیگانه، اوزوم = خودم، اوزن = رود (در کلمه قیزیل اوزن)، اوزوم = انگور، اوجوز = ارزان، اوشومک = چائیدن، اومود = امید، از مصدر اوماق = انتظار داشتن، اوزمان = جنگل - بیشه، اؤپمک = بوسیدن، اؤردک = مرغابی، اؤکوز = گاو، اوسگورمک = سرفه کردن، اوتورمک = ول کردن - به راه انداختن، اوترو = برای، اؤتمک = پیشی، گرفتن، اؤن = ده، اؤن = آرد، اؤن = مقابل - جلو، اؤن = صدا - ناله - شهرت، اؤبا = ده، خانواده - بزرگ گله دار سیار، اوتارماق = چراندن، اوتلاماق = چریدن، اؤسانماق = به تنگ آمدن، اوتانماق = خجالت کشیدن، اوشاق = بچه، اوتورماق = نشستن، اوتوز = سی، اوجماق = پریدن، اودماق = بلعیدن - بردن، اؤغلان = پسر، اؤغورلو = خوش یمن، اولکر = ثریا - پروین که، مجموع چند ستاره‌است، اؤبود = نصیحت، اؤپمک = تعریف کردن، اؤلوم = مرگ، اؤلوشگه‌مک = پژمردن، اؤلگون = پژمرده، اؤلماق = شدن، اؤنلار = آنها، اؤو = شکار، اؤوماق = خرد کردن، اؤوو شودورماق = پنجه زدن - مشت مال کردن، اؤتاق = اتاق، اؤزاق = دور، اورتا = وسط، اؤسگوک = انگشتانسه، اؤست = بالا - فوق، اؤنلوک = پیشگیر، اؤیرتمک = یاد دادن، اؤلچمک = اندازه گرفتن، اؤلچو = اندازه، اؤغول = پسر - فرزند، اؤتلاق = چراگاه، اؤووتماق = تسلی دادن - آرام کردن، اؤخ = تیر، اؤت = گیاه، اؤد = آتش، اورتمک = پوشاندن، اؤچ = سه، اؤءد کیسه سی = کیسه صفا، اؤللو = بزرگ، اؤیناماق = بازی کردن - رقص، اؤیماق = کندن، اؤیماق = ده - کوره ده، اؤیناق = مفصل، اؤیون = بازی - مسخره - رقص، اؤوچ = کفه دست، اؤرتاق = شریک، ...

به نظر ما به نوشتن اشارات کلماتی که، بی نهایت مشهور و معلوم خاص و عام می باشند، مانند (او - او) نیازی نیست.

۲ - در نخستین بخش کلمات، نوشتن حروف اصلی و علامت های صدا دارهای گرد ضروری است، زیرا، همانند حالت نخست، این کار علاوه بر آنکه، این

چهار صدا دار را از هم متمایز می‌کند، راهنمای طرز تلفظ صدا دارهای بعدی کلمات بوده و نیاز نوشتن علامت های خاص آن ها را بر طرف می‌کند. نمونه‌ها:

قویون = گوسفند، قؤل = بازو، بۇرون = بینی، بۇداق = شاخه، بۇل = فراوان، بوئیور = پهلوی، بوئرک = کلاه، بوئیومک = بزرگ شدن، بۇلاق = چشمه، بۇران = بوران، بوئرک = قلوه، بویون = گردن، دوئرد = چهار، دوققور = نه، سۇترا = بعد، تۇکولمک = ریختن، تۇولاماق = فریفتن – چرخاندن، توتولماق = گرفتار شدن، کوک = ریشه – چاق، چۆخ = زیاد، تئخ = سیر، چوخور = چاله، چوئکمک = ریختن – خراب شدن، چوئلکمک = دیزی، چوئزمک = ساز کردن – حل نمودن، سۇ = آب، سۇوروماق = به باد دادن، سوز = کلمه، سول = چپ، سۇرماق = مکیدن، سۇساماق = تشنه شدن، سۇزمک = چکاندن، قووماق = راندن – تاختن، قۇوروماق = سرخ کردن – بودادن، قۇوروماق = قاق، قودوق = کره خر، کوما = کلبه، کوزک = پوستین، کوپ = خم، کوئروک = دم آهنگری، کۇپمک = باد کردن، گوئرمک = دیدن، کوئچمک = کوچیدن، گوئن = چرم، لۇوئا = از خود راضی، نۇخدا = لگام، مۇتال = انبان، کوئز = گل آتش، وۇرماق = زدن، هوئرمک = عوعوکردن، هوئرمک = بافتن، قۇوشماق = به هم رسیدن، قۇدوروماق = پای از اندازه بیرون نهادن – هار شدن، قووزماق = بلند کردن، دۇزلوک = راستی، دوئزوم = تحمل – بردباری، دۇغراماق = قطعه قطعه کردن، دۇندورما = بستنی، دۇزلو = با نمک، دۇزلوق = نمک زار، دۇمان = مه، بولاما = آغوز، بۇبمبوش = خالی – خالی، توم = انبوه.

چنان که در قانون توالی صدا دارها دیدیم، کلمات مرکب تابع آن قانون نبودند، لذا در هر یک از عناصر مرکبه این کلمات باید علامت گذاری صدا دارها مراعات گردد؛ مثلاً "کهلک اوئو = آویشن، ساری کوک = زرد چوبه، اوئن اوچ = سیزده، گول آقا = اسم خاص، کؤراؤغلو = شخصیت و حماسه مشهور، دده قۇرقود = شخصیت و حماسه مشهور، گوئی گؤل = دریاچه مشهور نزدیک گنجه، کؤل کوئس = خس و خاشاک، پؤل – بؤل = به طور فراوان، ...

هم چنین در قانون توالی صدا دارها ملاحظه نمودیم که، آن قانون دارای استثناهای معدودی است. درچنین کلمات مراعات اشارات صدا دارها و به ویژه

صدا دارهای گرد برای درست تلفظ نمودن کلمات، در اکثر جاهای ریشه کلمات ضروری است. ولی در پسوندهای این کلمات نیازی به استعمال اشارات صدا دارها نیست، زیرا این مسئله بر اساس قانون "توالی صدا دارها در پسوندها" (به بحث قانون هم آهنگی صداها "مراجعه شود) مشخص می باشد. نمونه ها: بۆلۆو (سنگ کارد تیز کن)، بۆتۆلۆکله (به تمامی)، کۆسۆو = کۆسۆلار (چوب های نیم سوخته)، قیرۆو (شبنم منجمد)،

به احتمال قوی این کلمات استثنائی یا ریشه ترکی ندارند و یا کلمات مرکب می باشد که، در طول زمان شکل اصلی خود را از دست داده اند.

نگارش (ای-ای):

در باره نگارش علامت های این دو صدا دار در اول کلمات و یا در بخش نخستین آن ها نکات زیر را باید در نظر داشت:

- ۱- در اول کلمات به موازات نوشتن حروف اصلی و اشارات ویژه آن ها، نگارش الف در اول به همان علل مذکور، در باره حروف مدور ضروری است.
- ۲- در باره نگارش علامت صدا دار محکم (ای) در اول و یا در بخش نخست باید متذکر شد:

الف - نوشتن علامت آن در کلمات تک هجائی و آن گاه که، در بخش های بعدی کلمه مصوت (آ) نیاید و فقط خود همین مصوت تکرار شود، کمال ضرورت را دارد/از قانون توالی صدا دارها معلوم است که، اگر نخستین صدا دار کلمه (ای) باشد صدا دارهای بعدی فقط یکی از دو صدا دار (آ-ای) و یا هر دوی آن ها می تواند باشد/ زیرا عدم استعمال علامت برای خوانندگان غیر آذری و حتی بعضی از خوانندگان آذری تولید اشتباه می نماید. در بعضی از لهجه های آذری صدا دار محکم (ای) وجود ندارد، مانند لهجه ارونق (گونئی) نمونه ها:

فیش = زمستان، قیسیر = نازا، قین = غلاف، قیریق = شکسته، سیرتیک = پر رو، قیچ = پا، میریق = لب شکری، جیریق = پاره، قیزیل = طلا،

شیر - شیر = شر شر آب ، فیش - فیش = فیش فیش ، میر - میر = صدای خاصی
 گربه ، جیر - جیر = صدای گنجشک ، فیس - فیس = صدای تنفس سنگین ،
 آیلدیریم = آذرخش ، ایشیق = روشنائی ، ایلغیم = سراب ، ایلیق = ولرم ،
 هیریلتی = خنده بی ادبانه ، قیلیق = شکل - قیافه طرز رفتار با ، ...

اما آن گاه که ، پسوندهای حاوی صدادار (آ) براین کلمات منصل شوند ،
 لزوم چندانی به نگارش علامت آن نخواهد بود . بجا است متذکر شویم که ،
 در چنین حالات صدادار (ای) هیچ گاه با بی صدای (ی) اشتباه نخواهد شد ،
 زیرا در زبان آذری دو بی صدا ، به ویژه در وسط کلمه نمی آید و بنابراین حرف
 جز صدادار محکم به شکل دیگری استنباط و تلفظ نخواهد شد . با وجود این
 نوشتن علامت صدادار در این حالت برای درک سریع مطلب کمک خواهد کرد و
 در سال های نخستین آموزش ، نوشتن ضروری است . نمونه ها : قیریقلار = شکسته ها ،
 قیشلار = زمستان ها ، بیغلار = سبیل ها ، آیلدیرملار = آذرخش ها ، ایشیققلار =
 روشنائی ها ، ایلغیملار = سراب ها ، سیرتیقلار = پروها ، قیلینجلار = شمیرها
 ... ،

ب - آن گاه که در بخش های بعدی کلمه مصوت های (آ - ای) بیاید ،
 علاوه بر نوشتن حرف اصلی صدادار (ای) در بخش نخست ، نگارش علامت آن
 نیز اولی است ، زیرا این کار علاوه بر آنکه ، دو صدادار (ای - ای) را از هم متمایز
 می نماید (گواهی که این علامت با وجود صدادار (آ) در کلمه مشخص می باشد) ،
 برای اهل زبان و غیر آن در خواندن سهولت فراهم می کند . راهنمای طرز
 تلفظ صدادارهای بعدی کلمه بوده و نیاز نوشتن علامت های خاص آن ها را در
 ریشه و پسوندهای کلمات بر طرف می کند . نمونه ها : قیریلداق = حیلہ ، قیر -
 یلداقچیلاری = حیلہ گران را ، قیراق = کنار ، قیراغیندا = در کنارش ، قیرا
 = کوتاه ، میریلداماق = میر میر کردن ، هیریلداماق = بی ادبانه خندیدن ،
 قیرا = کالک ، قیسلماق = خود را چسباندن ، قیر = قیر ، قیریلماق = پاره شدن ،
 خیرچا = کالک (در لهجه مراغه) ، قیسیلداماق = فیش فیش کردن ، قیر -
 یلداق = با افاده حرف زدن ، خیردا = کوچک ، قیرلانماق = دور خود
 گردیدن ، خیریلداماق = خرخر کردن ، سیناماق = آزمودن ، سیناقلاری =

آزمایش ها را ، خینگال = نوعی غذا که ، از خمیر پخته شود ، دیغلاماق = مسلول شدن ، دیغیرلاتماق = دیبیرلاتماق = غلطانیدن ، ...

ج - چنان که در بحث حروف صدا دار دیدیم ، اگر مصوت محکم (ای) در بخش اول کلمه بیاید و در بخش های بعدی فقط صدا دار (آ) باشد ، این صدا دار نرم تلفظ خواهد شد ، گو این که محلا " و براساس قانون هم آهنگی صدا دارها محکم می باشد . در این صورت نیازی به استعمال علامت صدا دار محکم (ای) نخواهد بود . نمونه ها : ایلان = مار ، لیمان = بندر ، میلاق = انگورهای به ترتیب به نخ بسته شده ، پیچاقلار = کاردها ، تیماج = چرم ، تیخاج = پنبه چوب ، چیپان = دمل ، سیچان = موش ، تیکان = خار ، تیپان = ظرف بزرگ مسی ، ایرماق = رودخانه ، اینانماق = باور کردن ، ایراق = دور ، اینانج = باوری ، ایسلانماق = خیس شدن ، اینام = ایمان ، ...

۳ - در باره نگارش علامت صدا دار نرم (ای) در اول و در بخش نخستین کلمات باید در نظر داشت که ، اصولا " نیازی به استعمال آن نیست زیرا :

الف - در کلمات تک بخشی شایع و معروف که ، با مصوت (ای) آغاز می شوند ، با در نظر گرفتن این که ، الف نمایانگر صدا دار است ، نبودن علامت معرف نرمی آن می باشد . علاوه بر این با پیدا کردن مصدر (اگر فعل باشد) ، یا با جمع بستن خیالی و یا پیدا کردن یکی از مشتقات آن (اگر اسم باشد) ، می توان به سادگی به کیفیت آن پی برد . نمونه هایی برای این قبیل کلمات : ایپ = رسن ، ایل = سال ، ایز = رد - نشانه ، ایچ = به نوش - داخل ، ایش = کار ، ایت = سگ ، ایلک = نخستین .

ب - در کلمات تک بخشی شایع که ، دارای مصوت (ای) می باشد ، چون دو بی صدا در یک بخش پشت سر هم نمی آید ، لذا قرار گرفتن حرف (ی) بین دو بی صدا نمایانگر این است که ، جز صدا دار نمی تواند باشد و نبودن علامت ویژه معرف نرم بودن آن می باشد . علاوه بر این ها در این کلمات که ، اکثرشان سوم شخص مفرد امرافعال می باشند ، با پیدا کردن مصدر افعال و یا جمع بستن خیالی اسماء این کلمات می توان به آسانی به نرمی صدا دار پی برد . نمونه هایی از این قبیل کلمات : بیر = یک ، کیم ؟ = که ؟ ، دیل = زبان ، مین = هزار ، دیش = دندان

، بیج = دروکن، دیک = برآمده - برجسته، دین = حرف بهزن، کیپ = فشرده ،
 بیج = بجه غیر قانونی - شیطان، بیز = نوک تیز، بیش - پیش = بیز، بیل =
 بدان، مین = سوار شو، سیل = پاک کن، سیم = سیم، سیز = شما، هیس =
 دوده، دیب = آخر - ته، دیز = زانو، ...

ج - در کلمات چند بخشی که، با صدا دار (ای) آغاز می شوند و یا نخستین
 بخش آن ها دارای این مصوت می باشد :

۱ - اگر در بخش های بعدی کلمه صدا دار نرم (ه) باشد، این خودنمایانگر
 این است که، صدا دار نخست نرم می باشد. نمونه ها: تیکه = لقمه، دیرک =
 تیر - سقف، دینک = صدا کردن - حرف زدن، شمشک = آذرخش، پیاتسه =
 فتیله، گیرمک = داخل شدن، کیریمک = ساکت شدن - خود را جمع کردن،
 بیله سینه = به خودش، بیلیمک = دانستن، مینمک = سوار شدن، ایشله مک =
 کار کردن، دیشله مک = گاز گرفتن - دندان گرفتن، ایچمک = نوشیدن، بیچمک
 = درو کردن، دیلنمک = به حرف در آمدن، تیکمک = دوختن، ایگنه = ایینه
 = سوزن، پینه = وصله کفش، دیله مک = آرزو کردن، سیلمک = پاک کردن،
 ایلمک = گره قالیبافی، ایپک = ابریشم، اینک = گاوماده، دیلک = آرزو، ایستک
 = خواهش - آرزو، بیلک = بازو، دیرسک = آرنج.

۲ - اگر در بخش های بعدی کلمه صدا دار (ه) نباشد، براساس قانون توالی
 صدا دارها مصوت دیگری جز (ای) نمی تواند باشد، لذا استعمال علامت صدا دار
 ضروری به نظر می رسد. اما با پیدا کردن مصدر کلمه (اگر فعل باشد) و یا با جمع
 بستن خیالی کلمه و یا افزودن پسوندهای مناسب و مفید مرام به آن (اگر اسم
 باشد) می توان نوع صدا دار را تعیین نموده و از استعمال علامت آن بی نیاز
 بود. نمونه های از این قبیل کلمات: ایچی = دو، ایکینچی = دوم، ایندی =
 حالا، ایتی = برنده، پینتی = کثیف - نامتیز، میتیل = لحاف بی رویه، زبیل
 = زباله، زیگیل = زگیل = ناخوشی مخصوص پوست دست، پیتی = آبگوشت،
 دیری = زنده، ایلیک = مغز استخوان، گیریش = مقدمه - مدخل، بیلدیریش =
 اعلان، مینیک = حیوان سواری، بیتیک = چیز نوشته - مکتوب، بیلیک =
 معلومات، ایرین = آبی که از دمل بیرون آید، چیگیین = کتف - شانه.

د - علاوه بر همه موارد فوق در زبان ادبی معاصر آذری به کلماتی نیز برخورد می کنیم که ، نوشتن علامت صدا دار (ای) باعث اشتباه و اختلاط با کلمات مشابه می گردد تشخیص آن از بی صدای (ی) جز از فحوای جمله میسر نمی گردد و این کار برای خوانندگان عادی دشوار است . در چنین کلماتی استعمال علامت بی صدای (ای) ضروری است . برای نمونه کلمات " ایری " کج و " ایری " درشت را می توان نشان داد .

در خاتمه این بحث اشاره به این مسئله خالی از فایده نخواهد بود که در زبان ادبی معاصر آذری به کلمات زیادی برخورد می شود که ، دارای معانی مختلف ولی شکل و تلفظ واحدی می باشند و به اصطلاح زبان شناسی هم آوا (" اومونیم ") هستند و در بحث لکسیک (ترکیب لغوی زبان) به طور مفصل بحث خواهد شد . این کلمات چنان که تلفظ می گردند ، نوشته می شوند و معنای آن ها از فحوای جمله مشخص می گردد . به چنین کلمات در تمام زبان های عالم برخورد می شود . نمونه ای برای این گونه کلمات : ایچ = بنوش ، ایچ = داخل ، مین = هزار ، مین = سوار شو ، بیز = ما ، بیز = نوک تیز .

نگارش (د) :

چنان که در فصل های پیشین دیدیم ، این صدا دار فقط در نخستین بخش کلمات آذری می آید و تنها در دو کلمه تک بخشی (دئی - بگو - یئی - بخور) در آخر کلمه نوشته می شود . این صدا دار در اول (ائ) و در وسط کلمات به شکل واحد (ئ) نوشته خواهد شد و به چنین طرز نگارش در متون قدیم نیز برخورد می کنیم . نمونه ها : ائل (خلق) ، ائتمک (کردن) ، سئل (سیل) ، بئل (کمر - بیل) ، ائله (چنان) ، بئله (چنین) ، تئل (زلف - سیم آلت موسیقی) ، ائو (خانه) ، هئو (به) ، ائشیک (خارج) ، ائشمک (تابیدن) ، گئری (عقب) ، گئیمک (پوشیدن) ، گئیم (پوشاک) ، گئن (وسیع) ، ائن (عرض) ، بئیین (مغز) ،

پئھین (فضله چهار پایان) ، سئھین (کاسه سفالی) ، گئتمک (رفتن) ، کئه
 (دیر فهم) ، شئه (شبنم) ، بئش (پنج) ، یئددی (هفت) ، یئتمک
 (خوردن) ، بئزمک (به تنگ آمدن) ، بئز (کرباس) ، سئزمک (ترشح کردن) ،
 یئگین = یئیین (تند - سریع) ، یئم (علوفه حیوانات) ، یئکه (بزرگ) ، یئر
 (زمین) ، یئریمک (راه رفتن) ، یئنی (تازه) ، یئنگه (زنی که شب زفاف عروس
 را همراهی می کند) ، یئکه (بزرگ) ، یئلکن (بادبان - کشتی) ، یئدک
 (یدک - اضافی - احتیاطی) ، یئکون (جمع - جمع بندی) ، یئلله مک
 (بادزدن) ، یئلپیک (باد بزن) ، یئمیش (میوه) ، یئنی لیک (تازگی - تجدید)
 ، یئتمک (رسیدن به حد بلوغ - رسیدن) ، یئرلشمک (جاگرفتن) ، یئرلشدیرمک
 (جای دادن) ، یئرلی (اهل محل) ، یئتیم (یتیم) ، یئتیشمک (رسیدن -
 رسیدن میوه - به حد بلوغ رسیدن) ، یئتیش (هفتاد) ، ائلچی (سفیر -
 نماینده) ، لئیلک (لک - لک) .

طرز نگارش کلمات مورد بحث و اختلاف :

در بحث طرز نگارش صدا دارهای آذری مشاهده نمودیم که محل طرز نگارش
 آن ها مشکل اساسی اصول نگارش زبان ادبی آذری را آسان کرده است؛ با وجود
 این به مواردی درباره نگارش بی صداها نیز برخورد می کنیم که ، تاکنون مورد
 بحث و گفتگو بین نویسندگان و صاحب نظران زبان آذری می باشند ، اینک به
 این موارد اشاره می کنیم :

۱ - کلمات آذری که ، در زبان محاوره با یکی از حرف های (ق - خ) ختم
 می شوند اگر تک بخشی باشند با حرف (خ) و اگر چند بخشی باشند با حرف (ق)
 نوشته خواهند شد . نمونه ها : باخ (نگاه کن) ، اوخ (تیر) ، یاخ (بمال) ، چوخ
 (زیاد) ، یوخ (نه) ، توخ (سیر) ، بیخ (به تنگ بیا) ، سیخ (فشرده - فشار
 بده) ، چیخ (بیرون شو) ، ... قاچماق (دویدن) ، قوچاق (مرد -

یل - قهرمان) ، پیچاق (کارد) ، یازماق (نوشتن) ، ایراق (دور) ، آییق
(بیدار) ، قوروق (قوروق) ، ...
لازم به تذکر می باشد :

الف - مصادر زبان آذری که در بعضی از لهجه ها و از آن جمله لهجه تبریز ، عموماً " با حرف (خ) ختم می شوند ، اگر دارای صدادار نرم باشند با حرف بی صدای (ک) و اگر دارای مصوت محکم باشند بابتی صدای (ق) نوشته می شوند .

ب - کلمات تک بخشی که ، با حرف (غ) ختم می گردند به همان شکل نیز نوشته می شوند مانند ساغ (سالم) ، آغ (سفید) ، یاغ (روغن) ، باغ (باغ) ، تاغ (بوته) ، چاغ (زمان) ، داغ (کوه گرم) ، زاغ (زاغ - اسیر = مثل برده) ، ... می لرزد) ، ...

ج - از روی قانون هم آهنگی صداها می دانیم که ، در کلمات آذری که بی - صدای (ک) بین دو مصوت واقع شود ، به یکی از دو شکل (گ - ی) تلفظ و نوشته می شود . لازم است که ، چنین کلماتی را به طور کلی با بی صدای (ی) نوشت . اما در کلماتی که ، قبل از این حرف و یا بعد از آن صدادار (ی) باشد ، برای احتراز از کثرت نقطه گذاری که ، برای خواندن نیز تولید اشکال می نماید ، بهتر است که ، بی صدای (ک) بکار برده شود . مثلاً " ایگرمی (بیست) ، ایگرنج (نامطبوع) ، زیگیل (مرض جلدی دست) ، اگیلمک (خم شدن) ، ایگیت (مرد - قهرمان) چیگیت (پنبه دانه) ، سیگیرمک (آختن - تمیز کردن) ، بگنمک (پسندیدن) ، دگیرمان (آسیاب) ، دگیشمک (عوض کردن) ، دئگینمک (لند لند کردن - غر زدن - نق زدن) .

ه - با وجود اینکه صدای مزدوج (دیفتونگ) و - و در بعضی لهجه های زبان آذری در آخر کلمات به شکل (و - ی) تلفظ می شود ، خواه در وسط و خواه در آخر کلمات به شکل ثابت (و - و) نوشته می شود . نمونه ها : دؤوشان (خرگوش) ، اؤو (شکار) ، بؤلؤ (سنگ کارد تیز کن) ، کؤوشن (مزرعه) ، اؤوچو (شکارچی) ، کؤسؤو = کوسو (هیزم نیم سوخته) ، تؤولاماق (گول زدن - گرداندن) ، بؤتؤو (کل - شش دانگ) ، چؤوگون (گرد با توام با برف) ، سؤولاماق (از سر

باز کردن) ، قووماق (راندن) ، نوو (لوله چوبی آسیاب) ، اوووج (کف دست) ، اووماق (خرد کردن) ، اووسونلاماق (سحرکردن) ، اوووشدورماق (سائیدن – پنجهزدن) ، گووده (تنه – بدنه) ، هوولسک (باعجله) ، کوورلمک (سخت متاثر شدن) ، مؤو (رز) .

در پایان این مبحث اضافه نماییم که: طرز نگارش نهایی مصوت ها و علامت های آن ها ، و هم چنین نگارش و یا حذف الف از اول کلمات آغاز شوند به با مصوت های: ای-ا-آ-او-او-او-او بسته به تصمیم های نهایی متخذه از سوی مراکز فرهنگی و کانون های مهم تصمیم گیری علمی - ادبی است .

نمونه‌هایی از شیوه نگارش متون معاصر آذری

در پایان بحث قواعد نگارش زبان ادبی آذری بجا است که نمونه‌هایی از نوشته‌های معاصر آن را نیز ارائه دهیم تا رهنمودی علمی در این مورد باشد .
 نخستین نمونه را از سرآغاز کتاب " حماسه کؤراوغلو " انتخاب نمودیم که،
 شناخته شده ترین حماسه در میان ترکان آذری است :

" کؤر اوغلونون اوز آدی رووشن ایدی ، آتاسینن آدی علی . علی ، وار -
 دولتی ایله مشهور اولان حسن خانین ایلخچی سی ایدی . علی بده ایللر
 حسن خانا ایلخی اوتارمیشدی ، اونون قاپیسیندا شعرونو ، گونسو چروردو .
 ساققالینی آغارتمیشدی .

علی بیرگون ایلخینی دریا قیراغینا آپارمیشدی . آتلار دربانین قیراغیندا
 بیر اوتلاقدا اوتلا بیردی . علی بیردن گوردو دریادان ایکی آت چیکدی .
 آتلار گلدیلر ایلخیدا ایکی مادیان باسدیلار ، سونرا قاپیدیب دریا یاگیردیلر .
 بوندان اوچ آی کئچدی . مادیانلارین هر هسی بیر قولان دؤغدو .
 قولانلار بویوبوب بیر یاشار اولدو .

بیر گون حسن خانین ائوینه بیر پاشا دوستو قوناق گلمیشدی . حسن خان
 دوستو پاشایا یاخشی قوناقلیق ائلدی ، کئفینی ، حالینی سوروشدو . پاشا حسن
 خانا چوخ راضیلیق ائله دی ، خانلیغینی ، دولت - مالینی بگندی ، صحبت
 آراسیندا دئدی :

حسن خان ، ائشیتیمشم سنین قشنگ جنس آتلارین وار ، گلدیم ایلخیندان
 ایکی آغیر لیق آت آپارام .

حسن خان ایلخی چیسو علینی یانینا چاغیریب دئدی :
 پاشا اوچون ایکی آغیر لیق آت تۇتدوراجاغام ، صباح ایلخینی چولما پارما .
 قوجا علی ، دریا آتلارینین بالالارینی آغیر لیغالایق گوردو ، اوباشدان
 قالخیب دریا آتلارینین بالالارینی تۇتدو ، خالخا میخا باغلادی ، قالان آتلاری
 یغیب چوله اوتوردو .

صباح آچیلدی . حسن خان قوناغی پاشا ایله قالخیب ایلخینین اولدوغو
یئره گلدی . پاشا گوردوخالخدا ایکی قیلان ساغلانیب ، بیلدی که ، حسن خانین
اونا پشکش چکدیگی آتلاردیر . دئدی :

حسن خان ، منه دئمیشدیلر سنین آغیر اولاسی یاخشی آتلارین وار ، نهیه
لازیمدیر بئله انگه لر ؟ منیم ائویمده ده چوخ ور .

پاشانین سؤزو حسن خان برك ندیدی . اورونو علی یه توتوب دئدی :
من سنه دئمه میشدیم می آت توندوراجاغام ، ایلخینی ساخلا ، نییه ساخلا مامیسان ؟
علی دئدی :

خان ساغ اولسون ، من آتلاری اوتدان قویماق ایسته ممدیم ، پاشایا لایق
آغیرلیق آتلار توندوم ، من قوجا ایلخی چییام^۱

دومین نمونه را از مقاله های برگزیدیم زیر عنوان " شعر تارینین اینجه تئللری " :
" سازلی - سوئلوعاشیق اوره کده اولان سئوینج و کده رینی ، سئویب - سئویلمه
گینی ، ائله باغلیلیغینی صدقلی سازی لد ترنم ائدهر . عشقه - حسرته معروض
قالان شاعر ، اوئل عشق - محبتینی ، قانا دوئموش اوره گینی بیر قیزیل گؤل ،
یاخود ، بیر گوئل شعر صورتینده سئوگیلی سینه و او یؤل ایله اوئلینسه
اتحاف ائدهر .

آما سوئل بورادا سونا چاتمايیر : هر بیر گوئرکملی شاعر اوئل یارادیجیلیغینی
ایله ائل ادبیاتینی زنگین لشدیریر ، شعرینده اولان عالی اجتماعی مفکوره سی
ایله جمعیتین دنیا گوئلر و روشونون گئنیش لنمه سینده یاردم گوئلر و نتیجه ده
ائل - اوبانین انکشافیندا ، مدنیتین داها بیره لی لئه سینده بوئوک مقیاسدا
سهیم اولور (۲) ...

۱ - کلیات کور اوغلو ، تبریز ، ۱۳۴۵ . ص ۴ - ۳ .

۲ - " شعر تارینین اینجه تئللری " ، از دکتر علی اکبر ترابی ، مندرج در مجله
" وارلیق " ، چاپ تهران ، اسفند ۱۳۵۹ ، ص ۱۰۲

مهمترین منابعی که، در نگارش این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است :

الف) آثار علمی :

۱ - معاصر آذربایجان دیلی - بیرینجی جلد، آذربایجان سوّهت سوسیالیست جمهوریسی علملر آکادمیاسی، نسیمی آدینا دیلچی لیک اینستیتوتو، مسئول رداکتورلار :

آکادمیک م . آ . شیر علییف ، ز . ی . بۇداقووا ، باکی ۱۹۷۸ .

۲ - معاصر آذربایجان دیلی - مختار حسین زاده، آذربایجان دولت اونیورستیدسی نشریاتی، باکی ۱۹۵۴ .

۳ - معاصر آذربایجان دیلی، مختار حسین زاده، معارف نشریاتی، باکی ۱۹۷۳ .

ب) آثار فولکلوری :

۱ - امثال و حکم ، علی اصغر مجتهدی، تبریز، انتشارات فردوسی (تاریخ چاپ ندارد) .

۲ - آذربایجان بایاتیلاری، سهمانلایانی نقابی، تبریز ۱۳۵۸ .

۳ - کلیات داستان کؤراوغلو، تبریز ۱۳۵۴ .

۴ - اصلی و کرم، تبریز، نشریات فردوسی .

۵ - مسیب نامه، تبریز .

۶ - کتاب دده قورقود .

ج) آثار ادبی :

۱ - تفسیر البیان ترکی، جلد ۱ - ۲، مترجم شیخ الاسلام محمدحسن موسی زاده شکوی، تبریز ۱۳۹۹ ه . ق .

۲ - شاه اسماعیل ختائی، باکو ۱۹۴۶ .

۳ - فضولی، دیوان، (استامبول ۱۲۸۶ ه . ق) .

۴ - کلیات قمری، استامبول، ۱۳۲۷ ه . ق .

۵ - دلریش، تبریز ۱۳۴۳ .

۶ - کلیات میرزا علی معجز، تبریز .

- ۷- شیبسترلی میرزه علی معجز، اوچونجو جلد، تبریز.
 - ۸- حیدر بابایه سلام، اسناد محمد حسین شهریار، تبریز، ۱۳۳۲.
 - ۹- سازمین سوؤزو. جلد ۱-۲، ب. ق. سپند، تبریز، انتشارات شمس.
 - ۱۰- لیریک شعرلر، حبیب ساهر، تبریز.
 - ۱۱- اوْدلی سؤزلر، علی اکبر حداد، تبریز ۱۳۵۸.
 - ۱۲- عیسی نیر سون شامی، سونمز، تبریز ۱۳۵۸.
 - ۱۳- آغیر ایللر، سونمز، تبریز ۱۳۵۸.
 - ۱۴- مجموعه ۱، آذربایجان یازیچیلاری هیئتی تهران، ۱۳۵۷.
 - ۱۵- عاشیقلی کروان، مفتون امینی، تهران، ۱۳۵۷.
 - ۱۶- آیسیز گنجده لر، آلاو، تبریز.
 - ۱۷- رنگارنگ، کریمی جلد ۱-۲-۳-۴-۵-۶، مراغه.
 - ۱۸- دیوان لعلی، تبریز.
 - ۱۹- باغبان ائل اوغلو، م. شیبسترلی، تبریز.
 - ۲۰- دان اولدوزو، زنجان شاعرلریندن شعرنمونه لری.
- د (مجلات :
- ۱- وارلیق، ۱۳۵۹ نجوایل.
 - ۲- دده قورقود، ۱۳۵۹ نجوایل.
 - ۳- گونش، ۱۳۶۰ نجوایل.

بتاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۸

انتشارات نوبل - تبریز

۱۳۷۰

تلفن ۵۱۴۶۲

